



روستانشینی در ایران

چاپ دوم

کاظم ودیعی
استاد دانشگاه تهران

شورای عالی فرهنگ و هنر
مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

۳۹

تجدید چاپ وسیله اداره روابط عمومی ستاد بزرگ ارتش ایران
با اجازه شورای عالی فرهنگ و هنر

آموزش فرهنگ میهنی

روستائشینی در ایران

کاظم ودیعی

استاد دانشگاه تهران

شورای عالی فرهنگ و هنر
مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی

۳۹

تجدید چاپ وسیله اداره روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشتاران
با اجازه شورای عالی فرهنگ و هنر

این کتاب در ۳۰۰۰ نسخه در فروردین ماه ۲۰۳۶
شاهنشاهی در چاپخانه ارتش شاهنشاهی به چاپ
رسیده است .

توضیح و تذکار

بفرمان مطاع مبارك اعلیحضرت هما یون شاهنشاه آریامهر و بنا بر تصمیمات متخذہ در ششمین و هفتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی وابسته به شورای عالی فرهنگ و هنر مأموریت یافت کہ بعد از مطالعات و بررسیهای لازم در زمینه آموزش فرهنگ میهنی بتعیین میزان و برنامه مواد درسی در این راه پرداخته متون مورد احتیاج را تهیه و تدوین نماید تا هم در نخستین سال دانشگاههای کشور مورد استفاده قرار گیرد و هم بتوان با استفاده از آنها در سطوح پایین تر آموزشی مطالب مورد لزوم را در تعلیم فرهنگ میهنی فراهم آورد. بر اثر مطالعات و بررسیهایی کہ انجام گرفت بیست و نه موضوع ذیل برای تهیه مطالب لازم در بیست و نه رساله مستقل انتخاب گردید کہ رساله حاضر یکی از آنهاست. بخواننده گرامی پیشنهاد می شود همه رسالاتی را کہ در این راه با شماره (۳۹) فراهم و بتدریج منتشر می شود نگهداری و بموقع بترتیب ذیل مرتب کند و در یک مجلد جمع نماید:

- ۱- تاریخ شاهنشاهی ایران و مقام معنوی آن
- ۲- پیوستگی آیین شاهنشاهی با زندگی و معتقدات ایرانیان
- ۳- کوشش و جانبازی ایرانیان برای پاسداری آیین شاهنشاهی ایران
- ۴- روستانشینی در ایران
- ۵- زندگی روزمره ایرانیان در خلال روزگاران

- ۶- نگاهی به تاریخ ایران
- ۷- علل و زمینه‌های پیروزیها و شکستهای ایرانیان
- ۸- سیری در تاریخچه روابط ایران با جهان از آغاز تا امروز
- ۹- فرهنگ ایران در برخورد با فرهنگهای دیگر
- ۱۰- بزرگان ایران در دوره نخستین اسلام
- ۱۱- سیر تاریخی و اجتماعی شاهنشاهی ایران
- ۱۲- مرزهای ایران در دوران تاریخ
- ۱۳- ثروت‌ها و برکتهای سرزمین ایران
- ۱۴- سهم فرهنگ ایران در پیشرفت بشریت
- ۱۵- استمرار فرهنگ ساسانی در دوران اسلامی و علل و عوامل آن
- ۱۶- هنرهای ایرانی و آثار برجسته آن
- ۱۷- آداب و رسوم ملی ایران
- ۱۸- ایران امروز
- ۱۹- خدمات دودمانهای شاهنشاهی ایران
- ۲۰- سیری در تاریخ زبانها و ادب ایرانی
- ۲۱- همبستگی و یگانگی ملی ایرانیان
- ۲۲- شناخت ملت ایران (نبره‌های ایرانی - خانواده و جامعه ایرانی)
- و ویژگیهای آن
- ۲۳- تقدس سرزمین ایران در آیین ایرانی
- ۲۴- بستر جغرافیائی تاریخ ایران
- ۲۵- شناسایی سرزمین ایران با توجه به زیباییها و ویژگیهای آن
- ۲۶- پایتخت‌ها و شهرهای نامی و تاریخی ایران و نقش آنها در تاریخ و فرهنگ سرزمین ایران
- ۲۷- پیوند زندگی و تاریخ و فرهنگ ایرانی با سرزمین ایران
- ۲۸- ویژگیهای فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در وحدت و استقلال ملی ایرانیان
- ۲۹- جنبش‌ها و فعالیت‌های فکری و دینی ایرانیان
- نکته مهمی که باید درباره این رسالات بدان توجه داشت آنست که تهیه

ردیف‌های ۱۹-۲۲-۲۵-۲۶-۲۷- وسیله شورای عالی فرهنگ و هنر در دست تهیه می‌باشد.

آنها بقصد آموزش فرهنگ میهنی انجام گرفته است نه بعنوان پژوهشی در این راه، زیرا بدیهی است که پژوهش در اینگونه مسائل هم نیازمند وقت و نیروی انسانی بیشتر است و هم نتایج آنها را نمی‌توان در صفحاتی چنین محدود گنجانید. این جزوه‌های تعلیمی در حقیقت بمنزله «طرح مطالب درباره آموزش فرهنگ میهنی» و بحثی مقدماتی راجع به آنهاست. درستست که بعضی از همکاران ارجمند در بحث خود از حدود طرح موضوع فراتر رفته و تا حدی در شرح مطالب بتفصیل گراییده‌اند، لیکن غالب همکاران دیگر حدود اختصار را در این راه‌نگاه داشته و جانب آنرا رعایت کرده‌اند تا کثرت تعداد صفحات، امر یادگیری را برای دانشجویان دشوار نسازد.

مقصود ما از طرح این مطالب در راه آموزش فرهنگ میهنی آنست که به اهل پژوهش و تحقیق، خاصه باستانی که عهده دار تدریس این مطالبند فرصتی داده شود تا موضوعات را بر حسب اطلاع خود مجدداً بررسی کنند و اگر نتایج بهتری از بررسی‌های خود یافتند آنرا بصورت جزوه‌های کاملتری عرضه دارند تا این موضوع بسیار تازه و جالب بتواند جای خود را چنانکه باید در میان مواد درسی دانشگاهی ما بیابد.

مطالبی که در رسالات حاضر جمع آمده چندان زیاد و دامنه بحث در آنها چنان وسیع است که متأسفانه نتوانستیم با همه کوششهای خود آنها را در صفحات محدود بگنجانیم، خاصه که مقصود ما در تهیه این جزوها طرح مطالب بود نه تدوین آنها بصورت کتابهای درسی موجز، بنابراین از استادان و معلمان ارجمند انتظار می‌رود که کیفیت تلخیص مطالب این رسالات را به دانشجویان بیاموزند و خود نیز من باب راهنمایی خلاصه‌هایی از آنها برای یادگیری دانشجویان ترتیب دهند تا مقصود از شناخت فرهنگ میهنی در آموزش عالی بهتر و سریعتر حاصل گردد.

مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی
شورای عالی فرهنگ و هنر

انتشار جزوات مربوط به آموزش
فرهنگ میهنی از سوی شورای عالی فرهنگ
و هنر ، فرصتی بدست داد تا با تجدید
چاپ و تکثیر آنها گامی در جهت آگاهی
بیشتر پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی
در زمینه فرهنگ ملی برداشته شود .

جزوه اخیر همراه با ۲۴ جزوه دیگر
شامل مسائل و موضوعات مختلف که
در مجموع بمنظور آموزش فرهنگ میهنی
در اختیار یگانهای نیروهای مسلح
شاهنشاهی قرار میگیرد ، میتواند
راهگشای علاقمندان ، پژوهشگران بویژه
افسران جوان در زمینه شناخت و بررسی
ویژگیهای فرهنگی ، ملی و تاریخی ایران
باشد .

اداره روابط عمومی
ستاد بزرگ ارتشتاران

سر آغاز

گذشته روستاشناسی در ایران

دیرینه شناسی جغرافیایی^۱ و باستانشناسی نشان می‌دهد که فلات ایران پس از يك دوره بارانی حدود ۱۰ الی ۱۵ هزار سال قبل وارد عهد نیمه خشك شده و این دوره هنوز هم ادامه دارد آثار ناشی از این خشك شدن تدریجی اقلیم در دگرگونی شرایط حیات انسانی سرزمین ایران بسیار است یعنی از يك طرف كم شدن باران و از طرف دیگر بلندی سطح دریاچه‌های داخلی جریان رودها و آب‌هایی را که از کوهها می‌آمده کند کرده و رسوبات آنها دشت‌های كوچك و بزرگ را تشکیل داده‌اند و می‌توان گفت که ساکنان فلات در این عهد غارنشین بوده‌اند. و آثار آنها را علاوه بر دامنه‌های شمالی البرز در دامنه‌های

1- Paleogeographie

مشرف برداخله فلات ایران از جمله دره جاجرود - آبعلی - رودهن و بسیاری نقاط دیگر مثل شمال شرقی شوشتر در کوههای بختیاری می بینم که رد پای این دوره وجود دارد و اخیراً هم در گیلان و مازندران آثار بدست آمده از غارها مبین تأمین خوراك انسانهای عهد مزبور از طریق شکار است .

معهدا نباید پنداشت که این دوره تمدنی منحصر به نواحی کوهستانی و نقاطی است که استعداد پیدا شدن غار در آنها زیاد است زیرا بعضی ظروف سفالی دود خورده سیاه رنگ در این غارها پیدا شده که نظیر آنها در نواحی جلگه ای که قرارگاه انسانها بوده است نیز می یابیم .

در این دوره، یعنی مقارن و معاصر عهد حجر جدید، در همان حالی که آبگیرهای داخلی می خشکید و کم آبی مسلط می شد خصوصیات تمدن انسانهای ساکن ایران میسرساند که حیوان و بر اثر و بدنبال آن انسان ساکن کوه کمرها بسمت دشتهایی که خاك رسوبی حاصلخیز در فصل مساعد پوشیده از گیاهشان میداشت نزدیک شده اند از این زمان، که تاریخ آنها بنا به اظهار گریشمن در حدود ۵ هزار ق . م تخمین زده اند، تمدن در داخله فلات ایران وسعت و رونق گرفته، شکوفا گردید، ولی ما نمی توانیم مراحل آنها در کلیه مناطق روشن داریم زیرا حفاریهای باستانشناسی هنوز کافی نبوده و ادامه دارد از اینرو تنها به ذکر قرارگاههای جوامع انسانی نخستین و مهدهای اولیه تمدنی که حفاریهای انجام شده وجودشان را مدلل ساخته اند باید اکتفا کرد .

اشیاء حاصل از حفریات باستانشناسی و بازمانده سکونت گاهها
تشکیل واستقرار جامعه های کوچک انسانی را در جلگه های داخلی
فلات ایران تا حدود تقریبی ۷ هزار سال قبل معین می دارد . اساس
زندگی انسانی در این زمان مبتنی بر و مستقر در مراکز تجمع می است
که آنها را روستاهای ماقبل تاریخی نامیده اند.^۱

بدیهی است آشنایی به خواص گیاهان و فصل رویش آنها
مدتها طول کشیده تا بهر حال مقدمه کار کشاورزی ابتدا در زمینهای
آبرفتی بستر رودها فراهم آمده است، بهمین جهت بوده که گیاهان این
مرحله از کشاورزی شاید گندم و جو بوده است که در زمینهای رسوبی
بهتر رشد میکنند و کاشتن درختان تنومند که معمولاً کمتر در زمینهای
رسوبی دوام میکند هنوز معمول نشده است .

این فرضیات همه مربوط به دوره قبل از ورود آریاییها به فلات
ایران می باشد . و می توان گفت بعد از اینکه آریاییها وارد سرزمین
ایران شده اند روشهای ابتدایی کشاورزی را از بومیان فرا گرفته اند .
از این بعد مراحل تمدن تقریباً روشن تر شده و تکامل آن به
شرایط محیط و آب و هوا و موقعیت زمین و تماس با همسایگان
بستگی داشته است . و لسی جزئیات این تکامل هنوز معلوم نیست و
همانطور که گفته شد به مطالعه و حفاری در مناطقی که کاوش صورت
نگرفته موکول میگردد. آنچه که از حفریات چهل سال اخیر بدست
آمده بیشتر مربوط به حاشیه کویر مرکزی است که ابتدا در سلیک

۱- رجوع کنید به بررسیهای گروه باستانشناسی دانشگاه تهران در دشت

قزوین .

کاشان و بعد در اطراف قم و ری و شوش بوده است. البته دلیل قاطعی در دست نیست که اولین مرکز تمدن تپه سیلک باشد.

برطبق نظریات تاریخی آریایی‌ها مهاجرانی بوده‌اند که دگرگونی شرایط آب و هوایی مبداء آنان این اقوام را ناگزیر به تغییر محل سکونت کرده است بنابراین می‌توان گفت پس از ورود به ایران عده‌ای از آنان بهمان زندگی چادرنشینی که در طول مهاجرت اختیار کرده بودند باقی ماندند و بزه آنکه مقتضیات جغرافیایی و سطح تکنیک کاربردی آنزمان این نوع معیشت را موجب می‌شد.^۱

در دوره‌های بعد که چادرنشینان عرب و ترك هم وارد ایران شدند تعدادی از آنان همان رویه چادرنشینی را دنبال کردند بطوریکه در حال حاضر هم اکثر ایلات و عشایر منشاء ایرانی و عرب و ترك دارند بمرور زمان جذب تمدن و فرهنگ و اقتصاد ایرانی شده‌اند. بهر حال زندگی در دشتهای وسیع یا دامنه دور از کوهها سبب شده که در ساختمانها سنگ بکار نبوده‌اند و تا مدتها محل‌های سکونت از گل و چینه و بعدها خشت خام ساخته شده است.

بقایای تپه‌های باستانی متعدد در سراسر ایران معروف مراکز تجمع انسانی کوچکی است که همان روستاهای ماقبل تاریخی و بعضاً تاریخی است. البته دلایل دیگری برای احداث اینگونه تپه‌ها ابراز شده است. که جای بحث آن در این مقال نیست.

حفریات تپه سیلک کاشان میبئن این مراحل تمدنی ازدیوارهای

۱- رجوع کنید به جغرافیای انسانی عمومی و جغرافیای انسانی ایران

مبحث کوچ نشینی: تألیف نگارنده.

چینه‌ای تاخت‌های خامی است که علاوه بر اینکه ظرافت خشتهای مراحل بعدی را ندارد از لحاظ شکل هندسی هم کاملاً منظم نیست.

بهر حال می‌توان نظر داد که حیات در سطح فلات ایران هر جا که شرایط مساعد داشته و مقدمات آن مهیا بوده است ابتدا بصورت چشمه‌های روستایی جوشیده است در همان حال هر جا که مقتضیات استقرار و سکونت در يك محل فراهم نبوده یعنی مردم نمی‌توانسته‌اند معاش خود را در تمام طول سال از همان محل استقرار تأمین کنند ناگزیر به نوع زندگی و معیشت کوچ‌نشینی پناه برده‌اند. این سخن بدان معنی است که کوچ‌نشینی و یکجانشینی در ایران به موازات هم پدید آمده و پیش رفته است. درین رساله هر چند هدف نمایاندن روستانشینی یعنی یکجانشینی‌هاست اما نمی‌توان از ارتباط آن با مسئله کوچ‌نشینی بجاسخن بمیان نیآورد. در مباحث بعد از چگونگی این جوشش و سیر تکاملی آن از لحاظ کیفیت و سرانجام کمیت‌های ناظر بر آن سخن خواهد رفت.

بخش اول

پیدایش ده

شناسایی ما از جوامع كوچك انسانی یعنی روستاها در دوران ماقبل تاریخی بسیار ناچیز و در باره زمانهای اولیه تاریخ نیز اندك است و نظراتی كه در این زمینه خواهد آمد بعضاً مستند ولى برخی متكى بر شواهد و دلایلی است كه از لحاظ میزان اعتبار مى توان آنرا بصورت فرضیه عنوان كرد ، تازمانیکه استاد و مدارك تاریخی مكتوب و غیر مكتوب واقعیت آنرا ثابت و یا خلاف آنرا تأیید كند ملاك وضابطه شناسایی ما از روستاها در طی تاریخ خواهد بود.

نظرات مستند مأخوذ از نوشته های تاریخی و دلایل متكى به آثار حاصل از حفريات باستانشناسی است و فرضیات نیز بهر حال مى تواند روزه ای را فراراه ما كند كه مدخلی است بر عنوان این مبحث، یعنی پیدایش ده .

ده واژه ایست پارسی که از کلمه دهیو حاصل آمده و دهیو بمعنی سرزمین و کشور است و در معنای آن مرکزی از تجمع انسانها و واحدی جغرافیایی به ذهن متبادر می شود که شخصیتی اقتصادی و اجتماعی قائم بذات داشته ، بنابر ادله ای که بیاید ، صورت دیگر این کلمه دیه است که کسره دال در کلمه ده اثر همان یا در کلمه دیه می باشد .

در فرهنگهای فارسی تعاریف و معانی مختلف و نزدیک بهم ولی نارسایی از این واژه آمده است اما قدر مشترك آنکه همه جا آنرا قابل شهر گرفته و یا در معنای خارج شهر که اولی بالنسبه درست و دومی مبهم است .

ده همچنین به معنی جای ساخته شده و صاحب خانه و مسکن وماواهم آمده که سوادى بر آن قائل اند . و نشانی است از بخش مسکونی ده .

در تعریف و معنای ده همه جا به وابستگی آن به کشاورزی اشاره شده و این نشانه قائم بذات بودن آن است چون بدون کشاورزی این صفت را نمی یافته است . کلمه روستا را بعض منابع از ریشه رستن و رویدن و ظاهراً در معنای رستنگاه گرفته اند .

اگر چنین باشد نشانی است از اقتصاد کشاورزی ده و متأثر از وضع جغرافیایی فلات ایران زیرا در نواحی غیر نیمه خشك نمی توان هر رستنگاهی را آبادی و هر آبادی را رستنگاه دانست .

صورت های معرب واژه روستا ، رستاك ، رسداق ، رزداق و رستاق است و همه جا بمعنی زمین مزروع و مسكون خارج از شهر

آمده است.^۱

کلمات دهقان ، ودیهگان و روستایی منسوب به ده و روستاست و اما قریه که واژه عربی است در معنای آن ابهامی وجود دارد که هم شامل شهر و هم بمعنی ده بکار رفته است و عجب آنکه در بعضی موارد مراد از آن بناهای چند متصل بهم تأکید شده و این مساکن پیوسته گرچه ویژه روستاهای متمرکز فلات ایران و مناطق نیمه خشک است اما میرساند که در زبان عرب نه مقابل بلکه معادل مدینه گرفته شده است .

یعنی که فقط صفت شهری بخش مسکونی روستاهای متمرکز آن مورد توجه است نه حالت اقتصاد و معیشت روستایی .

ولی در کلمه قصبه اشارتی هست به اقتصاد زراعی و بنظر میرسد که مهد این کلمه از بین النهرین باشد و در رابطه است باشاخه آبهای که بابت آبها از دجله و فرات منشعب شده و بر اثر آن مزرعه و خانه و کوشکی پدید میآمده است. اگر چنین باشد باید قریه را درست در معنی ده و قصبه را در معنی روستا گرفت، هر چند گاه در فرهنگها قصبه بمعنی مراکز تجمع انسانی بزرگ آمده که ظاهراً مراد روستا شهر باید باشد. شناخت ده بر اساس ملاکها و ضوابط تمیز ده از شهر :

روستاشناسی را باید از شناسایی ده و تعریف آن آغاز کرد . در جوامع امروز جهانی بین اقتصاد صنعتی و اقتصاد روستایی تفاوت آشکار مشاهده می شود آن یکی موجب تمرکز جمعیت و این

۱- رجوع کنید به همه فرهنگهای فارسی معتبر، دهخدا ، ناظم الاطباء،

برهان قاطع ، معین ، اندراج ، و مانند آن .

سبب تفرق و پراکندگی مراکز جمعیتی است بهر حال باید دید روستا کدامست و ده چیست کوششهایی که تاکنون برای یافتن تعریف ده و در نهایت تمیز آن از شهر شده هنوز مبهم و نارساست علت آنرا باید در دید يك جانبه و قضاوت های تك ضابطه بعضی مراجع و سازمانهایی که کار تعیین ده و شهر و تقسیمات کشوری و غیره را وظیفه و رسالت خود میدانند یافت .

آنچه که تاکنون اعتبار آن محرز است اینکه هنوز تعدادشاغلین بخش کشاورزی در سطح جهانی و ملی بمراتب بیشتر از سایر فعالیت هاست همین افزون بودن حجم فعالیت های کشاورزی است که موجب مراکز تجمعی بنام روستا شده و ملاکها و ضوابطی که به تشخیص آن اعتبار می بخشد از آن جمله اند :

۱- ده و عدد جمعیت

آسانترین طریقه طبقه بندی مراکز تجمع انسانی و تفکیک شهر و شهرک و ده از هم اتکاء به عدد جمعیت و تقسیم و طبقه بندی صرفاً جمعیتی است . جمعیت شناسان هر کشور بر حسب شرایط و اوضاع و احوال مناطق و کشورهای مختلف جهان ارقام متفاوتی در تمیز ده از شهر عنوان کرده اند که تفاوت تعداد آن قابل ملاحظه است در بعضی کشورها مراکز با ۲ هزار نفر جمعیت و کمتر را روستا دانسته و در تعدادی از ممالک اطلاق شهر به مراکز جمعیتی حتی تا حدود ۲۰ هزار نفر را جایز نمی دانند و شهر را به نقاطی اطلاق میکنند که جمعیت آن بر ۲۰ هزار نفر فزونی داشته باشد .

بهر حال انكاء به عدد جمعيت از لحاظ يك دموگراف ياسازمان بزرگي كه بكار سرشماری مي پردازند بالنسبه آسان و بجا و درست است . وهمچنين قبول چنين ضابطه اي بوده است كه وزارت كشور را در كار تقسيمات كشوري به سريع ترين وجه كمك نموده است . لكن عدد جمعيت هر گز نمي تواند معرف واقعي ده باشد .

در ايران حد نصابي كه براي ده معين كرده اند رقم ۵ هزار نفر سكنه است . قبول اين رقم و عدد درست بادقت رياضي مربوط بخود بعنوان تعيين مرز ده و شهر بگونه اي كه نام و معني آن با افزايش يا كاستن يكنفر دگرگون شود از هر لحاظ غير علمي و وسيله نارسا براي هدفهاي روستاشناسي است . مع هذا هر گز فوائد آماری آن قابل انكار نمي باشد . بايد توجه داشت مراکز جمعي وجود دارد كه عدد سكنه شان فوق اين حد نصاب ۵ هزار نفري وحتى چند برابر آنست اما هرگز سندن بوده و نيستند وهمچنين بسيارند مراکز جمعي كه عدد سكنه شان كمتر از اين حد نصاب ۵ هزار نفري است و محققاً ده نبوده و نقش شهري و حتي مقام آنرا يافته اند .

مثال براي حالت اول - سعادت آباد ، ده بيد (مراکز بخشها) و ميناب (مرکز شهرستان) و براي حالت دوم - آشتيان ، ايران شهر ، بابلسر در گذشته نزديك و هفتگل و نفت سفيد در حال حاضر . بهر حال امروز عدد و ميزان سكنه براي تفكيك ده از شهر از كشوري به كشور ديگر فرق ميكند يعنى ده پيچيده تر از آنست كه عدد جمعيت معرف آن باشد و اساساً نقش عدد جمعيت در تعريف ده فاقد اعتبار است چنانكه بيايد .

۲- ده و معیشت کشاورزی

در جهان کنونی و حداقل تا حال حاضر تعداد گروههایی که در مناطق عمده کره زمین بکار کشاورزی و فعالیتهای جنبی آن اشتغال دارند در مقایسه با سایر انسانهایی که در بخشهای دیگر تولیدی و غیره بکار اشتغال دارند بیشتر است .

در این قلمروهای وسیع جغرافیایی که در آنها تأمین معیشت از طریق کشاورزی صورت میگیرد می توان روستاها را از جهات دیگر هم طبقه بندی کرد از آنجمله دهاتی که دارای اقتصاد بسته (خود تولیدی و مصرفی با خود کفائی) هستند، و دیگر روستاهایی که ضمن اشتغال بکار کشاورزی چون در مرکز منظومه های روستایی قرار دارند در جنب اشتغال به کشاورزی فعالیتهای توزیع فرآورده های تولیدی و یا به سخن دیگر نقش واسطه را احیاناً برعهده دارند .

رویه مرفته شاخص دیگر تفاوت ده از شهر زراعت یعنی بهره کشی از خاک است. بدیهی است زراعت بمعنی اعم خود می تواند نقش مهمی در تشخیص ده از شهر داشته باشد اما هر جا زراعت صورت گرفت حتماً ده نیست و هر ده الزاماً همه معیشت خود را از زراعت تأمین نمیکند .

شاهد بارز آن اراضی وسیعی است که در دشت گرگان و مغان و خوزستان و بعضاً در پیرامون شهرها و مراکز بخشها و روستاهای ایران است که به کشت و زرع اختصاص یافته ولی این اراضی هرگز تشکیل ده نداده اند .

مزارع نیشکر هفت تپه از آنجمله است . بنابراین ملاک زراعت

تنها برای تعریف ده ما را بیافتن آن رهبری نمیکند بویژه آنکه گاه به روستایی بر میخوریم که معیشت اصلی آنها مثلاً صنایع دستی و یا صید و دامپروری است و زارعت جز نقشی فرعی در اقتصاد آنها ندارد.

مثال : روستاهای «خنب» و «دره» در دهستان فین کاشان ، و یا دهکده «سورو» در بندرعباس که معیشت ساکنان آن صیادی است و اکنون در حال دگرگونی است .

ده و شهرداری

ضابطه دیگری که در مورد تمایز ده و شهرگاهی بکار رفته است و بمراتب سست تر از ملاکهای دیگر می باشد داشتن و یا نداشتن شهرداری است و چنین ضابطه ای با همه اهمیتی که بعضی سازمانها برای آن قائلند ذاتاً بسی اعتبار است و در خارج از ایران روستاها شهرداری و شهردار هم دارند و شهر هم نیستند .

در ایران هم دهها مرکز تجمع انسانی با شهرداری داریم که جز يك ده بزرگ نمیباشند حقیقت آنستکه وجود و ظهور شهرداری و انجمن شهر و ده در يك مرکز تجمع انسانی نشان دهنده تقرب بزندگی شهری هست اما همیشه ممیز شهروده نیست. وانگهی بخش مسکونی ده خود زندگی شهری دارد منتهی در مقیاسی کوچک و متناسب باخود .

باری هر ملاک و ضابطه ای به تنهایی نمی تواند معرف واقعی ده

باشد و تعریف ده از زاویه عدد جمعیت و فعالیتهای زراعی و سازمانهای اداری و اجتماعی و شهری و غیره علمی نشده و بهمین دلیل هرگز این قبیل تعاریف نتوانستند اعتبار یابند، زیرا ده واقعیتهایی کلی تر از آنست که بتوان آنرا بريك ضابطه بنا نهاد یعنی ده با هر ضابطه و ملاکی که سنجیده شود سرانجام يك پدیده جهانی است و ضوابط و ملاکهای مربوط به شناخت روستا بهر حال ملهم از جغرافیای انسانی خواهد بود به سخن دیگر ده قبل از هرچیز یکی از صورتهای استقرار آدمی و جوشش حیات وی بر سطح زمین است. به این ترتیب برای شناسایی حقیقت آن بایستی به انواع صورتهای اصلی زندگی انسانها در سطح کره زمین توجه کنیم و در این زمینه هیچ علمی به میزان جغرافیای انسانی عمومی نمیتواند ما را به هدف رهبری کند، قبل از توسل بهر تعریفی برای فهم ده باید مفهوم واحد جغرافیایی و وحدت جغرافیایی برای ما روشن شود.

وحدت جغرافیایی ده

کره زمین کلی و واحد بزرگی است که در داخل خود به واحدهایی مختلف الابعاد و مختلف الطبیعه و گونه گونی اقلیم تقسیم می شود.

اجراء این کلی بزرگ یعنی واحدهای درون يك واحد هرگز مساوی و برابر هم نیستند اما حداقل شرایطی که جهت واحد كوچك و حتی كوچکترین آنها لازم است، شامل وحدت محیط طبیعی، وحدت اقلیمی، و دیگر وحدت های ناشی از کم و زیادی آب و خصوصیات خاک و پوشش گیاهی و غیره

است . اینک باید دید واحد جغرافیائی ده چگونه پدیده ایست و برای این منظور به عواملی که در ظهور انواع معیشت در جهان و ایران وجود داشته نظر می افکنیم :

انواع روستاها و عوامل مؤثر در تشکیل آن

۱- نوع معیشت کوچ نشینی

کوچ نشینی حالت و صورتی از زندگی بشری است که اساس مبتنی بر جابجایی گروه های انسانی میباشد، بطوریکه بدون کوچ امر ارتزاق اینان در طول یکسال تمام امکان پذیر نیست، زیرا اساس زندگی مبتنی و متأثر از تمعیدات تدارکاتی است که برای تأمین غذای دام صورت میگیرد. و کوچ شامل جابجا کردن گله هایی از انواع دامها به چراگاه هایی است که عامل ارتفاع و در نتیجه آن درجه حرارت زمان رویش گیاهان را در این نقاط متفاوت کرده است. بنابراین امر جابجایی و تغییر مکان انسانها و دامها در حقیقت تحمیلی است از سوی طبیعت و بررسی این قلمرو در حیطه دانش جغرافیاست . یعنی هر جا محیط طبیعی نتواند غذای تمام سال مردمی را تهیه کند و تکنیک و فن بهره کشی از محیط در این مردم در سطحی باشد که این امور را ضرور بدارد این مردم ناچار به کوچ خواهند بود. بنابراین زندگی کوچ نشینی ایلات و عشایر ایران را بی توجه به شرایط جغرافیایی و تکنولوژی مردم این سامان نمی توان به حقیقت درك کرد . زیرا اساس زندگی کوچ نشینان مبتنی

بر حرکت است و این حرکت ناشی از زیر بنای اقتصادی این نوع زندگی یعنی دامپروری است که بحسب فصل و رویش گیاه در فضای طبیعی و بصورت عمودی و افقی یا کوچ در سطح و ارتفاع انجام میگیرد. که بهر حال منتهی به بیلاق و قشلاق کردن و یا سرد سیر و گرمسیر رفتن مردم کوچ نشین است.

۲- نوع معیشت یکجا نشینی

نقطه مقابل کوچ نشینی، یکجا نشینی است و آن عبارت است از انتعاش گروهی از انسانها که در محلی باتکای منابع طبیعی موجود و خاصه آب کافی و خاک مساعد بطوریکه در تمام سال قادر به تأمین معیشت خود از همان محل باشند. و از آنجا که امکانات هر محیط جغرافیایی با دیگری تفاوت دارد و هر منطقه دنیائی است خاص خود بنا بر این مراکز جمعیتی هرگز باهم از لحاظ قدرت تولید و در نتیجه قدرت جذب انسان و یا بعبارت دیگر ظرفیت محیط نمی توانند یکسان باشند از این رو ما در جوامع و مناطق یکجا نشین مراکز تجمع كوچك و بزرگ خواهیم داشت اینکه زندگی انسانی با کدام يك از دو صورت اصلی یعنی ثابت و یا متحرك شروع شده قابل تأمل است.

اجمالاً اینکه اگر قبول کنیم تأمین معیشت در مراحل اولیه تمدن مبتنی بر صید و شکار و معیشت شبانی بوده لازمه صید و شکار حرکت و جابجایی می باشد در حالیکه اقتصاد کشاورزی موجب و موجد اسکان جوامع و استقرار آنان بر يك سرزمین بوده است.

ولی چنانچه نگرش ما در این زمینه بر این اصل جغرافیایی استوار باشد که هر منطقه صورت زندگی خاص خود را در خود می‌پروراند بنا بر این تصور اینکه همه انسانها نخست کوچ نشین بوده و بعد یکجانشین گردیدند مورد تردید قرار میگیرد و به این ترتیب باید اذعان داشت که هر دو صورت زندگی اصیل بوده و قابل تبدیل یکدیگرند و در هر منطقه ممکن است مردم کوچ نشین ابتدا بتدریج زندگی نیمه یکجانشینی یافته یعنی مرحله بینابین دو صورت زندگی، وجود پیدا کند و سرانجام به یکجانشینی منتهی گردد و از نظر دور نباید داشت که نوسان شرایط اقلیمی و هجوم اقوام و قبایل مجاور فلات ایران مشترکاً یا هر یک به تنهایی در طی دوران تاریخی ممکن است جوامع ثابت را موقتاً و با بطور دائم به متحرک تبدیل کند و به این ترتیب شاید در طی قرون گذشته اینگونه رویدادها موجب تغییر مبانی و مکانی تأمین معیشت از ثابت به متحرک شده باشد ولی کلاً شواهد و آثار مبین اسکان مرحله‌ای و تدریجی جوامع کوچ نشین به یکجانشین است بدین ترتیب که توده کوچ نشینان در طول زمان بعلت افزایش جمعیت بفکر معیشتی ثانوی بجز دامپروری میافتند و رفته رفته به بهره برداری از درختان سر راه و سپس بنوعی کشت ابتدایی روی میآورند.

یعنی بهنگامی که عازم کوچند زمین را خیش کرده و بسز می‌باشند و در بازگشت محصول دیم خود را بر میدارند :

دو عامل عمده در این مرحله که نخستین قدم بسوی نیمه یکجانشینی و سرانجام اسکان است تأثیر بسیار داشته است یکی افزایش

جمعیت و دومی تکامل تا ترقی تکنیک تولید بوده است که ضعف آن حرکت را بر جامعه کوچ نشین تحمیل کرده بود .

باتوضیحاتی که آمد شاید بتوان مقدماً تعریفی برای شناخت ده عنوان کرد .
تعریف ده :

ده قبل از هر چیز ۱۰۰۰ حدی است طبیعی و جغرافیایی و انسانی و صورتی است از استقرار انسان بر سطح زمین که قادر است تمام مایحتاج سال خود را از درون خود تهیه کند .

بنابراین ده در ابتدا واحدی بوده است طبیعی و اجتماعی با اقتصادی بسته که تمام شرایط اتکای بخویش را از لحاظ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در خود جمع داشته است . و چنانکه دیدیم در زبان پارسی قدیم کلمه ده همان دهیو یادینگهو بمعنی سرزمین و کشور است که معنی و انعکاس کامل يك وحدت سیاسی و اجتماعی را در خود دارد .

شك نیست دريك قلمرو جغرافیایی معین ، نخستین روستاها در مستعدترین نقاط آن یعنی آنجا که بهره برداری از آب آسانتر و کشاندن زمین بزیر کشت کار کمتری می برده است مستقر شده اند .
بررسی روستاهای ایران نشان می دهد که دو بخش مسکونی و زراعی آن دو موضع متفاوت داشته و هنوز هم دارند بطوریکه بخش آبخور آن متناسب به انواع منبع آب (رود - چاه - قنات و غیره)

اساساً در قلمرو زراعت آبی و بخش مرتفع و کم استعداد آن به محل سکونت و دامنه‌ها و اراضی کم آب یا بی آب در اختیار کشت دیم و یا مراتع قرار داشته است .

و در نواحی که خاک مرغوب کم است بخش مسکونی اساساً بر اراضی نامرغوب نهاده شده است .

بخش دوم

عوامل مؤثر در سیمای طرز استقرار ده

قبلاً گفته شد که ده یکی از صورتهای اصلی و قدیم استقرار آدمی بر سطح کره زمین در يك واحد كوچك جغرافیایی است که قدرت ارتزاق مردم ساکن خود را در طول يك سال تمام داشته باشد تا سکنه محتاج به کوچ نباشند اما شکل و صورت روستاها و نقش آنها و مبانی اقتصادیشان در تمام مناطق یکسان نیست.

بعنوان مثال در ایران روستاهایی داریم که اساساً دامپرورند ولی کوچ نمیکند اما دامها را در مساحت کم وسیله چوپان به چرا میفرستند و بازراعت هم گاهی آشنایی دارند اما معیشت اصلی آنها از دام است (مانند بعضی روستاهای خلخال).

بنابر همین تفاوتهای معیشتی است که با توجه به شرایط طبیعی مناطق مختلف، طرز تجمع و صورت و سیمای ده از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت

میشود یعنی استقرار خانواده‌ها و خانه‌ها و مساکن ممکن است حالتی مجتمع یا متفرق و پراکنده داشته باشد.

برای تشریح علل پیدایش مساکن متمرکز و متفرق در روستاها و علل وجودی این دو نوع ده، ده بادوسیمای مختلف می‌توان چند علت اصلی را عنوان کرد بدیهی است امکان دارد در يك مورد تمام عللی که در زیر آن سخن خواهد رفت مؤثر افتاده باشد و در موارد دیگر يك یا چند علت معین موجب تمرکز یا تفرق مساکن باشد.

رویه‌رفته علل زیر را بیشتر می‌توان بر این پدیده مترتب دانست:

- ۱- ضرورت دفاع
- ۲- محدودیت آب و خاک
- ۳- عوامل اقلیمی
- ۴- توپوگرافی خاستگاه ده
- ۵- سنن نژادی و بومی
- ۶- شیوه بهره‌برداری از زمین
- ۷- ویژگی روستاهای ایران

۱- ضرورت دفاع

شرایط جغرافیایی ایران از یکسو و پیوستگی‌های قومی و بومی و محلی و خلاصه شرایط محلی در مناطق ایران از گذشته دور تاریخی تا این اواخر موجب شده تا سکنت روستاها بمنظور دفاع بهتر در مقابل دشمن بطور غریزی مساکن خود را در جوار هم ساخته‌اند. تضاد منافع بر سر تصاحب مراتع میان مردم کوچ نشین و یکجا نشین و رقابت

رهبران آنها بخاطر کسب قدرت سیاسی امریست قدیم و تاریخ ایران مشحون از وقایعی است که بر اثر آنها امنیت یکجانشینان بهخطر افتاده است شواهد متعددی در تاریخ داریم که در اکثر این تجاوزات غلبه نظامی بامردم کوچ نشین بوده است.

ضرورت دفاع تنها موضوع مقابله با دشمنان نیست بلکه ممکن است دفاع در مقابل يك عامل طبیعی یا کلاً در برابر خود طبیعت باید باشد که بهر حال تأمین و مصونیت را در برابر سيل، ریزش بهمن، یخبندان و بادهای تند و غیره ایجاد میکند.

دهکده کندرود (بستان آباد تبریز) محصور بین دو شاخه رودخانه است و علاوه بر کمی زمین ضرورت دفاع در مقابل طغیانهای رودخانه مساکن روستایی را هرچه بیشتر بر تپه محصور بین دو شاخه رود متمرکز و در آنجا محدود ساخته است.

گاه اتفاق می افتد که مساکن روستایی در طول يك ساحل از يك رودخانه بوجود می آید زیرا ساحل مقابل به دلیل طبیعی برای احداث بنا مساعد نیست.

ده کلاک در مشرق کرج از عهد قاجاریه تا کنون چند بار بر اثر عامل آب و امنیت در بخش علیا و سفلاي خود یعنی در کوه به کمک قنوات و در دشت کنار رود کرج گسترش یافته است.

۲- محدودیت آب و خاک

فراوانی یا کمی آب و میزان دسترسی به آن ممکن است موجب تجمع یا تفرق مساکن روستائی شود. در نواحی که زمین از صخره های

نفوذپذیر مثلاً آهکی تشکیل شده است سفره آب پائین نشسته و آب به زمین فرو میرود جز با حفر چاهها و یا استفاده از چشمه ها به آب نمی-توان دسترسی پیدا کرد. طبیعی است که در چنین مناطقی نقاط آب بده محدود و معین می شود و انسانها ناگزیر گرد این نقاط آب بده جمع می شوند. در مناطقی که برعکس زمین اساساً از طبقات و صخره های غیر قابل نفوذ تشکیل شده است دسترسی به آب در هر نقطه امکان پذیر است در اینصورت مراکز مسکونی در هر نقطه ممکن است پای گرفته و صورتی متفرق داشته باشند.

اثرو جودی و سلطه و غلبه عامل آب در مناطق خشك و نیمه خشك نظیر افریقای شمالی داخله فلات ایران قطعی است. در حالیکه در نقاط مرطوب نظیر مناطق ساحلی خزر که باران و انهار فراوانی دارند نقش آب در تجمع و تفرق مساکن نقصان میگیرد.

در واقع ممکن نیست همه حالات و صورت های ضد و نقیص این اثر را بیان کرد مثلاً همین وجود آب که در منطقه ای موجب تفرق مساکن بوده است در همان منطقه ممکن است موجب تمرکز شود و این در شرایطی است که بعلت وجود رطوبت خانه ها را در بخش مرتفع و خشکی از يك دشت مرطوب رسوبی بنامیکنند.

در خلیخال در آن قسمت از منطقه که پوشش نفوذ پذیر رسوبی نازك شده و چشمه سار هم زیاد دارد مساکن روستایی متمرکز است و در بخش جنوبی (کاغذکتنان) که در آنجا طبقه رسوبی ضخیم است و مقدار آب چشمه ها بسیار کمتر از شمال است باز همین حالت تمرکز مساکن مشاهده می شود (معملاً بعلت فقدان امنیت در گذشته).

بنابراین آب از جمله علل تمرکز مساکن می‌تواند باشد و نه تنها علت آن.

۳- عوامل اقلیمی

تأثیر عامل مذکور بخصوص در زندگی کوچ نشینی غیر قابل انکار است. یعنی حیات و دوام زندگی متحرك بستگی تام بوضع اقلیم دارد و قلمرو این نوع جوامع نواحی نیمه خشك و خشك است که هرگز در آن ریزش باران و سرسبزی مرتع نظم و قاعده‌ای نداشته و از سالی به سال دیگر شرایط آن تغییر میکند.

عدم ثبات و بی نظمی باران و کوتاهی مدت آن و اساساً وجود فصول گرم و خشك طولانی و کوتاهی دوران رشد گیاه که اغلب منجر به کم غذائی و بیماری دامهاست و سیل و صاعقه و غیره تغییرات بسیاری در حیات اقتصادی کوچ نشینان بوجود می‌آورد.

۴- توپوگرافی خاستگاه ده

چنانچه نظری بر نقشه‌های بزرگ مقیاس بیفکنیم اغلب، تفاوت بسیاری میان مناطق از لحاظ توزیع و پراکندگی بخش مسکونی روستاها مدر آن‌ها مشاهده میکنیم. مثلاً در منطقه پندر عباس و میناب و گیلان اماکن سکونی را پراکنده و متفرق و در مناطق فارس و کرمان روستاها به مانند اکثر نقاط داخل فلات ایران مجتمع و متمرکز هستند.

شك نیست که عامل ارتفاع می‌تواند در طبقه‌بندی روستاها و معرفی خصائص آنها بکار آید. و با در نظر گرفتن مناظر و محیط‌های

جغرافیایی ایران چهار دسته روستا از لحاظ عامل ارتفاع و موقع جغرافیایی تمیز داده می‌شوند:

الف- روستاهای دشت

ب- روستاهای کوه

ج- روستاهای کوهپایه

د- روستاهای دره‌ای یا میانکوهی.

در دو جبهه خارجی فلات یعنی بخش مرطوب شمال و تا حدی رطوبی مغرب هر جا جنگلها انبوه‌اند عدد دهات کم می‌شود اما در همین نقاط روستاهایی هستند که در زمین‌های از زیر جنگل درآمده و با طبیعتاً عاری از پوشش جنگلی استقرار یافته‌اند و یا در نواحی هموار غالباً ساکن مجتمع می‌بینم و در نواحی کوهستانی اغلب متفرق هستند مع هذا این حالت همیشه اتفاق نمی‌افتد. ممکن است روستایی بردامنه‌ای درست مقابل خورشید باشد و یا بعکس ولی مزارعش در دامنه مقابل خورشید باشد که حتی نام روستا معرف چنین موقعیتی است (بر آفتاب در بخش شیروان ایلام) مع هذا اغلب روستاهای این بخش را نمی‌توان متمرکز یا متفرق دید، بلکه حالتی بینابین دارند که خود معلول عوامل دیگر از جمله مبانی اقتصاد این گونه روستاها می‌باشد، یعنی در تأمین معیشت اهالی غلبه بردامداری است و شاید ناهمواری نسبی اراضی نیز تا حدی موجب و موجب تمرکز ساکن شده باشد، ولی در کنار این مجتمع‌های مسکونی تعدادی ساکن متفرق بوجود آمده و در کنار همین ساکن نیز اغلب چند سیاه چادر برپاست و ساکنان چادرها نیز جزء اهالی همین روستا محسوب می‌شوند.

بهر حال بر حسب اینکه ده بر کنار رود اصلی یا شاخاب یا باریکه آب روانی استقرار یابد و یا در پایکوه که از سوی محدودیت و از سوی دیگری آزادی گسترش داشته باشد و یا روستایی میانکوهی که در میان دورشته کوه قرار گرفته و مزایع و تأسیسات خود را بردامنه کشانده است، همه این شرایط و موقعیت‌های طبیعی روستا در سیمای مساکن از لحاظ تجمع و تفرق تا حدود زیادی مؤثرند.

۵- سنن نژادی و بومی

به اعتقاد بعضی جامعه شناسان سنتهای نژادی و بومی در سیمای دهات از لحاظ تجمع و تفرق مساکن مؤثر است، نمونه‌هایی از اینگونه روستاها را بیشتر در کشورهای اروپای غربی می‌بینیم. در ایران بررسیها نشان می‌دهد روستاییانی که منشأ ایلی دارند با توجه به شرایط منطقه و امکانات طبیعی و نوع معیشت مساکن خود را متفرق یا متمرکز می‌سازند، مثلاً در بختیاری روستاهایی ۱۰ خانواری داریم و تعداد اینگونه روستاها زیاد است و برای نوسازی آنها توسط منابع رسمی پیشنهاد شده که باید متمرکز و ادغام گردند در حالیکه چون معیشت آنها وابسته به مرتع دیم است مساکنشان فقط بهمین صورت برای آنان مفید خواهد بود.

۶- شیوه بهره‌برداری از زمین

وجود مساکن متمرکز امریست قدیمی و بیشتر خاص مناطقی

است که در آن نوعی گرایش بسمت بهره برداری اشتراکسی از زمین وجود داشته و بعکس وجود مساکن منفرد نشانه‌ای بر تملک زمین بصورت خصوصی بوده است.

بعلل مربوط به اقتصاد روستایی بعضی مناطق مستعد و مساعد به ظهور مساکن منفرد و برخی دیگر مساعد و مستعد به ظهور مساکن متمرکز روستایی شده‌اند.

در بعضی کشورها معمولاً اراضی يك ده را به سه بخش (آیش- زیر کشت- آماده برای کشت) و در ایران معمولاً در مناطق داخلی به دو بخش (آیش- زیر کشت) و بخش زیر کشت را به سه قسمت (کشت آبی یکساله، باغ و کشت یکساله دیم بحسب درجه مرغوبیت خاک و آب) تقسیم می‌نمایند.

بهر حال صورت غالب همان است که بخشی در زیر کشت، بخشی آماده برای کشت و بخشی در حال آیش باشد، که اگر بخش مسکونی را اضافه کنیم قلمرو ده حداقل به چهار پاره تقسیم می‌شود که وضع بهره برداری سه پاره آن از سالی به سال دیگر تفاوت میکند.

قبول سیستم تناوب کشت و تقسیم زمین به سه یا دو بخش در حقیقت وسیله‌ای بوده است جهت تنظیم بهره‌برداری از زمینهای قابل کشت اما در اراضی نامرغوب برای کشت و نقاطی که دامپروری نقشی مهمتر از نقش کشت غلات دارد قبول سیستم تناوب و پیروی از آن بهیچوجه ضرورت پیدا نمی‌کند و بهمین علت هم بخش مساکن روستایی اغلب متمرکز نیست. اراضی قلمرو لومریها در طالش و شمال خلخال همین شرایط را دارند.

از جمله ویژگیهای مناطقی که مساکن روستایی متفرق و منفرد دارند وجود حصار و دیوار و پرچین بین مزارع و املاك است که به آنها مزارع بسته گویند و این اصطلاحی است در مقابل اصطلاح مزارع باز که در آنها مساکن روستایی متمرکز بوده و قلمرو زراعی ده‌ملك عام و مشاع است که عقد و نشانی از کولک‌تیویزم روستایی دارد.

گاهی تمرکز مساکن روستایی بر علل دیگری مبتنی است، بساین معنی که دهی را نوسازی کرده و حتی بخش مسکونی جدیدی به آن اضافه کرده‌اند. نمونه‌هایی از آن بعد از زلزله‌های اخیر در ایران وجود آمده است.

باری بمحض اینکه مناسبات تولیدی و روش بهره‌برداری و طرز تأمین آب و خاک تغییر کند جامعه روستایی و هر فرد زارع بسمت مسکن منفرد و متفرق روی می‌آورد و خانه‌خود را هم مجاور مزرعه بنا میکند. بی‌تردید ترقی تکنیک آبیاری و اصلاحات ارضی در ایران به پیدایش مساکن روستایی متفرق کمک میکند در سربند اراك و فیروزآباد خلخال و اطراف تهران بویژه در روستاهای دره جاجرود و اوشان لواسان همه جا طلایه این وضع بچشم می‌خورد، یعنی با شروع سیستم آبیاری جدید و حفر چاههای عمیق، مزارع و باغات جدید الاحداث دیگر مرکزیت مسکونی قدیم را ندارند با این تفاوت که مالکان باغات و مزارع جدید هنوز خود سکنه اصلی آنها نیستند زیرا اینگونه سرمایه‌گذارها از سوی شهریان آغاز شده است مثل واحدهای زراعی دشت‌گران.

بخش سوم

پایگاههای اقتصاد روستاها در ایران

بهره‌کشی از خاک یکی از عوامل عمده و اساسی اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد و باید اضافه کرد هر نوع فعالیتی که وابسته به آن و یازاید آن و خلاصه بر اثر آن باشد و جامعه روستایی را منتفع کند در این مبحث قرار می‌گیرد.

این سخن با تمام روشنی و وضوحی که دارد قضاوتی عمومی است بنا بر این مشخص کردن ارکان اقتصادی جامعه روستایی و تعیین خصوصیات آن لازم است.

در جامعه کوچ‌نشین ابدی چنانکه گفته شد زندگی اقتصادی بر پرورش دام مبتنی بوده و مواد اولیه صنایع لبنی و بافت پارچه‌های چادری و هر نوع صنایع وابسته و بدی نیز مستقیماً از فرآورده‌های همان دام تحصیل می‌شده است. بر این عامل اقتصادی مواد اولیه تولیدی

چون چوب و میوه درختان کنار ایل راه و خلاصه پوشش نباتی طبیعی افزوده می‌شد.

در مرحله تکامل یافته‌تر بعدی که جامعه کوچ نشین نیمه یکجا نشین شده زراعت به شیوه بسیار ابتدایی در مبانای اقتصادی خانوار نیمه کوچ نشین سهم پیدا کرده است. لکن هنوز یسکی از ارکان اصلی اقتصاد جامعه مشخص نشده یعنی زراعت بصورتی بسیار سطحی صورت می‌گرفته و آبیاری و کود دادن و شیره مفهومی نداشته است. در مرحله بعدی یعنی ظهور جامعه واقعاً روستایی تکامل مبانای اقتصادی با پیدایش رشته‌هایی از تولید و فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر چهار رکن اصلی تولیدی همراه بوده است بشرح زیر:

۱- زراعت

مراد از زراعت کاشت و داشت و برداشت گیاهان یکساله است که بحسب منطقه متفاوت می‌شود. بی‌تردید در اقتصاد بسته آغازی در اکثر روستاها کشت غله رکن اصلی و عمده بوده است ولی سهم این رکن در مجموع اقتصاد ده بحسب منطقه تفاوت داشته و دارد. بعنوان مثال آماری از چند منطقه مطالعه شده (سال ۴۴) درباره سهم زراعت در کل آمد خانوار روستایی ذکر می‌شود.

ایلام	۵۶ درصد
مشهد	» ۵۰
اراک	» ۳۹

سبزوار » ۵۹

بندرعباس » ۳۶

خلخال » ۶۰

نیشابور » ۵۸

ارقام فوق تفاوت منابع تأمین معیشت را که متأثر از عوامل متعدد در مناطق مختلف ایران است نشان می‌دهد مثلاً در منطقه اراک و بندرعباس در مقایسه با مناطق دیگر سهم در آمد روستاییان از زراعت کمتر است که در اولی محلول اهمیت زیاد دامپروری و در دومی بالا بودن سهم در آمد از باغداری (نخلستان‌ها) موجب کاهش درصد زراعت شده است.

همچنین تفاوت این ارقام زائیده شرایط محیط جغرافیایی و وضع اقلیم است و حتی در داخل يك واحد جغرافیایی مثل اراک نیز در مناطق مختلف شهرستان درصدها متفاوت می‌شوند. مثلاً در قلمرو فراهان سهم در آمد از زراعت بالنسبه بالاست و در برخی توابع شهرستان مذکور منابع دیگر در آمد سهم زراعت را کاهش داده است.

کار کشت غله از آن نظر اهمیت دارد که جامعه ده تنها بمدد آن می‌تواند استقلال اقتصادی و تأمین غذایی یکسال خود را داشته باشد و غله بومی بحسب منطقه می‌تواند گندم و جو و برنج و حتی ذرات و ارزن باشد که در ایران بیشتر گندم است در بعضی مناطق وقتی تأمین غله برای روستاییان مشکل شود با استفاده از دیگر منابع تولیدی (فرآورده‌های حیوانی، میوه و غیره) بشرط نزدیکی با مناطق غله کاریکه اضافه تولید دارند داد و ستدی و لودر سطح ابتدایی پیدا میشود و حیات

اقتصادی و بقای ده را پایدار میکند.

۲- دامپروری

دامپروری معیشت ثانوی ورکن پر اهمیت و مکمل اقتصاد روستایی شناخته می شود زیرا از آن زمان که انسان اهلی کردن حیوان را شروع کرد، دام برای خانوار روستایی عامل تولیدکننده مواد غذایی و همچنین مواد اولیه صنایع دستی بوده است و با اضافه تولید در این زمینه منبعی تازه برای افزایش سرمایه گذاریهای خود پیدا کرد و چون دو منبع اصلی تغذیه دام یعنی مراتع و بازمانده پوشش نباتی زراعی هزینه ای در بر نداشته دامپروری اهمیت بیشتر کسب کرده است.

سهم دامپروری و عایدی هر خانوار روستایی در هر ده در مجموع در آمد خانوار و از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت است. در ایلام که اکثر مردم وابستگی خود را بزندگی ایلاتی حفظ کرده و نوعی نیمه یکجا نشینی در آنجا مشهود است میزان در آمد متوسط خانوار از دامپروری ۴۴ در صد و در بندرعباس ۵/۳ در صد می باشد زیرا کمی مرتع از یکطرف و وجود نخلستانها که مبنای اصلی اقتصاد بندرعباس است سهم در آمد از دامداری را در منطقه اخیر کاهش داده است.

در منطقه خلخال سهم در آمد از این منبع ۳۴ و در مشهد ۳۸ و در ارک ۳۳/۵ درصد است.

این تفاوتها نیز ناشی از شرایط جغرافیایی و هم متأثر از عامل تکنیک می باشد که در روستاهای ایران هنوز تا این اواخر متحول نشده بود.

نکته قابل ذکر اینست که عایدی از دام در اقتصاد روستایی همیشه ناشی از پرورش دامهایی مانند گوسفند و بز نیست و بحسب منطقه گاومیش، گاو پرورش زنبور عسل، صید ماهی می تواند همین نقش را داشته باشد.

۳- باغداری

بهره برداری از باغ نشانه يك مرحله از تحول چشم گیر و مبین تکامل در اقتصاد زراعی و روستایی است.

باغداری روستایی در مناطق معتدل و نیمه خشك نشانه تملك خصوصی و ورود بمرحله اقتصاد تجاری و در مناطق خشك مبین آبادی کامل و واقعی است.

در بعضی نواحی گرم ایران باغات میوه و نخلستان در فضای زیر خود سایه انداز و محیطی انداز و محیطی که تابش خورشید را میکاهد فراهم می سازد که مصروف سبزیکاری و کاشت علوفه می شود. مثل نخلستانهای جهرم، خفر، بم، خرمشهر، آبادان، میناب.

میوه و سبزی تنها از جهت احتیاجات روستایی حائز اهمیت نیستند بلکه هر جا راه باشد صدور این دو محصول درآمد مهمی عاید روستاییان میسازد بهمین دلیل است که معمولاً روستاهای مجاور شاهراهها و شهرهای بزرگ بشرط داشتن استعداد طبیعی بیشتر به باغداری می پردازند. روستاهایی که بطور طبیعی اکثر اراضی آنها به احداث باغ اختصاص داده می شود معمولاً نواحی کوهستانی کم فضا با اقلیم معتدل است که اگر فاقد راه باشند سطح درآمد اهالی اینگونه مراکز

معمولاً پایین است.

مثلاً در مناطقی مانند خلخال با وجود استعداد طبیعی محل برای احداث باغ بدلیل ضعف شبکه راههای فرعی در آمد روستایان مورد مطالعه از باغداری فقط ۲/۵ درصد کل در آمدشان بوده است. ولی در روستاهای اطراف تهران مخصوصاً روستاهای غرب و شمال آن (کرج، شیمران، دره‌های شعبات جاجرود) در آمد از باغداری اغلب بیش از نیمی از کل در آمد ده و گاهی هم تمامی آنرا تشکیل می‌دهد. افزایش در آمد روستایان اوشان، ایگل، باغ‌گل، آهار، امامه و همچنین کندر در شمال کرج نتیجه شرایط جغرافیایی مساعد و راه مناسب برای حمل میوه به بازار پرجاذبه شهر تهران است.

۴- صنایع دستی روستایی

ظهور صنعت یدی در جامعه روستایی بازتابی از تکامل تکنیک تولید در جهت رفع کمبودهای اشیاء مصرفی و ابزار و لوازم کار و پوشاک است، ولی نوع صنعت تابع شرایط جغرافیایی است. اصل طبیعی قائم به ذات بودن روستا و اتکاء باقتصاد داخلی خود بر اساس اقتصاد بسته ده بدون تردید رونق صنایع دستی روستایی را سبب شده است و خانوار روستایی در گذشته و تا حدود قابل ملاحظه‌ای در حال حاضر ناچار بوده که در محدوده جغرافیایی خویش با استفاده از مواد اولیه موجود در خود ده به تهیه پوشاک و وسایل مورد لزوم خود پردازد.

انواع صنایع روستایی معمولاً تابع شرایط محیط جغرافیایی

است چه این محیط است که مواد اولیه این صنعت را در اختیار می‌نهد از این روست که مثلاً نواحی مجاور نیزارها صنایع حصیری و نواحی دامپرور فرآورده‌های دامی و نواحی گرم دارای نخلستان مواد اولیه صنایع خود را از الیاف و شاخ و برگ و چوب نخل تأمین می‌کنند و همچنین سفال‌کاری معمولاً در مناطقی است که گل‌رس مرغوب بنحوی آسان و طبیعی در اختیار قرار می‌گیرد. (لالجین همدان- استهبان)

صنعت فرش که در ایلات گلیم و بعضاً قالی و قالیچه (ترکمن‌ها) و یا حصیر و چیخ یا چیق^۱ (نواحی نی‌زار دشت میشان) و زیلو و سر- انجام قالی و قالیچه است که بخصوص در روستاهای پیرامون کویبر رایج می‌باشد.

بافت رویه گیوه و ملکی و پوستین و سبد و پارچه‌های پنبه‌ای و همچنین بافت پارچه‌های پشمی (شال در خلخال) را نیز جزء صنایع روستایی باید محسوب داشت ضمن اینکه اغلب این مصنوعات در برخی شهرها هم تولید می‌شود.

بدیهی است هر قدر ارتباط ده‌باشهر بیشتر شود بعضی از رشته‌های صنایع روستایی متدرجاً تحت تأثیر قدرت تجارت شهر و بزرگوار رفته‌است معهدا در شرایط توسعه اقتصادی مثل ایران امروز بابرنامه‌های در دست اجرای مرکز صنایع دستی و با استفاده از فرصت‌هایی که بدست آمده رونق مجدداً کثر صنایع دستی روستایی قطعی است مانند:

(سرامیک لالچین-پوستین مشهد- پارچه‌های دست باف یزد و

۱- نوعی حصیر بافته شده همراه بارشته‌هایی از موی سبز که مورد استفاده

آن علاوه بر زیرانداز در دیواره چادر نیز بکار میرود.

بلوچ و ترکمن و کرد و غیره). سهم در آمد روستاها از صنایع دستی در مناطق مختلف ایران بسیار متفاوت است.

در ایلام نزدیک به صفر و در روستاهای منطقه مشهد ۵/۲ درصد و در سبزوار معادل یک درصد است حال آنکه پارچه بافی در منطقه سبزوار سابقه دیرینه دارد. از جمله نقاط مهمی که در آن سهم صنایع دستی روستایی و عایدی حاصل از آن در کل در آمد خانوار روستایی اهمیت دارد، یکی اراك با ۱۴/۳ و دیگر روستاهای منطقه کاشان است که بحسب منظومه روستایی از ۲۴ درصد (گلشن آباد) تا ۹۶ درصد (دره-ازدهستان فین) در آمد کل را تشکیل می دهد.

بالا بودن میزان سهم صنایع روستایی در آمد خانوارهای روستایی منطقه کاشان مستقیماً با ضعف مساعدت عوامل طبیعی کشت و کار و سابقه و سنت امر بافندگی و خاصه قالیبافی در رابطه است و زمینه وضابطه ای برای قضاوت درباره مناطق پیرامون کویر بزرگ ایران را بدست می دهد.

تأثیر عوامل جغرافیایی در منطقه ساری کاهش میزان سهم صنایع دستی را در آمد خانوارها نشان داده است. در دهستانهای کلیجان رستاق و مذکوره ۹۹ درصد خانوارهای روستایی اصولاً به هیچ نوع از صنایع پدی اشتغال ندارند. و می توان گفت موقعیت مساعد برای کشت و زرع و احیاناً توسعه فعالیت های کارگاهی در استان مازندران موجب کاهش سهم در آمد روستایان منطقه ساری از صنایع پدی روستایی است.

در روستاهای حاشیه نهرخین و کارون و خرمشهر نیز سهم صنایع روستایی پایین و در مقابل در آمد از طریق کارگری بالاست.

بدیهی است تسهیلات موجود و امکانات مساعد جابجا شدن روزانه مردم از روستا به بندر خرمشهر و آبادان و بعکس عامل اساسی این وضع محسوب می‌شود. باید اضافه کرد که صنایع یس‌دی در روستاهای ایران بیشتر جنبه خود مصرفی داشته و ندره^۱ به شهر صادر می‌شده است. در سالهای اخیر برای توسعه تولید صنایع دستی و فراهم کردن زمینه‌های فروش آن در شهر و حتی صدور به خارج کوشش‌هایی شده که اکثر ثمر بخش بوده و می‌توان گفت توسعه جهانگردی به رشد منطقی این منبع درآمد کمک خواهد.

دیگر منابع اقتصاد در روستاها

علاوه بر منابع چهار گانه که گفته آمد منابع دیگری نیز برای بعض روستاها وجود دارد که اهم آنها صید و شکار- جمع آوری گیاهان طبی و صمغ دارو کارگری در باغهای جدید الاحداث است. بعنوان مثال در آمد روستایان بندر عباس از صید ماهی و میگو حدود ۱۱ درصد درآمد کل را تا سال ۴۴ (تاریخ مطالعه) تشکیل می‌داده است. مهاجرت فصلی و موسمی از دیگر منابع درآمد روستایان است که نمونه کامل آنرا در روستاهای خلخال می‌توان دید. مثلاً دهکده مکائیل آباد نزدیک به ۳۴ درصد کل درآمد ساکنانش از طریق کارگری تأمین می‌شود این رقم در ده نو اراك ۳۱ درصد و در ابراهیم آباد نیشابور فقط حدود ۲ درصد بوده است.

در منظومه‌های روستایی خرمشهر تعداد قابل توجهی از افراد

خانوار ۲ تا ۶ ماه از سال به کار گری در کشتی می پردازند.
در منظره های روستایی کاشان در آمد حاصل از کار گری ۳۷ درصد
کل در آمد و در روستاهای ساری بین ۳ تا ۱۵ درصد را تشکیل می دهد.
در سالهای اخیر سه منبع در آمد دیگر در بعضی از روستاها اهمیت
و بڑه ای یافته است و بر اثر آن گاه اقتصاد سنتی ده را بر هم زده و رکن
جدیدی برای اقتصاد بوجود آورده که غالباً چهره اجتماعی روستا را
نیز دگرگون کرده است و عبارتند از:

۱- منابع معدنی- کشف و استخراج معادن بویژه سنگهای
ساختمانی و سنگ گچ نظیر آنچه در روستاهای شمال غربی تهران از در که
الی ورداورد می بینیم.

۲- منابعی که در تأمین سلامت شهریان مؤثر افتاده است یعنی
هوای مطبوع و آبهای گرم و معدنی و وجود تأسیسات و آسایشگاهایی
در این نقاط مانند اسك- شاه آباد - لاریجان - سرعین - آبگرم همدان -
می باشد.

۳- روستاهایی که بسبب داشتن موقع مساعد (نزدیکی به
شهرهای بزرگ) و مناظر زیبا مورد استقبال جهانگردان داخلی و
احیاناً خارجی واقع شده است در روستاهای دره جاجرود و یادره کرج
و حاشیه ساحلی دریای مازندران نمونه های زیادی از اینگونه منابع
در آمد بوجود آمده و در حال توسعه است.

حاصل اینکه اقتصاد روستایی مثل هر اقتصاد دیگر دائماً در
حال تحول است. بنابراین روستاهای مانیز از این دگرگونیها برکنار
نخواهند ماند.

بخش چهارم

ویژگی نظام اجتماعی روستاها در ایران

نظام اجتماعی هر ده بازتاب و رو بنایی است از طرز معیشت و ساختمان اقتصادی و نظام بهره برداری آن. از آنجا که طرز معیشت و ساختمان اقتصادی هر روستا با محیط طبیعی و قدرت تکنیک مردمان ساکنش در رابطه است بنابراین بستر و مهد پرورنده این نظامات اجتماعی و اقتصادی همان محدوده و قلمرو جغرافیایی است.

معهدا در مراحل بعدی عوامل دیگری نیز ممکن است از خارج بر این نظام اجتماعی سایه افکند و آنرا متأثر کند. از آنجمله است نظام اقتصادی حاکم بر کشور و معتقدات مذهبی و دخالت حکومت مرکزی برای اجرای برنامه های عمرانی.

بررسی وضع اجتماعی روستاهای ایران مظاهر مختلفی از نظامات اجتماعی را ارائه می دهد که اکثر منبعث و ناشی از چگونگی

عوامل سازنده محیط و ساختمان اقتصادی آنها و بعضاً متأثر است از تغییرات بیرونی جامعه روستایی.

بهر حال این مطالعات ما را به وجود يك سلسله اصول اساسی اجتماع روستایی هدایت میکند که مشخصات آن به شرح زیر است:

۱- دهناد یا نسق زراعی.

اصطلاح دهناد معادل نسق و بمعنی روال و نظم قرار و مداری بوده که در يك ده میان خانوارهای زارع ساکن به همان محدوده جغرافیایی نهاده می شده است تا براساس آن امر کشت و کار انجام شود و خانواده های مقیم يك ده با توجه به تناسبی حتی الامکان منطقی از آب و خاک سهمی معین در اختیار داشته باشند.

پیدایش دهناد یا نسق زراعی از آنجا آغاز شد که سکنه واحد جغرافیایی مورد بهره برداری محدودیت یکی از عوامل مربوط به کشت و زرع بویژه آب یا خاک را بر اثر افزایش تعداد جمعیت حس کردند. توضیح آنکه هر قلمرو جغرافیایی یا هر واحد روستایی مقدار معین زمین قابل کشت در اختیار داشته و همچنین هر قلمرو روستایی میزان معین آب را صاحب بوده است این میزان معین خاک و آب با درجه معینی از تکنولوژی ظرفیت محدودی از لحاظ تولید داشته و مقدار مشخصی محصول تولید می کرده است که می توانسته معاش تعداد معینی از انسانهای ساکنش را تأمین نماید.

با توجه به وضع اقلیم و حتی با وجود تغییرات دوره ای آب و هوا و میزان باران و با مراجعه به تاریخ می توان دریافت که میزان نزولات

جوی طی ادوار تاریخی (نه ماقبل تاریخ) در قلمرو وسیعی چون ایران زیاد تغییر نکرده است زیرا ما سالهایی پر باران و سالهای کم باران داریم و چنانچه این نوسانات را در يك دوره طولانی صد یا هزار ساله مطالعه کنیم عامل آب را در این مطالعه يك عامل نسبتاً ثابت به حساب درمیابیم.

زمین نیز عامل ثابتی بوده است زیرا قلمرو يك ده بهر حال محدود است.

و اما تکنولوژی نیز با همه ظاهراً متحول و متغیر و ذات تکامل-پذیری که دارد در طول دوره تاریخی نسبتاً درازی که بخش مهمی از آنرا دوره فتودالی نامند تغییر زیادی نکرد و اگر ظهور ماشین و تکنیک‌های علمی جدید نبود هنوز هم در همان عهد به سر می‌بردیم. بهر حال به عهدی که نسق پدید آمده است عوامل آب و خاک و حتی تکنیک ثابت بوده است و در مقابل این سه عامل ثابت و در نتیجه میزان محصول ثابت و معین عامل متغیر جمعیت روستاها وجود داشته است. که با وجود عوامل بازدارنده افزایش جمعیت یعنی جنگ و فحطی و سوانح دیگر طبیعی معهداً افزایش داشته است.

درست است که افزایش جمعیت به افزایش نیروی انسانی و کار و در نهایت امر به تولید بیشتر کمک میکند ولی بجایی میرسد که ظرفیت و بار محیط ده پر می‌شود و ده به نیروی انسانی بیشتر احتیاج نداشته و اضافه جمعیت بدون زمین و آب یعنی بدون عوامل تولید می‌ماند. به این ترتیب تا زمانیکه میزان تولید يك ده برابر میزان نیاز افراد ساکن آن منطقه بوده است بدون شك بحرانی از لحاظ اقتصادی و

اجتماعی پیش نمی آمده اما بمحض آنکه به دنبال چند سال بارندگی کافی نقصانی در میزان نزولات جوی بروز کرده و بازده محصول را کاهش داده است - فشار جمعیت اضافی محسوس و بحران آغاز میشده است . بسیاری از تهاجمات قبایل صحرانشین در ادوار تاریخی و مهاجرت های بزرگ به احتمال زیاد معلول به وجود آمدن همین شرایط بوده است.

برای پرهیز از عواقب شوم چنین بحرانی جامعه متعادل که با روح خودیاری و همیاری و معاضدت روستایی همراه بوده است با استفاده از شورای شیوخ و سنن ناشی از احترام و نفوذ معتمدان و ریش سفیدان مقرراتی وضع میکند تا طبق آن هر خانوار به تناسب قدرت و نیروی کاری که در اختیار دارد از اراضی مرغوب و نامرغوب و متوسط روستا استفاده کند. زیرا که تمامی آب و خاک یکده به یکدرجه از مرغوبیت نیست پس نه تنها تقسیم کل خاک و آب هابین خانوارها صورت می گرفته بلکه تقسیم انواع خاک و آب مطرح می شده و موجب ظهور روالی و قاعده ای که آب و خاک را بعدالت بین افراد یکده تقسیم کند میگردیده است و از همین جا بوده که نسق زراعی یا دهناد بنیاد شده است. یعنی در جامعه ای که اساس کار آن اجباراً، تکی بر تعاون و خودیاری بوده و بسیاری کارها از جمله آبیاری، درو، چرای حیوان، لاروبی قنات، بنای خانه و مسجد و غیره الزاماً با مشارکت و همیاری انجام می شده عدالت اجتماعی حکم میکرده است که هر خانوار روستایی به نسبتی معین از زمینهای مرغوب و دیگر انواع زمینها سهم داشته باشد. به همین دلیل است که امروز وقتی به روستا مراجعه میکنم می بینم

که هر خانوار قطعات ارضی منقطع و جدا از هم و پراکنده‌ای در نقاط مختلف ده دارد و این پدیده تفرق و پراکندگی قطعات ارضی روستاییان درجه مرغوبیتی متفاوت دارند. و البته این پدیده تفرق و تعدد قطعات علل اجتماعی و جغرافیایی توأم دارد. و حتی بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی و مراحل آن هنوز هم این پدیده پابرجاست که از لحاظ اقتصادی همیشه مقرون بصرفه نبوده و بهمین جهت بود که تأسیس واحد های سهامی زراعی پیش‌بینی شد.

گاهی دیده شده است که علاوه بر نسق جهت بهره‌مندی مساوی زارعین از اراضی مرغوب و نامرغوب جامعه روستایی اراضی خوب و بد خود را همه ساله یا هر چند سال یکبار از طریق قرعه یا «انداختن پشک» معین کرده و به زارعین می‌سپرده است.

در سبزوار بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که مجزای بودن و چند قطعه بودن اراضی روستاییان بهره برداریهای انفرادی را در مرحله مکانیزاسیون و مبارزه با آفات مختل میکند ولی با اینکه مانعی در راه پیشرفت کشاورزی است مبین عدالت اجتماعی نیز می‌باشد. در همین منطقه تنها ۱۰ درصد خانوارها اراضی شان پیوسته بوده و در منطقه مشهد نیز ۹ درصد خانوارها اراضی یکپارچه داشته و بقیه اراضی روستاییان قطعه قطعه و پراکنده بوده است.

در روستاهای کاشان مطالعات سال ۴۷ نشان داد که ۱۸ درصد اراضی روستاییان زارع پیوسته و بقیه منقطع بوده و بطور متوسط هر خانوار زارع ۹ تکه زمین ناپیوسته داشته است. همچنین در بعضی روستاهای اراک از جمله حکمت آباد تعداد قطعات اراضی يك نفر از

روستاییان تا ۲۷ قطعه شماره شد.

در پایان این مقال باید اضافه کرد که ابداع نسق منشاء و ریشه‌ای روستایی داشته و بهیچ‌روی از آن طبقه مسالك نبوده است و از جمله ابداعات نبوغ آمیز جامعه روستایی ایران است و اهمیت آن بهیچ‌روی کمتر از دیگر تجلیات فکری و صنعتی وی از قبیل قنات و نظام آبیاری قالی بافی نمی‌باشد.

بكمك نسق روستایی ده ایران نه تنها توانسته است طی قرون گذشته علیه عوامل نامساعد طبیعی خود مبارزه کند بلکه نظام پراجحاف فتوداليسم را نیز تعدیل میکرده است دگرگونی نظام اجتماعی روستاهای ایران بر اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی خواه و ناخواه نسق را همراه با ادخال ماشین در مزرعه متأثر می‌سازد اما آنچه که نسق را دگرگون خواهد کرد روشهای تازه آبرسانی و کشت است.

هم‌اکنون مظاهر آنها در بعض روستاهای قزوین که وضع آبیاری آنها بر اثر طرحهای عمرانی دشت قزوین و حفر چاههای عمیق تغییر یافته است بچشم می‌بینیم که مهمتر از همه کاسته شدن اهمیت بنه و محو آن به احتمال قوی در آینده نزدیک خواهد بود.

۲- وحدت انسانی در ده

منشاء تشکیل روستاها معاضدت و مشارکت و همکاری و خود-یاری افراد خانوار بوده است و بر همین اساس در نقاطی که دهات صورت و سیمای پراکنده دارند از این معاضدت و همکاری بین خانوارها کاسته می‌شود و در روستاهای متمرکز بر میزان همیاری افزوده

می‌شود .

این کولکتیویزم روستایی که هم جنبه اقتصادی دارد و هم جنبه اجتماعی زاییده اقتصاد بسته و ابتدائی خانوار و بازاریابی انسانی در مقابل ضعف تکنیک و ابزار تولید و عدم قدرت در مهار ساختن نیروهای طبیعی بوده است.

قبلاً گفته شد که حتی روستاییان ما در بعضی مناطق نه تنها بر- اساس نسق آب و خاک موجود را میان خود بنحو عادلانه تقسیم کرده‌اند بلکه بمنظور برقراری تعادل در میزان تولید خانوارها حتی قطعات اراضی اعم از مرغوب و نامرغوب را نیز هر سال یکبار طبق رسوم و مقرراتی بین خانوارهای زارع قرعه‌کشی می‌کرده‌اند . اینک بتوانیم که این روحیه در تمام شئون و نظامات اجتماعی مردم روستایی به چشم می‌خورد که بدیهی است چگونگی آن از دهی به ده دیگر تفاوت داشته و صور مختلفی از آن مشاهده شده است مثلاً در روستاهای مناطق کوهستانی و میانکوهی که علی‌الاصول کمبود خاک محسوس و خورده مالکی و باغداری رایج است نحوه تجلی آن با روستاهای بابکوهی و دشت و جلگه تفاوت دارد چه در روستاهای باغدار و آنجا که خورده مالکی و تملك زمین برای کشت‌های چندین ساله (باغ - قلمستان) ضرورت دارد تعاون اجتماعی برای امور دیگری لازم است که دشتهای نواحی کم آب به آن نیاز ندارند. در این گونه نواحی یعنی مناطق کوهستانی و میانکوهی همیاری در امر ساختن پل و سیل بند و فرسایش خاک و آفات درختی و تأسیسات اجتماعی مثل مسجد و مدرسه و غیره ظهور می‌نماید.

از سوی دیگر بعض سنن و نظامات اجتماعی روستایی ناشی از منشاء روستاهاست مثلاً روستاهایی که منشاء ایلاتی دارند هرچند مردم آنها سالها و بعضاً قرن‌هاست یکجانشین‌اند معه‌ذا بسیاری از نظام ایلاتی را اجرا میکنند حتی خود و تمام مردم ده را بنام ایل و طایفه خود مینامند و بسیاری از روشها و آداب اجتماعی این مردم با مردم روستاهایی که منشاء اصلی یکجانشین دارند تفاوت میکند.

خلاصه آنکه جامعه روستایی بیش از آنکه تحت تأثیر عوامل خارجی تغییر چهره دهد قبل از خروج از مدار بسته اقتصاد مصرفی و ورود به عرصه اقتصاد ناحیه‌ای بسبب دورافتادگی و استقلال ذاتی و مسئولیتی که در تأمین و تهیه همه نیازمندیهای سالانه از درون و داخل قلمرو و جغرافیای خود با مشارکت افراد جامعه خود دارد ناچار بنوعی کولکتیویزم اجتماعی و اشتراك مساعی جمعی متوسل شده و می‌شود و این خصوصیت در روستاهای فلات ایران که عدم مساعدت طبیعی شرایط سخت‌تری را بوجود آورده است بنحو بارزی مشهود است.

۳- همیاری و سنن متعارف در روستا

اشتراك مساعی و خودیاری و همیاری و تعاون اجتماعی از مظاهر ویژه اکثر روستاها و خاصه روستاهای فلات ایران است. این پدیده ناشی از شرایط طبیعی و مظهر نبرد انسان روستایی با طبیعت و اساساً برای جبران عدم مساعدتهای طبیعت و ضعف تکنیک بوده و هست و در مرحله اقتصاد بسته ضرورت وجودی چنین روحیه‌ای بیشتر می‌باشد.

در روستاهای ما بسیاری از امور اجتماعی را با استفاده از روحیه همیاری و تعاون اجتماعی انجام داده‌اند و چنانکه دیدیم از آن در مواردی مانند راه، پل، حمام، مسجد و اخیراً مدرسه و همچنین برگذاری مراسم عروسی و بعضی جشنها و سوگواری عمومی بهره گرفته‌اند. مسئله کمبود آب در محیط جغرافیایی زارعین را وادار به اتخاذ نسق خاصی کرده و این نسق نظام اجتماعی ویژه‌ای را بنیاد نهاد که از اصول-ترین نوع همیاری و تعاون است. چنانکه بیاید.

۴- بنه و اصطلاحات دیگر

واحدهای رایج برای نظم و قرار و مدار و روال گذران فعالیت-های تولیدی روستاها چه برای تقسیم زمین و چه تعیین سهم آب و دیگر امور اقتصادی و اجتماعی ده (نسق) بر حسب موقعیت جغرافیایی مناطق مختلف کشور علاوه بر تفاوت ابعاد، اصطلاحات و نامهای گوناگونی را هم رایج کرده است که بررسی علل و ریشه‌های انتخاب این اصطلاحات خود احتیاج به مبحث جداگانه‌ای داشته و جای تشریح کامل آن در این مقال نیست.

بهر حال این نامهای محلی واحدهای تولیدی در هر يك از نواحی ایران صورتی خاص دارد. همه اینها بازتاب نسق و واحدی از آن می‌باشند از آنجمله:

صحرا در خراسان، دَرَكَمَر در کهکیلویه و اسامی دیگر و بالاخره بنه اصطلاحی است که بیشتر در مناطق اطراف تهران بکار

بررد شده است.^۱

تعریف بنه:^۲

«بنه عبارت بود از تجمع ۴ تا ۱۳ زارع که با ۲ تا ۶ جفت گاو که مشترکاً بمنظور انجام کارهای کشاورزی در یکسال زراعی براساس تقسیم کاریکه مبتنی بر امتیازات اقتصادی و منزلت‌های اجتماعی بود در یک یا چند قطعه زمین در یک آبادی به کشت و زرع می‌پرداختند. و یا یک واحد مستقل زراعی مرکب از تعداد محدودی زارع که در یک سلسله مراتب اقتصادی و اجتماعی بوسیله ابزار کاری که متعلق به بنه بود در یکسال زراعی بکار کشاورزی می‌پرداختند».

با همه خصوصیاتیکه بنه از لحاظ روحیه تعاونی و همیاری در جهت بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی جامعه روستایی داشته است و تشریح و تعلیل زمینه‌های این نهاد اجتماعی و اقتصادی خود مبحث یک کتاب جداگانه است که به آن اشارت رفت مع هذا می‌توان باجمال و خیلی فشرده درباره بنه گفت که:

میزان زمینی که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد گاه چنان است که با توجه به وضع آب و نوع کشت، کار دستجمعی و گروهی زارعین را می‌طلبد در اینصورت است که هرچند تن صاحب نسق در یک محدوده خاص کشت و کار می‌کرده‌اند. پدیده قابل ملاحظه آنکه بهمانگونه که نسق ده یعنی تعداد جفت گاو اراضی زیر کشت بعزل مختلف مانند ویرانی قنات بر اثر زلزله و یا لارویی نکردن آن، جنگ، خشکسائی و غیره

۱ و ۲- بنه- از جواد صفی نژاد. بخش تحقیقات انسان‌شناسی مؤسسه

مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

ممکن است محدود شده و کاهش یابد در مقابل بهنگام توسعه عوامل تولید یعنی آب و خاک بر تعداد جفت گاو افزوده شده و حتی بر عدد ظاهراً ثابت دانگ ها نیز اضافه می شود بی آنکه در نسق آن تحول عمده ای پدید آید. چنین است که بعضی روستاها هفت دانگ و احیاناً بیش از هفت دانگ نیز داشته اند مثال: نسق روستای دزك (نزدیک ساوه) قبل از اصلاحات ارضی.

در باره واحدهای نسق باید گفت که تشابه اسمی واحدهای مربوط در روستاهای بعضی از مناطق بهیچوجه دلیل بر مساوی بودن سطح قلمرو این واحدها در روستاهای مختلف نیست و عوامل عمده مؤثر در وضع نسق و یا تفاوت مقدار سطح بنه، جغرافیایی بوده و عبارتند از مقدار آب، کیفیت نوع خاک و میزان همواری یا ناهمواری و درجه حاصلخیزی و خلاصه مرغوبیت و ارزشمندی آنست. در ایران بلحاظ وجود تنوع در محیط جغرافیایی و همچنین بلحاظ وجود فرهنگهای بومی و عوامل تاریخی و سیاسی و بزرگ مالکان مختلف - المنشاء (ایلاتی - شهری - خالصه و غیره) نسقها و اصطلاحات مربوط به آنها گاه از بخشی به بخش دیگر متفاوت بوده مثلاً در خراسان جفت را زوج و در خوزستان خیش میگفته اند و بتحقیق نمی توان قلمرو هر يك از اصطلاحات را معین کرد.

باری در سنوات اخیر در روستاهای مجاور شهرها نظام و واحدهای اندازه گیری و نسق مثل ری و جریب و غیره جای خود را تدریجاً به سیستم متریک می سپارند.

۵- عوامل مؤثر در تغییر نسق

بهر حال نسق زارعی کلید فهم ده ایرانی است و بی مدد آن نه تحولات بعد از اصطلاحات ارضی و مخصوصاً نحوه تقسیم ارضی در ایران مفهوم می شود و نه رموز زندگی اجتماعی و اقتصادی قبل از آن. زیرا تغییرات بنیادی که اصلاحات ارضی در جامعه روستایی بوجود آورده است خواه و ناخواه علل وجودی این نهادها را که بیشتر متکی بر نظام اجتماعی بزرگ مالکی بود دگرگون کرده است. بدین معنی که همیاری و کولکتیویزم جامعه روستایی طی قرون متمادی معلول عوامل نامساعد محیط طبیعی و متأثر از نظام پراجحاف رژیم فتودالی بود که از يك طرف با پیشرفت تکنیک (برای غلبه بر عوامل نامساعد طبیعی) و از طرف دیگر با تغییر مبانی اقتصادی و اجتماعی روستا (اصلاحات ارضی) بصورت علل وجودی دیگر نمی توانست پایدار باشد بنابراین بنه و انواع واحدهای مرسوم قبل از اصلاحات ارضی میرود که به صفحات تاریخ سپرده شود و بجای آن نهادهای جدیدی در روستا استقرار یافته است که انواع آنها و نقش و چگونگی تأثیر جوامع جدید روستایی خود از مقوله دیگر است که در صفحات بعد از آن یاد شده است.

۶- سنت پرستی روستاییان

منشأ و ریشه سنت ها و آداب و رسوم و روحیه خاص روستاییان غالباً متأثر از سه عامل: نژادی، معیشتی و محیط جغرافیایی است. رژیم سیاسی گذشته و نوع روابط مالکان بازارعان نیز از

عوامل مؤثر در ایجاد سنت‌ها و دوام و ثبات آنها بوده است. می‌توان گفت ثبات عوامل طبیعی در قلمرو واحد جغرافیایی ده اثری قطعی در ثبات و استحکام روحیه روستایی نهاده است.

روستاییان پای بند سنت‌ها هستند ارزشها و مخصوصاً ارزشهای اجتماعی نیز در جوامع روستایی غالباً ملهم از سنت‌ها هستند و حتی هزاران سال رسوم و عادات و آداب بدلیل ثابت بودن محیط و عوامل تشکیل دهنده آن دوام یافته و بیش از قوانین و آیین‌نامه و نظامات رسمی نیز تصمیمات و اقدامات اجتماعی مؤثر افتاده‌اند. از جمله مظاهر سنت‌پرستی در جامعه روستایی حرمت خانواده و اطاعت از بزرگ و رئیس خانوار است. میدانیم که خانواده در روستاها غالباً صورت گسترده دارد و صورت هسته‌ای آن کمتر است.

در جامعه روستایی با الهام از حرمت خانواده و رئیس آن اقتدا به ریش سفیدان و معتمدان و بزرگتران نیز از سنتهای پراهمیت است. بحدی که می‌توان گفت در بسیاری از نهادهای اجتماعی و اقدامات عمرانی از این سنت‌ها استفاده شده و می‌شود. مانند:

- ۱- انجام قرعه کشی و پشك اندازی اراضی و اجرای نسق.
- ۲- امور خیرات و مبرات.
- ۳- انجام مراسم عقد و عروسی و برگذاری مراسم سوگواری و غیره.

که در گذشته و حال رایج بوده و می‌باشد.

بعد از تحولات اجتماعی اخیر نیز در اجرای امور زیر:

- ۱- انتخاب اعضاء انجمن ده - شورای خانه انصاف، انتخاب

هیئت مدیره تعاونیها

۲- جمع آوری صدی دو عمران و اقدامات عمرانی

سنت‌های رایج در ده بی اثر نبوده است.

این روحیه تا حدودی هم ناشی از آنست که روستاییان جز به تجربیات خود و پیشینیان خود اعتقاد نداشته‌اند بهمین دلیل هم تا تعمیم کامل سواد در امر ترویج باید از طریق تجربه بطور مستقیم و غیر مستقیم آنها را متوجه اقدامات عمرانی چه در امر تولید و چه در امور نوسازی و غیره نمود.

زیرا تعصب در پای بندی و به بعضی از سنن گاه مانع نفوذ عمران و توسعه تسهیلات رفاهی و بهداشتی شده است مثالهای متعددی از این باب در گذشته داریم.

در بررسی روستاهای دشت گرگان (سال ۱۳۵۰) برخی از روستاییان رامیان که بهره‌مند از نعمت سواد و آثار دیگر انقلاب شده بودند با تأسف از زمانی یاد میکردند که شاه راه گرگان - گنبد طبق نقشه و برنامه می‌بایستی از رامیان عبور کند ولی پدران آنان با تلاش و کوشش و وساطت و احیاناً پافشاری و مقاومت از این اقدام جلوگیری کرده بودند که مظاهر زشت شهری بسزعم آنان به رامیان راه نیابد نتیجه آنکه راه گرگان - گنبد (یاراه امروزی تهران مشهد از طریق شمال) از علی‌آباد عبور کرد و آثار ناشی از آن تفاوت‌های بسیاری بین علی‌آباد و رامیان بوجود آورد در حالیکه در گذشته رامیان هم از لحاظ جمعیت و هم از جهت آبادی و موقعیت برتری‌های قابل ملاحظه‌ای بر علی‌آباد داشته است ولی سرعت پیشرفت علی‌آباد بعلمت موقعیت جدیدی که عبور

شاهراه برای آن بوجود آورد و مآلاً در آمد سرشاری که بدین طریق نصیب ساکنانش شده است با رامیان که پیشرفت کندی داشته قابل مقایسه نیست.

مثال دیگر اجرای بعضی از طرحهای بهداشتی اصل ۴ در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ بود که اغلب بعلت مغایرت با بعضی از سنن رایج در روستاها با توفیق قرین نگردید.

و بالاخره کندی روستاییان شمال در اخذ تدابیر عمرانی عهد رضا شاه کبیر از لحاظ خانه سازی و تعصب روستاییان و نیمه کوچ- نشینان ایلام در قبول زندگی جدید به همان عهد و پشیمانی بعدی آنها از آن نمونه است

سنت پرستی روستایی اغلب برار تجاع فکری و بی اعتنائی و بی تفاوتی او نسبت به ترقی و تعالی مادی حمل شود. این استنباط درست نیست زیرا در طول قرنهای روستایی تنها از طریق تجربه کار کرده و تجربه و مشاهده او ملاک شیوه کارش در امور تولیدی بوده است. این روحیه را شاید بتوانیم محافظه کار تلقی کنیم و این خصوصیت بارز هر کشاورز است و در ایران بدلیل صعوبت شرایط طبیعی اکثر نقاط و رژیمهای غارتگر بزرگ مالکی و تعدی کوچ نشینان روستایی حق داشته صاحب چنین روحیه ای بشود.

امروز از این روحیه می توان بعنوان اهرم خیلی از امور عمرانی استفاده کرد و بویژه در نواحی مرزی و بحرانها مانع اغفالهای سیاسی آنها می شود.

۷- پدیده چند پیشگی در جوامع روستایی:

با اینکه ممکن است تصور براین اساس باشد که اشتغالات روستاییان محدود بوده و برحسب امکانات طبیعی و شرایط دیگر جز چند شغل محدود وجود نداشته است معهذا بررسیهای اقتصادی و اجتماعی دانشگاه تهران در تعدادی از جوامع روستایی کشور نشان داده است که اغلب ده نشینان به دلایل مختلف چندکار را توأم انجام می دهند و بسخن دیگر پدیده خاصی بنام چند پیشگی در میان مردم روستایی وجود داشته و هنوز هم با وجود تحولات اقتصادی و اجتماعی اخیر وادخال تکنیک به جامعه مورد بحث اغلب بچشم میخورد یعنی فرد روستایی نه تنها گاه در هر آن چند پیشه داشته است بلکه در طول مدت سال نیز بحسب فصل، نوع اشتغالات و اساساً شغل وی- تغییراتی میکرده که این امر با تقویم زارعی و بطور کلی با تقویم روستایی در رابطه بوده و می باشد. روبهمرفته اغلب روستاییان مشاغلی اصلی و فرعی داشته و متناسب با اطلاعاتی که بمرور زمان کسب کرده و امکاناتی که برایشان موجود بوده اوقات خود را وقف آن کرده و میکند .

نکته اصلی اینجااست که هر روستایی بایستی وقت و فصل معینی را صرف کار و شغل معینی کند و برای این کار بوده که حتی به مهاجرت موسمی هم دست میزده و هنوز هم این روش متداول است از جمله مشاغل متعددی که در جوامع روستایی در نخستین نظر وجود داشته و دارد :

زراعت، باغداری، صنایع دستی، دامپروری است که ارکان

اصلی تأمین معیشت روستاییان را تشکیل می‌دهد ولی در جنب این مشاغل و در جهت تولید فرآورده‌های تولیدی حاصل از چهار رکن مذکور انواع مشاغل دیگر بحکم ضرورت ایجاد شده است که افراد روستایی با اینکه اصل تقسیم کار را تا حدودی مرعی می‌دارند مع هذا ارکان اقتصادی یاد شده شرایطی را تحمیل کرده است که يك فرد ناگزیر چند کار را توأم انجام دهد.

البته در مشاغل روستایی حالت ساده و تك پیشگی نیز کم نیست و مشاغلی مانند معلمی، دکانداری، پله وری، سلمانی، و غیره نیز وجود دارد که شاغلین آن ممکن است منحصراً به این مشاغل اشتغال داشته و یا در جنب آن به کارهای دیگری هم بپردازند. معمولاً پله‌ور و سلمانی در روستاها ثابت نبوده و با حرکت در يك منظومه روستایی مرکب از دو یا چند ده به کسب درآمد می‌پردازند.

باید توجه داشت که جامعه روستایی جامعه‌ای بدون طبقه نیست و از این نظر به مانند هر جامعه دیگر گرفتار تضادهای طبقاتی داخلی خود نیز می‌باشد.

در شرایط کنونی دو طبقه زارع و خوش نشین بهمان اندازه رو در روی هم اند که رعیت و مالک در گذشته نزدیک با آن مواجه بوده‌اند. مثال آن وضع مهاجرین زابلی و بلوچ فاقد زمین در روستاهای دشت گرگان بازارعان صاحب زمین است که چنین صورتی را ارائه می‌دهد.

یعنی طبقه زارع که خود را صاحب و مالک اصلی و سازنده و آبادکننده ده میدانند حق اخذ تصمیمات اجتماعی را از حقوق خود

شناخته است.

بهر حال از جمله مشاغل شناخته شده در روستاها می توان: پاکار، میرآب، دشتبان، چوپان، مقنی، کارگر کشاورزی و یا مشاغلی مانند بنایی، حمامی، سلمانی و نظایر آن را نامبرد که بدیهی است سه شغل اخیر ممکن است عمومیت نداشته و یا حداقل فاقد ثبات در يك ده باشد یعنی در روستاهای کم جمعیتی که مجاور مراکز جمعیتی بزرگ مستقر شده اند معمولاً روستاییان نیاز خود را به اینگونه مشاغل از دهات بزرگ مجاور تأمین کرده و میکنند.

۸- زارع.

زارع یا کشاورز را در روستاهای ایران باید طبقه اجتماعی نو ظهور دانست که خصوصیات آنها ظرف چند سالی که از اصلاحات ارضی گذشته است هنوز دقیقاً قابل تعریف نبوده و مشخصات و قدرت اجتماعی شان مبهم است.

کشاورزان در حقیقت همان صاحبان نسق و یارعیای صاحب نسق قدیمی اند که در اثر اجرای مقررات تقسیم و فروش خالصجات و قانون اصلاحات ارضی و واگذاری موقوفات مالک یا مستاجر شده اند.

اجرای مراحل سه گانه اصلاحات ارضی زمین را بدست زارع و کشاورزی که روی آن کار میکند سپرد و تقریباً از مستاجر و برزگر و غیره بصورتی که در تاریخ قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی در جامعه روستایی وجود داشت دیگر نشانی باقی نمانده است.

معهدا این سخن هرچند از بابت توجه به زاویه مالکیت خصوصی قابل قبول است ولی از زاویه و دید اجتماعی قابل تأمل است زیرا کشاورزان که تقریباً بخش اصلی قاعده هرم قدرت^۱ را در جامعه روستایی می‌سازند هنوز با آنکه مالک اند مدت زمانی لازمست تا بتوانند بمدد تعاونی‌های روستایی وحدت طبقه‌ای وتشکل اجتماعی خود را بنمایانند.

امروز با اینکه کشاورزان از لحاظ حقوقی مالک اند ولی از لحاظ اجتماعی خصوصیات مالک مستقل و شاید يك خرده مالک قبل از اصلاحات ارضی را نداشته باشند. زیرا فتوداليسم قاهر طی قرون متمادی مانع رشد فکری و اجتماعی آنان بوده است.

بمنظور رفع این کمبودها بود که همراه با انجام اصلاحات ارضی نهادها و اقدامات تازه‌ای مانند تعاونی‌های روستایی و سپاهیان انقلاب و خانه انصاف و بدنبال آن در بعضی از این جوامع خانه‌های فرهنگ روستایی بنیاد شده است.

بعضی از نهادهای دیگر مانند انجمن ده مدتها قبل اجرای اصلاحات ارضی مقدمات مشارکت مردم را در اموره فراهم ساخته بود و بعد از این هم کانون‌های رستاخیز ملت ایران برهمدلی وهمیاری روستایان خواهد افزود.

می‌توان خصوصیات اجتماعی امروز زارعان را بشرح زیر خلاصه کرد.

۱- در صفحات بعد از آن سخن رفته است.

الف- زارعان اکثریت و هسته اصلی جامعه روستایی اند.

ب- زارعان طبقه اجتماعی زائیده انقلاب ایران و اجرای اصل اول آن یعنی اصلاحات ارضی میباشند.

ج- زارعان قانوناً عضو شرکتهای تعاونی اند.

د- زارعان کنونی گرچه اکثر آنان زمان فتودالیسم را درک کرده و آثار روانی این دوره هنوز از آنان به تمام و کمال زایل نشده معهذ از حالت روحی و خصائص انقلابی تازه ای برخوردار میباشند. ه- زارعان در نظام کنونی اغلب انتظار ارشاد و کمک از خارج ده دارند و اکثر ارزشهای اجتماعی میرود که بکلی در جامعه آنان دگرگون شود. زیرا بسیاری از امتیازات اقتصادی و اجتماعی خود را از بالا دریافت داشته و بهمین دلیل وابستگی شدیدی به عوامل اجرائی مأمور از طرف دولت دارند بهمین لحاظ جهت گیری های برنامه های عمرانی بایستی معطوف به تفویض هرچه بیشتر اختیارات در زمینه سپردن امور مردم به مردم به منظور زدودن این روحیه از جوامع روستایی شود. و- علیرغم افزایش قدرت خرید و بهره وری از مواهب انقلاب بدلیل رشد سریع توسعه زارعان از لحاظ اقتصادی اکثر دچار مشکلات مالی و از لحاظ اجتماعی رویهمرفته دچار ناآشنایی با مسائل اداری و از لحاظ فنی در مرحله ای می باشند که تکنولوژی ارزشهای جدیدی در جامعه آنان نشر می دهد.

ز- سپاهیان انقلاب بمنزله يك وسیله اعتماد و يك دريچه اطمینان در جامعه زارعان تلقی شده و انتظار آنان از سپاهیان بیشتر از حدود امکانات این مبشران انقلاب است.

۹- خوش نشین‌ها

در نظام اجتماعی روستاهای ایران خوش نشین به کسی اطلاق می‌شده و می‌شود که صاحب نسق نبوده و در فعالیت‌های بنیادی ده یعنی تولید کشاورزی بطور مستقیم دخالتی نداشته و در عمل جز از طریق کارگری در مزارع و یا خدمت به صاحبان و مالکان نسق نمی‌گذرانده‌اند و در مجموع باید گفت که از لحاظ روابط اجتماعی خصوصیات خوش- نشین‌ها در مناطق مختلف کشور بگونه‌ای است که تعریف آنها از منطقه‌ای بمنطقه دیگر اغلب تفاوت داشته است.

در صفحات قبل بهنگام بحث از نسق یساده‌ناد به پیدایش این- طبقه اشاره شد که در هر واحد جغرافیایی روستایی مقدار معین آب و زمین وجود داشته که این مقدار کفاف تعداد معینی از مردم آن محدوده را می‌کرده است و گفته شد که در طول زمان‌های صد یا هزار سال میزان آب و خاک و سطح تکنیک ثابت بوده در حالیکه عدد جمعیت بطور طبیعی و یا از طریق مهاجرت افزایش می‌یافته است. در اینصورت اضافه جمعیت حاصل بی آب و بی زمین مانده و ناچار طبقه‌ای فاقد عوامل اصلی تولید کشاورزی پیدا می‌شده که عملاً سربار و زائده جمعیت کشاورزی ده تلقی می‌شده است.

طبقه خوش نشین با این ترتیب در نظر روستاییان بیکاره آمده و اطلاق نام آفتاب نشین به آنها نیز بهمین معنی است.

به این ترتیب باید گفت خوش نشین در حقیقت زائیده رشد دموگرافیک و ناشی از اضافه جمعیت هر روستا و محدودیت عوامل جغرافیایی در واحده می‌باشند.

در بعضی موارد معنای خوش نشین را بفلط تعمیم داده و هر غیر زارع ساکن را از آن مراد میکنند در حالیکه بسیاری از روستاییان غیر زارع شامل حکم آفتاب نشینی و خوش نشینی نبوده چه برای خود شغلی و وسیله انتعاشی دارند از آنجمله اند دشتبان و پاکار و دکاندار و حمامی و ملا و معلم و مأموران دولت و نظایر آن.

کلمه خوش نشین کنایه خاصی را هم میرساند و آن اینکه در چشم جامعه روستایی و حتی در نظر رعیت سابق هر کس که بکار تولیدی نپردازد و نگرانی کاشت و داشت و برداشت را در تمام سال نداشته باشد خوش نشین است و این کنایه شدت مبارزه علیه طبیعت سخت و اهمیت کار طاقت فرسای زارع را در ایران نیز در برداشته است. خصیصه خوش نشین عدم ثبات در نوع اشتغال و بیکارگی پنهان و بلا تکلیفی و نداشتن درآمد ثابت است و این وضع در روحیه و نقش اجتماعی وی آثاری مانند عقده های حقارت، ماجرا طلبی و گزند نکشی کاذب، اجبار به مهاجرت به شهر و شهر زدگی کاذب بعد از آن، و سرانجام بی تفاوتی نسبت به امور اجتماعی ده و دوری از روحیه تعاون را به وجود می آورد. از نظر دور نباید داشت که جاذبه قطب های صنعتی در آینده نزدیک تا حدود قابل ملاحظه ای به جذب این اضافه جمعیت روستایی کمک خواهد کرد.

۱۰- هرم قدرت در گذشته و حال

روستاها تنها واحدهای جغرافیایی و سیاسی اند که در طول تاریخ فاقد قدرت ثابت حکومتی بوده و رئیس آن هرگز بطور دقیق از سوی

دولت مرکزی و ایالتی معین نشده است. زیرا قدرت اداره ده در ادوار مختلف در دست افراد غیر حکومتی مختلفی قرار گرفته است. می‌توان گفت که نخست در شرایط اقتصاد بسته قدرت در دست خانواده‌ها بوده و اصل پدر سالاری و قدرت شیوخ مجری و معمول بوده است. بعداً با افزایش جمعیت و خانواده‌ها دو دسته رئیس در دو مقیاس و سطح برای ده شناخته شد یکی ریش سفیدان و معتمدان و دیگری رؤسای واحدهای زراعی مورد بهره برداری در گذشته: مانند سربنه، سردار، ... و غیره. معه‌ذا قدرت در دست این گروه‌ها بقدر کافی متمرکز نبود و صاحبان نسق برای انجام امور زراعی احتیاج به این داشتند که فرد و یا افرادی با قدرتی بیشتر و اختیاراتی جامع‌تر و بالاتر کارها را در دست گیرد و بخصوص رابطی باشد با جنبه دوگانه که هم به امور اجتماعی رسیدگی کند و هم محرم خانوارها بوده و بالاخره بتواند در مسائل اقتصادی حکم‌کننده باشد. به این نیاز ابتدائاً با ظهور کدخدا در مجموعه هرم قدرت پاسخ گفته شد.

اما امروزه گروه نسبتاً پرشمار مأمور دولت و مبشران انقلاب و عمران روستایی موجب روشنگری بسیاری در جامعه روستایی ایران شده‌اند بطوریکه می‌توان گفت در حال حاضر گروه برشمرده فوق یعنی سپاهیان انقلاب و دیگر مبشران عمران و انقلاب در روستاها عملاً هرم قدرت را در ده شکسته‌اند بدین معنی که قاعده هرم کنونی جامعه روستایی را کشاورزان و سطح بالاتر را رؤسای خانوار آنها و سطوح بالاتر از آنها انجمن ده و شوراهای خانه انصاف و هیأت مدیره تعاونیهای روستایی و نظائر آن می‌سازند. و در بالای آنها عملاً

سپاهیان انقلاب یعنی رهبران واقعی جامعه روستایی قرار دارند. طرح هرم قدرت قبل و بعد از اصلاحات ارضی در روستاهای ما از هر لحاظ قابل توجه و تفسیر می باشد از این رو در صفحات بعد تصویری از آن در دوبرگ آمده است.

از خصوصیات هرم قدرت در جامعه روستایی کنونی تفرق قدرت در بالا و یا ابهام در قدرت هیأت رئیسه و رأس آن است و شاید بتوان گفت نوعی رهبری گروهی و دسته جمعی عملاً نظام حاکمیت روستایی را بهمه دارد.

این يك پدیده كاملاً تازه است كه هرم قدرت و نظام اجتماعی، ده را بكلی از آنچه بیش از این بوده است متفاوت می سازد، باید بخاطر سپرد كه كدخداهای انتصابی كنونی ده كه گاهی هم از سوی روستایان پیشنهاد شده بهر حال با حكم بخشدارها منصوب و از سوی آنها حقوقی برایشان در نظر گرفته می شود ولی بهیچ روی نمی تواند در رابطه با سپاهیان انقلاب و انجمن ها و شوراهای متعدد كنونی نقش و ارزش اجتماعی سابق خود را داشته باشد و اساساً شاید كدخداهای نتوانند به رهبری و اداره جامعه ای كه با مسائل تكنولوژی تازه ای رو برو است ادامه دهند. مع هذا دولت تا پیدا كردن مدیرانی برای روستاها مدیرانی چند ارزشی و با سرشت آموزشی تازه ناچار آنها را باید حفظ كند.

۱۱- قدرت كدخدا و ماهیت آن:

كدخدا خصوصياتی دارد كه وی را از ديگر رؤسای جوامع

مجزا و متفاوت میکند. چنین بنظر میرسد که جامعه روستایی بمرور قدرتی خاص را در وجود کدخدا مجسم و متمرکز ساخته است. می توان گفت که کدخدا در تمام امور دخالت میکرد و مگر امور دینی و مذهبی که آنهم در پاره ای از روستاها در غیبت ملا و یا هر نماینده مذهبی از کدخدا توقع مشاوره در این امور را هم داشته اند. به این ترتیب خصوصیات کدخدا و تلفیق و ترکیب وظایف اخلاقی و اجتماعی وی چنین خلاصه می شده است:

- ۱- اجازه نظارت بر اجرای نسق.
- ۲- قدرت تجهیز نیروها بهنگام بروز حوادث.
- ۳- قدرت حل و فصل اختلاف زارعین.
- ۴- محرومیت نسبی در امور خانواده ها.
- ۵- رابطه بین توده روستاییان و مالک از طریق مباشر یا نماینده وی .

معهدا این مشخصات و این حدود اختیارات از عهدی به عهدی دیگر و مخصوصاً از يك دوره اقتصادی به دوره دیگر تفاوت کرده است .

آنچه مسلم است خود کلمه کدخدا نشانی و معنایی از کولکتیویزم روستایی در بردارد زیرا هم متضمن ریاست بر امور اقتصادی و اجتماعی است و هم عملاً ناظر بر امور داخلی خانواده ها بوده که محرمیت نسبی کدخدا در گذشته از آن ناشی میشده است.

اما بهمد بزرگ مالکان و مخصوصاً در دوره تسلط طولانی فئودالیزم این وضع تقریباً دگرگون شده است. زیرا عمده مالکان

وقتی تمامی يك ده را تملك میکردند با در دست گرفتن و قبضه کردن کلیه امور اقتصادی و حتی دخالت در نسق هملاً بخشی از اقتدارات کدخدا را کاسته‌اند. معه‌ذا از آنجا که کدخدا با مردم و از مردم بود نفوذ خود را پایدار می‌داشت و مالك از وجود او بی نیاز نبود. بنابراین مالکان بزرگ دوره فتودالینه هرگز کدخدا را حذف نکردند بلکه سعی کردند از نفوذ وی بنفع خود استفاده کنند و از طریق کدخدا که طبق سنت برگزیده و منتخب مردم بوده است قدرت خود را پایدار میداشتند.

جالب توجه است که مالك در گذشته از يك سو کدخدا را تقویت می‌کرده و از سوی دیگر با گماردن عناصری چون مباشر وی را محدود می‌ساخته است. و این فقط بهجت نفوذ کدخدا در بین مردم بود، چون کدخدا منتخب مردم بوده و مردم وی را از خود می‌دانسته‌اند. کدخدایی در روستاهای ایران چنان پر سابقه و ریشه‌دار است که بصورت یکی از سنن و ارکان نظام اجتماعی درآمده است. تا آنجا که مالکان و حتی دولتها غالباً ترجیح می‌دادند قدرت خود را بر نفوذ وی متکی کنند.

باید اضافه کرد که نفوذ کدخدا در روستاهای خرده مالك اغلب به‌میزان قراء عمده مالکی نبوده است و می‌توان گفت که هرچه جمعیت روستای خرده مالك بیشتر بوده بعلت وجود طبقات مختلف اجتماعی نفوذ کدخدا کاهش می‌یافته است. بگونه‌ایکه در سنوات اخیر در برخی از روستاهای خرده مالك، وظایف کدخدا به‌رسیدگی وضع مشمولین و همکاری با مأموران وظیفه محدود میگردد.

رویه‌مرفته در اغلب روستاهای خرده مالک منزلت اجتماعی کدخدا به میزان تملک و ثروت او نیز بستگی داشت بدیهی است در چنین روستاهایی اگر فرد یا افرادی از لحاظ مکنت و سرمایه بر کدخدا برتری داشتند نفوذ معنوی آنان در جامعه روستایی بیشتر بود و بعد از شهریور ۱۳۲۰ اغلب کاندیداهای مجلس شورای ملی از نفوذ اینگونه افراد در جلب آراء ساکنان روستاها استفاده میکردند.

بهر حال کدخدایی و انتخاب کدخدا مظهر کاملی است از سهم-جویی توده روستایی و تجسم اراده روستایی در امور اجتماعی که هنوز هم الهام بخش تواند بود.

در بررسیهای انجام شده در مورد وضع کدخدا ملاحظه می شود که ما چند نوع کدخدا داشته و داریم به شرح زیر:

- ۱- کدخدای انتخاب شده از سوی مردم ده
- ۲- کدخدای تحمیلی و انتخابی از سوی مالک
- ۳- کدخدای انتصابی از سوی دولت و احياناً با حکم رسمی
- ۴- کدخدای موروثی

در نظام اجتماعی روستاها و در آخرین تحلیل پدیده کدخدایی اعجاب آور است و ما را بیک واقعیت مهم می‌رساند و آن اینست که کدخدایی چنان در تار و پود نظام اجتماعی بعضی از روستاها تنیده شده است که رفته رفته تبدیل به سنتی گردیده که صورت موروثی هم یافته است. یعنی مردم ده از انتخاب پسر کدخدا و لو آنکه جوان و کم سن هم بوده است به احترام خدمات پدرش و اعتمادی که به ترتیب او داشته‌اند مضایقه نمی‌کرده‌اند. و از لحاظ اجتماعی این امر قابل

ملاحظه است که مردم روستایی به این ترتیب يك سیستم انتخابی و انتصابی موروثی مرکبی را که تحلیل محتوای آن مسائل زیادی را در بر میگیرد ابداع کرده اند و می توان گفت در این وضع عامل عمده، روحیه سنت پرست روستایی و نظام حکومتی ایران تأثیر کامل داشته است.

۱۶- مباشر:

بعهد بزرگ ملك داری در مجموع هرم قدرت اداری و اقتصادی روستاها، مباشر جای مهم و مشخصی را اشغال میکرده است. یعنی نماینده مالک و نایب و مجری نیات وی در امور اقتصادی بوده و عملاً مقابل کدخدا قرار می گرفته است.

می توان مشخصات مباشر را بشرح زیر تصویر کرد:

۱- مباشر مقدار زیادی از قدرت مالک را در خود داشته که گاه تا سرحد مطیع ساختن غیر مستقیم مالک این قدرت را بالابرده است و اعمال خود را بنام مالک توجیه کرده و وی را و میداشته تا بر هر اقدام وی صحنه گذارد.

۲- مباشر از يك سومتکی به قدرت مالک و از سوی دیگر با در دست گرفتن امور نسق و جمع آوری سهم مالک سعی میکرده روستاییان را متوجه خود سازد و با حل و فصل امور اجتماعی و اقتصادی آنها حد اکثر نفوذ اجتماعی را در جامعه روستایی ده برای خود تأمین کند.

۳- مباشر رقیب کدخدا بوده و بهمین دلیل سعی داشته هر چه

بیشتر از نیروی مدیریت و اختیارات وی بنفع خود بهره برداری کند و در مواردی که کدخدا عملاً برگزیده مالک بوده در انتصاب کدخدا خواه و ناخواه مالک نظر مباشر را نیز دخالت میداده است.

مباشران به دلیل اقامت نسبتاً مستمر درده و رسیدگی به امور اقتصادی و زراعت ده اغلب خود تبدیل به نوعی خرده مالک می شده اند که عملاً از تمام اختیارات مالک بزرگ برخوردار بوده و کلیه تسهیلات و خدمات را در کار کشت مخصوصاً نیروی انسانی ارزان و گاهی هم رایگان را نیز در اختیار داشته اند.

بر خلاف کدخدا که معمولاً ریشه‌ای در میان اجتماع مردم روستایی دارد و بهر حال جانب آنهاست مباشر برگزیده مالک و بسیاری از خصوصیات مالک را در خود داشته و از منافع مالک حمایت میکرده است بصورتی که در عمل قدرت دوم جامعه روستایی بعد از مالک بوده است. مع هذا همیشه چنین نبوده و چه بسا مباشران که موجب تعدیل قدرت مالک شده اند زیرا خود از اهالی همان ده و از رعایای سابق بوده اند و چه بسیار مباشران هم که موجب تشدید قدرت مالک درده شده و خود نیز از مالک در اعمال قدرت پیشی گرفته اند بهر حال در تاریخ جوامع روستایی از قدرت مباشر بعنوان يك قدرت خلاق و سازنده یاد نشده بعکس وی همیشه مظهر تضاد نیروها و واسطه بهره کشی از رعیت به نفع مالک بوده است.

۱۳- مالک.

در آغاز نظام مالکیت در روستاها مبتنی بر تملک عمومی زمین

و حراست مزرعه بوده و چنانکه گذشت قطعات زیر کشت هر دهقان از سالی به سالی دیگر ثابت نبوده است و انگهی يك زارع از انواع زمین (دیم - آبی - باغ - مراتع و غیره و مرغوب و نامرغوب و هموار و ناهموار) سهمی داشته است و در مجموع باید گفت صورت ظهور این طبقه اجتماعی از دهی به دهی دیگر و از يك دوره اقتصادی و اجتماعی به دوره دیگر تفاوت میکرده است.

بهر حال مالکیت مشاع رایجترین شکل مالکیت در نواحی جلگه‌ای بوده است در چنین حالتی هر فرد روستایی ضمن احساس مالکیت عمومی (قبل از ظهور بزرگ زمین داری) عملاً به حراست مزرعه خصوصی می‌پرداخته است.

ولی چنین نماند و به مرور زمان با تقسیم کار و پیدایش اضافه تولید ارزش زمین و ملك بالا رفت و اقتصاد ده متحول شد. اما آنچه را موجب شد منشائی جغرافیایی نیز داشت که آن محدودیت انواع ارضی به ویژه زمینهای مرغوب و همچنین محدودیت آب بوده است.

هر روستا بحسب آنکه کمبود آب داشت یا کمبود خاک، مالکیت را از همان عنصر یعنی از مالکیت آب یا مالکیت خاک شروع کرده و طبقه مالك آب یا مالك خاک بوجود آمده است.

در پاره‌ای از موارد سیر هر دوی این عناصر غیر قابل تفکیک بوده و مالك هر دو را در اختیار میگرفته است. علت جغرافیایی چنین حالت آن بود که زمین بدون آب کار بردی نداشته است.

بنابراین ما بحسب سابقه و منطقه سه نوع مالکیت در روستاها

داشته‌ایم :

۱- مالکیت زمین

۲- مالکیت آب

۳- مالکیت آب و زمین

و نوعی دیگر بنام مالکیت ابزار کار و تولید (بجز زمین و آب) که خود طبقه اجتماعی دیگری را بنام گاو بند موجب شده است. بررسی‌ها معین میدارد که آنگونه مالکیت منتهی به سرواژ *servagn* یعنی مالکیت بر رعایا و زمین که نوعی برده داری بوده است رویهمرفته در ایران ظهور نیافته است و این را باید ناشی از نظام حکومتی ایران و منشورهای دین و حقوق بشری دانست که سابقه آنها در ایران بعهد باستان میرسد.

۱۴- خرده مالک .

در نظام اجتماعی روستاها سه صورت عمده خرده مالک وجود داشته و دارد .

۱- خرده مالکانی که در روستاهای بزرگ مالکان بوده‌اند.

۲- خرده مالکانی که تمامی يك ده را در تملك داشته‌اند.

۳- خرده مالکانی که در سالهای اخیر بر اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی و یا قوانین مربوط به تقسیم املاك سلطنتی یا خالصه پدید آمده‌اند.

در میان این سه دسته، دسته دوم یعنی خرده مالکانی که تمامی يك ده را در تملك دارند از لحاظ اجتماعی نقشی سازنده‌تر داشته و

اساساً در چنین روستاها روحیه خرده مالکی مشخص و میزان علاقمندی بکار و دقت در امور اقتصادی بسیار زیادتر است.

خرده مالک در چنین روستاها در حکم سکنه اصلی ده بوده و خصوصیت بارز وی اتکاء بنفس و کسب وجهه در جامعه روستایی و صرفه جویی و از همه مهمتر شرکت مستقیم در امور تولیدی بوده است برخلاف بزرگ مالکان که تعدد روستاهای تحت تملک آنان موجب میشده که رأساً نتوانند نظارت مستقیم بر امور اقتصادی و اجتماعی ده داشته باشند و در این وضعیت بوده که عمال مالک و بسویژه مباشر از غیبت مالک اغلب در بهره کشی رعایا یا بنفع خود سود می برده اند. باری خرده مالکان دسته اول یعنی آنها که در جوار یک مالک بزرگ بکار خود ادامه داده یا می دهند وضع خاصی داشتند به این معنی که: اولاً - از لحاظ اجتماعی غالباً تحت تأثیر و قدرتشان تحت الشعاع عمده مالکان بوده است.

ثانیاً - این گروه همیشه مورد حمله عمده مالک بسوده و اغلب املاکشان وسیله آنها تصرف شده است به این ترتیب که مالک عمده بر اثر سرمایه گذاریهای بیشتر و یا از طریق تحت فشار گذاردن رقبای کوچک خود و تجاوز مستقیم و غیر مستقیم به آب و خاک و حریم آنها، آنها را وادار به فروش و ترك ملك خود کرده تا قلمرو خود را وسعت داده و حاکمیت اقتصادی و اجتماعی را استوارتر سازد.

این پدیده قرنهای موجب کشاکش وسیعی بین این دو طبقه اجتماعی بوده است و این حالت تا آغاز مرحله دوم اصلاحات ارضی ادامه داشت. جالب توجه آنکه در بعضی از روستاها بعضی از خرده

مالکان آرام آرام بخريد املاك همسايگان خرده مالك خود پرداخته و خود رفته رفته تبديل به عمده مالك شده اند. حالت ديگر آنكه مالكان عمده از خرده مالكان مباشر و نماينده ساخته و از اين طريق حاكميت اجتماعي خود را تثبيت کرده اند. در مجموع بايد گفت شرايط با النسبه مساعد خرده مالكان قبل از اصلاحات ارضي در مقابل رعايا، بصورت يك گروه گواه انگيزه مؤثري براي اجراي اصلاحات ارضي بوده است.

۱۵- نفوذ دولت:

جامعه روستايي خود مصرف ذاتاً درون گرا بوده و امور خود را بر اساس هرم قدرت سنتي نويس يعني توده روستايي صاحب نسق و رؤساي خانوار و سپس معتمدان و وریش سفيدان و بالاخره کدخدا از داخل جوابگو بود و امور بيروني خود را بعد از قبول تحميلات فتوداليسم ملي وسيله مباشر و نماينده مالك حل و فصل ميکرد.

چنين جامعه قرن‌ها و قرن‌ها نماينده حكومت مركزي را در داخل خود نفوذ نداد و جزيه و باج و ماليات و نفر سپاهي خود را بي استوار داشتن پاينگاهي اداري بدون قبول نظمي جز نظم روستايي خويش به اصحاب دولت بداد.

گويي حكومت جز تا پشت دروازه ده، ده را متأثر نمي ساخت. بدلايلي كه در صفحات قبل آمد حتي فاتحان و دين آوران نيز بعد از هر تسلط ترجيح دادند روستا را از درون بحال خود گذارده و بگرفتن جزيه و باج و خراج وسيله يك نماينده اكتفا كنند.

این وضع تا ظهور تحولاتی در مبانی اقتصاد ملی ادامه یافت و چنانکه میدانیم چنین بماند.

اکنون دگر گونیهای مبانی اقتصادی و زیربنای جامعه روستایی امریست مسلم که تصدیق آن لزومی به دلیل و برهان ندارد.

تحقیقات انجام شده در روستاها پیدایش و ظهور يك نظام اجتماعی جدید و اساساً يك انقلاب اجتماعی روستایی و يك سلسله دگر گونیها را تصدیق و تایید می نماید.

اساس این دگر گونیها مبتنی است بر:

۱- اجرای مراحل سه گانه قانون اصلاحات ارضی که بر اثر آن زمین بزارع تعلق گرفته و از قدرت اجتماعی مالك قدیم عملاً نشانی در عرصه روستاها نیست.

۲- ترویج اصول جدید کشاورزی و بعبارت دیگر انقلاب آرام و علمی کشاورزی از طریق مصرف بذرمربوب - کود و مکانیزاسیون کار کاشت و داشت و برداشت بقدر امکان - به کردن زمین و افزایش سطح زیر کشت - زه کشی ارضی نامساعد مردابی و بالاخره اصلاح نژاد نهال و دام.

۳- توسعه آموزش و پرورش و مبارزه و محو بی سواد و ایجاد روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی متعدد با استفاده از وسایل گوناگون.

۴- بهسازی محیط روستا و عمران روستایی به مفهوم وسیع آن.

۵- مشارکت هرچه بیشتر روستاییان در امور مربوط به ده از طریق ایجاد بنیادها و افزایش وظایف اجتماعی روستاییان و کشاندن

آزان به میدان دخالت در سرنوشت خود.
۶- آفریدن منابع معیشت تازه صنعتی باتکای منابع طبیعی و
استعدادهای ذاتی ده.

اقدامات و برنامه‌هایی بشرح فوق در قلمرو مناطق روستایی
اجرا شده و میرود تا تکامل یابد و می‌توان پیش‌گویی کرد که تحقق
آنها بویژه تعمیم سواد آثار اجتماعی و روحی جدیدی که مبتنی بر-
برون‌گرایی و مشارکت بیشتر جامعه نوپای روستایی باشد، ایجاد کند.

بخش پنجم

گروه بندی روستاهای ایران

روستاها هر چند از لحاظ قـوانین عمومی پیدایش و حیات خود صفات و خصوصیات مشترکی را ارائه می‌دهند لکن بحسب طبیعت واحد جغرافیایی و منطقه‌ای که در آن قرار دارند بسیار از هم متفاوت‌اند.

یعنی با وجودیکه ارکان اقتصادی روستاها به شرحی که درمباحث قبل آمد مبتنی بر کشاورزی و دامپروری و باغداری و صنایع روستایی است معهذا نسبت منابع معیشت مزبور از منطقه‌ای به منطقه دیگر و حتی از روستایی به روستای دیگر چنان متغیر است که نوعی گروه بندی برای بازشناسی آنها همیشه ضرورت داشته است.

بهر حال ویژگی‌های روستاهای ایران را می‌توان بصورت زیر

خلاصه کرد:

الف- ده يك مركز تجمع انسانی است كه در فلات ایران بلحاظ حالت متركزى كه دارد بخش مسكونى آن هسته زندگى يك جانشين و بعضاً توليدى و بخش غير مسكونى آن به امور توليدى اختصاص دارد بعبارت ديگر در روستاهاى كه منابع توليدى علاوه برزراعت شامل صنايع روستاى و يا فرآورده‌هاى دامى است در بخش مسكونى توليد هم صورت ميگيرد ولى جوامع كه معيشت ساكنان آن زراعت و باغداری است بخش غير مسكونى كارگاه توليد محسوب ميگردد.

ب- ده به دو صورت متركز و متفرق و گاه توأم يعنى هم متركز و هم متفرق از لحاظ بخش مسكونى خود پديدار شده است.

ج- معمولاً نوع معيشت خاص روستاها مبتنى برزراعت و باغداری و دامپرورى و صنايع روستاى بنحوى بوده كه پاسخگوى نياز يكساله مردم باشد.

د- ده نشان و عقدى از نوعى كولكتيويزم ابتدائى درخود داشتند و دارد كه نسق زراعى ياد هناد از جمله مشخصات آن بوده است.

ه- ده تا قبل از اجراى اصلاحات ارضى و مخصوصاً در نظام بزرگ مالكى غالباً به اعتبار و به حساب يك مالك عمده زندگى و كار كرده و در اين حالت مى توان گفت ده در قلمرو حقوق خصوصى قرار داشته است.

با اين خصوصيات مع هذا لازم است بادر نظر گرفتن شرايط گونه گون براساس ضوابطى كه ذاتاً زائده مقتضيات محيط جغرافى اند روستاها را گروه بندى كنيم:

این گروه بندی می تواند عبارت باشد از:

- گروه بندی روستاها به حسب عدد جمعیت و میزان تراکم انسانی آنها.
- گروه بندی روستاها به حسب منابع آبی (رودخانه، چشمه، قنات، چاه و مخلوط)
- گروه بندی روستاها به حسب موقع جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا.
- گروه بندی روستاها به حسب نوع مالکیت و روش بهره برداری قبل از اصلاحات ارضی.
- گروه بندی روستاها به حسب نوع کشت اصلی و یا بر حسب نوع معیشت.
- گروه بندی روستاها به حسب نوع استقرار مساکن (متمرکز- متفرق- توأم)

ولی در بسیاری از زمینه ها بررسی نتایج این گروه بندی ها امکان ندارد. زیرا اطلاعات اولیه و لازم برای اینکار در دست نیست مثلاً ارتفاع روستاها از سطح دریا ثبت نشده است. به همین لحاظ هیچیک از اطلاعات دیگر از قبیل عدد جمعیت و نوع مالکیت و منابع آبی و نوع کشت را نمی توان با موقع و ارتفاع و خلاصه وضع جغرافیایی منطقه دقیقاً در ارتباط قرار داده و آنها را روی نقشه ایران پیاده و استنتاج لازم را از آن کرد.

با توضیحات فوق اینک هریک از گروه های روستایی شرح داده می شوند:

جدول شماره ۱

طبقه‌بندی روستاهای به حسب عدد جمعیت

مأخذ: بخش تحقیقات روستایی دانشگاه تهران

درصد	تعداد ده	تعداد جمعیت	ردیف
۱۱/۱	۵۴۶۱	۱-۲۵	۱
۹/۶	۴۶۸۱	۲۶-۵۰	۲
۱۷/۱	۸۳۹۴	۵۱-۱۰۰	۳
۳۷/۸	۱۸۵۳۶	۱-۱۰۰	۴
۲۳/۶	۱۱۵۶۸	۱۰۱-۲۰۰	۵
۱۳/۵	۶۶۱۹	۲۰۱-۳۰۰	۶
۷/۵	۳۷۰۳	۳۰۱-۴۰۰	۷
۴/۹	۲۴۱۰	۴۰۱-۵۰۰	۸
۳/۱	۱۵۳۳	۵۰۱-۶۰۰	۹
۲/۱	۱۰۵۰	۶۰۱-۷۰۰	۱۰
۱/۶	۷۶۹	۷۰۱-۸۰۰	۱۱
۱/۱	۵۲۲	۸۰۱-۹۰۰	۱۲
۰/۸	۲۹۸	۹۰۱-۱۰۰۰	۱۳
۴/۰	۱۹۲۰	۱۰۰۰ بی‌الا	۱۴
۱۰۰	۶۷۴۶۴	جمع	

۱- گروه‌بندی روستاها بحسب عدد جمعیت:

سرشماری سال ۱۳۳۵ تعداد روستاهای ایران را ۴۹۰۲۸ روستا معین کرده است. با اینکه طبقه‌بندی جمعیتی این روستاها حوزه‌های سرشماری سال مزبور را با واحدهای جغرافیایی و طبیعی تا حدودی بهتر منطبق میکند، معیناً اشکال عمده در تفسیر اعداد حاصل از طبقه‌بندی دهات طبق نتایج حاصله از سرشماری ۳۵ آنستکه تقسیم‌بندیهای حوزه‌های سرشماری با تقسیم‌بندیهای واحدهای جغرافیایی مطابقت ندارد، بعنوان مثال در سال ۳۵ کاشان و دامغان حاشیه کویر همراه با آمل و بابل متأثر از دریای خزر و با شرایط طبیعی کاملاً متفاوت در یک واحد استانی قرار داشتند. نگاهی به جدول فوق معین می‌دارد که ده متوسط و جامع‌الشرایط که از لحاظ اکولوژی تمام شرایط میانگین جلب جمعیت و زاینده‌گی حیات را دربرداشته باشد، برای کل کشور می‌توان گفت که روستاهای بین ۱۰۱ الی ۳۰۰ نفری نماینده وضع میانگین‌اند با اینحال نواحی روستایی ایران در شرایط کنونی و در حالت کلی ظاهراً امکان جلب جماعتی در این حدود (۱۰۱ الی ۳۰۰) را دارند و جالب اینجاست که با وجود شرایط متفاوت طبیعی استانها معیناً در اکثر استانها همین وضع وجود دارد^۱ گویی طبیعت این سرزمین با تکنولوژی قبل از اصلاحات ارضی اساساً مراکز تجمعی بیش از این را به اشکال تحمل میکند. اما تعداد نقاطی که از این حد بالا می‌روند طبق بررسی‌های انجام شده سیر نزولی

۱- رجوع کنید به مقدمه بر روستا شناسی ایران (صفحات ۱۰۴ تا ۱۱۵)

دارد. نتیجه مقدماتی آنکه اگر مراکز تجمع انسانی کمتر از پنج هزار نفر را در ایران روستا بدانیم، در مجموع براساس طبقه‌بندی جدول یاد شده سه گروه عمده در آنها تمیز داده می‌شود.

الف- روستاهای کم جمعیت با قدرت جذب نفر کم که کمتر از یکصد نفر سکنه دارند و با حداکثر محدودیت آب و خاک در واحد جغرافیایی و بستر طبیعی که محصور در يك اقتصاد تقریباً خود مصرفی است.

ب- روستاهایی با قدرت جذب جمعیت بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر سکنه که همراه با يك اقتصاد متوسط و بینابینی و رها از خود مصرفی یا بدایره اضافه تولید نهاده‌اند.

ج- روستاهای پر جمعیت ۱۰۰۰ نفر بی‌الا با قدرت جذب زیاد و استعداد گسترش تا سرحد يك روستا شهر همراه با يك اقتصاد تجاری رو توسعه.

در سرشماری ۱۳۴۵ تعداد روستاهای کمتر از ۵ هزار نفر که در (سال ۳۵) ۴۹۰۲۸ روستا بوده، ۶۶۴۳۸ روستا اعلام شده (افزایش- ۱۷۴۱۰ روستا) و در کل جمعیت نیز قریب ۲/۵ میلیون نفر بر تعداد ساکنان مناطق روستایی اضافه شده است.

طبقه‌بندی جدول شماره ۲ نمایشگر تحولات موسمی و ضمناً قدرت جذب مناطق روستایی از لحاظ جمعیت است و نشان می‌دهد که تراکم روستاها در گروه ۱۰۱ تا ۲۵۰ نفر جمعیت است.

جدول شماره ۲
طبقه بندی روستاهای ایران بر حسب عدد جمعیت
مأخذ: مرکز آمار ایران

	سال ۴۵		سال ۳۵		تعداد جمعیت در نقاط کمتر از ۵ هزار نفر	ردیف
	تعداد جمعیت	تعداد روستا	تعداد جمعیت	تعداد روستا		
درصد			درصد			
۱۰۰	۱۵۳۱۳۷۳۸	۶۶۴۳۸	۱۰۰	۱۲۷۵۷۳۴۲	۴۹۰۵۴	۱
۶/۷	۱۰۲۴۸۵۵	۳۰۸	۶/۸	۸۶۸۷۳۹	۲۵۶	۲
۱۹/۷	۳۰۱۱۲۸	۲۰۸۷	۱۸/۹	۲۴۱۲۵۱۶	۱۶۸۲	۳
۲۳/۷	۳۶۳۵۵۹۳	۵۳۱۴	۲۳	۲۹۳۷۳۶۶	۴۳۱۴	۴
۲۳/۹	۳۶۵۹۵۸۱	۱۰۴۱۵	۲۴/۵	۳۱۲۴۱۳۵	۸۹۳۱	۵
۱۸/۱	۲۷۸۱۴۴۹	۱۶۹۳۶	۲۰	۲۵۴۹۵۱۹	۱۵۴۹۶	۶
۵/۰	۷۶۶۲۶۶	۱۰۵۲۸	۴/۹	۶۲۲۵۱۱	۸۲۲۰	۷
۱/۹	۲۸۶۰۵۱	۷۸۸۴	۱/۴	۱۷۳۸۰۱	۴۶۸۸	۸
۱/۰	۱۴۸۷۳۵	۱۲۹۶۶	۰/۵	۶۶۷۵۷	۵۲۶۷	۹
					جمع نقاط	
					۴۹۹۹-۲۵۰۰ نفر	
					۲۳۹۹-۱۰۰۰ »	
					۹۹۹-۵۰۰ »	
					۴۹۹-۲۵۰ »	
					۲۴۹-۱۰۰ »	
					۹۹-۵۰ »	
					۴۹-۲۵ »	
					کمتر از ۲۵ نفر	

۲- گروه‌بندی روستاهای ایران به‌حسب منابع آبی.

منابع روستاها به‌حسب منطقه طبیعی و اقلیمی که تحت تأثیر آن قرار دارند متفاوت است.

بطور کلی روستاهای واقع در جبهه مرطوب ایران در غرب و شمال خاصه در استان‌های ساحل دریای مازندران و روستاهای حواشی انهار بزرگ جلگه خوزستان بیشتر از آب رودخانه مشروب می‌شوند و روستاهایی که در ایران مرکزی و شرقی قرار دارند از قنات و چاه و یا مخلوطی از این دو منبع استفاده می‌کند که به‌رحال مقدار آب روستا معمولاً در گسترش و توسعه آن مؤثر است.

در بعضی نواحی کوهستانی روستاها بر کنار رودخانه‌های بزرگ مستقر هستند و با وجود داشتن آب بسیار زمین کم دارند زیرا شیب تند دامنه‌ها و وجود فرسایش شدید آبی مانع ایجاد يك طبقه خاك قابل کشت بوده و وسعت زمین‌های هموار کم است و در اینصورت جمعیت ده نمی‌تواند بطور طبیعی افزایش یابد مگر آنکه تحولی در تکنیک‌های تولید پدید آید.

در نواحی جلگه‌ای بعکس فزونی زمین‌های قابل کشت که بعضاً دارای آب کافی بوده و یا اغلب مواجه با کمبود آب هستند مشاهده می‌شود.

همچنین در برخی نواحی میانکوهی یا در جلگه‌های کوهستانی تعادل قابل ملاحظه‌ای از بابت آب و خاك زراعتی به‌ششم می‌خورد.

به‌رحال عاملی که در اکثر نقاط این تعادل را بهم می‌زند تعداد جمعیت است زیرا در آغاز چنین بوده که آب و خاك موجود را خانوارهای

ساکن ده به تناسب میان خود تقسیم کرده و نظم و نسقی ایجاد کرده‌اند اما به مرور ایام چنانکه اتفاق افتاده است در میزان آب تفاوت قابل ملاحظه‌ای پدید نیامده و در نتیجه مقدار زمین زیر کشت هم توسعه نیافته در حالیکه عامل جمعیت تغییر کرده است.

از آنجا که در غالب موارد این جمعیت یعنی خانوارها افزون شده است ده با روشهای زراعی و درجه‌فنی که خود قادر به تأمین غذای این جمعیت بیشتر نشده در نتیجه سکنه ده گاه مجبور شده‌اند در تقسیم آب و خاک تجدید نظر کنند و نسق تازه‌ای بوجود آورند و گاه نیز مهاجر فرستی تعادلی در تعداد جمعیت روستا به وجود آورده است.

در اینجا اهمیت نقش و اثر آب در توسعه و ایجاد انواع دهات آشکار می‌شود یعنی وقتی يك روستا استعداد بزرگ شدن داشت و تنها مانع آن کمی آب بوده بدون شك مردم آن در صدد استفاده از منبع تازه‌ای از آب بر می‌آیند به این ترتیب است که می‌بینیم دهات مختلف از منابع مختلف آبی مشروب می‌شوند.

در جدول شماره ۳ منابع آبی روستاهای ایران بر طبق تقسیمات کشوری سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ به هفت قسمت کلی (شامل انواع مالکیت قبل از اصلاحات ارضی) تقسیم و در پنج نوع از منابع آبی (رودخانه - چاه و قنات - چاه - مخلوط - دیم یا بارانی) توزیع شده‌اند.

با اینکه جدول مورد بحث از لحاظ توزیع انواع مالکیت قبل از سرشماری ۱۳۳۵ نیز مأخذ بالنسبه معتبری برای آن زمان محسوب می‌شود مع هذا چون این مبحث به توزیع روستاها از لحاظ انواع منابع

جدول شماره ۴
توزیع روستاهای ایران بر حسب منابع آبی

ردیف	استان	روستاه	چاه و قنات	چاه	مطلوب	درم	نامشخص	جمع
۱	استان تهران	۷۳۹	۱۷۹۸	۵۹۹	۱۸۱۶	—	۵۶	۵۰۰۸
۲	مناطق مرکزی	۳۹۵	۸۸۰	۶۲۴	۷۲۹	۴۶	۴۵۶	۳۱۵۰
۳	استان ۱ گیلان	۱۲۳۳	۵	۷۱	۴۷	۱۰	۱۱۶	۱۲۸۲
۴	استان ۲ مازندران	۱۰۹۲	۲۲۷	۳۲۲	۳۱۳	۱۰	۲	۱۹۶۶
۵	استان ۳ آذربایجان شرقی	۳۷۴	۲۹۳	۳۵۷	۲۷۷۹	۵۶۱	۵۹	۴۴۲۳
۶	استان ۴ د غربی	۷۷۸	۱۹	۲۸۲	۶۶۲	۴۸۰	۳۹	۲۲۶۰
۷	استان ۵ کردستان	۳۸۷	۲۷	۶۲۳	۶۸۷	۱	—	۱۷۲۵
۸	کرمانشاهان	۶۷۴	۲۷۱	۶۴۰	۵۳۳	—	۸۰	۲۱۹۸
۹	استان ۶ خوزستان	۷۲۴	۶۴	۱۳۱	۱۸۹	۹۳۳	۱۹	۲۰۶۰
۱۰	استان ۷ فارس	۴۱۴	۱۰۵۱	۲۲۳	۶۱۶	—	۱۸۸	۲۴۹۲
۱۱	استان ۸ کرمان	۳۰۰	۱۶۴۸	۳۵۲	۴۱۴	۱۱	—	۲۷۲۵
۱۲	استان ۹ خراسان	۲۷۲	۳۸۷۰	۱۴۰	۲۴۳	۲۲۰	—	۴۷۴۵
۱۳	استان ۱۰ اصفهان	۳۳۴	۱۹۵۷	۳۵۰	۱۰۱۰	۴۰۹	—	۳۹۶۰
۱۴	بلوچستان	۹۴۰	۴۴۰	۱۱۵	۱۰۷	—	۴	۱۶۰۶
	جمع	۸۶۵۶	۱۳۵۵۰	۴۸۲۹	۱۰۱۶۵	۲۵۸۱	۱۰۱۹	۳۹۸۰۰
	درصد	۲۱/۷	۳۱/۵	۱۲/۲	۲۵/۵	۶/۵	۲/۶	۱۰۰

[illegible]

۱- جدول فوق براساس مطالعات وزارت کشاورزی وپیشو موسسات دانشگاهی در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ تنظیم شده و با اینکه احوال تعداد و وسایط بازرشاری عمومی سال۱۳۴۰ را دارد و اطلاعات آن بنیاداً رد وسایط و سرشاری (۱۳۴۰) کافی است همچنین براساس آنی چاهی اثرزوده شده و عاملینش تغییر کرده است معلوم می شود چون افراد و اقلام میروند.

آبی مربوط می‌شود با استفاده از ارقام همین جدول، جدول دیگری به شماره ۴ تنظیم یافته است که در این مبحث نمودار گویاتری برای تحلیل و تحلیل مسائل روستایی قبل از انقلاب ایران و لزوم ادخال تکنولوژی در بخش کشاورزی محسوب می‌گردد.

در بررسی جدول فوق که مبتنی بر طبقه‌بندی روستاهای ایران به حسب منابع آبی است، ارقام بعضی ستونهای آن ظاهراً نارساییهایی را به ذهن متبادر میکند که بعنوان مثال در استان کردستان و کرمانشاهان روستاهایی که منحصرأ دیمی باشد به چشم نمی‌خورند و حال آنکه شرایط اقلیمی و موقع جغرافیایی مناطق مذکور بگونه‌ای است که بیشترین نزولات جوی وارد از غرب ایران را (بعد از سواحل دریای خزر) بخود جذب میکنند با اینحال اولاً فزونی نسبی تعداد روستاهای مخلوط (رودخانه و چاه و قنات و دیسم) در هر دو استان نامبرده مشکل تفکیک قطعی روستاهای این دو استان را برای مأموران آماری آنزمان می‌رساند که می‌تواند تا حدی قابل قبول هم باشد.

ثانیاً در صداهای ذیل جدول مذکور بار دیگر استنتاجات صفحات قبل را مدلل می‌دارد که مبتنی بر خصوصیات اقلیمی و شرایط طبیعت خشک و خشن فلات ایران است و مبارزه و ابداعات ساکنان ایران را برای سازگاری با این وضع میرساند بدین معنی که تورم نسبی روستاهایی که از چاه و قنات و یا منحصرأ از چاه استفاده میکند (حدود ۴۴ درصد روستاها) مبین این نکته است که در کشوری چون ایران که بخش اعظم و عمده آن تحت تأثیر اقلیمی نیمه خشک است نباید انتظار داشت که شبکه آبهای جاری آن بتواند سهم مهمی در شرب اراضی روستاها

داشته باشد. ثالثاً باید توجه داشت که حدود ۲۲ درصد روستاها که از آب رودخانه استفاده میکنند نیز مواجه بانوسان رزیم آب و تغییرات شدید فصلی آب رودها می باشند که نمی توانند منبع معتبر و مطمئنی از لحاظ سرمایه گذاری در بخش کشاورزی آب محسوب شوند بنابراین استفاده از منابع تحت الارضی با حفر چاههای عمیق و مهار آب رودخانه ها بوسیله سدّ که در سنوات اخیر انجام گرفته ضرورت توسعه و اجرای چنین برنامه هایی را بازمی به مقیاس بیشتر مدلل میدارد و بسخن دیگر جهت مرحله تکاملی انقلاب ایران خدواه و نساخواه می بایستی متوجه انقلاب کشاورزی و همراه با آن تغییر سیستم آبیاری برای تأمین غذای جمعیت روزافزون کشور باشد.

۳- گروه بندی روستاهای ایران به حسب موقع و عامل ارتفاع.

در طبقه بندی روستاهای ایران عامل ارتفاع می تواند معرف دیگری از لحاظ خصایص مؤثر در تفاوت زیربنای اینگونه جوامع و مآلاتمايز و گونه گونی آداب و رسوم و سنتها و شکل سکونت و دیگر تجلیات روبنایی روستاها گردد.

ولی همانطور که قبلاً گذشت ما دقیقاً موقع و بخصوص میزان ارتفاع دهات را از سطح دریا ثبت نکرده ایم. فرهنگهای جغرافیایی و نشریات آماری ما نیز در این زمینه هنوز اقدامی نکرده اند و جز بر سبیل تصادف عددی از ارتفاع روستاها در آنها ذکر نشده است مع هذا بادر نظر گرفتن مناظر و چهره های جغرافیایی ایران در مجموع همانطور که گفته شد چهار دسته روستا از لحاظ عامل ارتفاع و موقع

جغرافیایی بحسب اینکه در دشت باشند یا در کوه استقرار یافته و یا در کوهپایه‌ها و سرانجام در دره‌های میانکوهی واقع شده باشند تمیز می‌دهیم.

بدیهی است عامل ارتفاع از گذشته دور تاریخی تا عصر حاضر تأثیر قطعی در تعدیل آب و هوای مراکز تجمع انسانی اعم از شهر و روستا داشته است و بخصوص در شرایط ناامنی و هرج و مرجی که اغلب در گذشته پیش می‌آمده است مناطق کوهستانی با داشتن خصیصه پناهگاهی از لحاظ امنیت بهتر می‌توانسته‌اند موجبات استقرار مساکن انسانهای ساکن فلات را در برگیرند اما بطور معمول در مناطقی که ارتفاع دو هزار متر و بالاتر از سطح دریا دارند با وجود اعتدال هوای تابستانی خشونت هوای زمستان و تنزل شدید درجه حرارت توأم با نزول ریزش‌های جوی بصورت برف، کمتر موجب استقرار جوامع روستایی شده‌اند. معیناً مراکز تجمع بصورت روستا و یا روستا شهرها در این میزان ارتفاع داریم که منابع معیشتی ساکنان برخی از اینگونه مراکز در ربع قرن اخیر تحولات سریعی صورت گرفته و این تغییرات با تسهیلات ارتباطی جدید سریع‌تر هم خواهد شد با اینکه در شرایط کنونی با از میان رفتن عمل ناامنی دیگر ضرورت تمرکز جمعیت در مناطق مرتفع نمی‌تواند به زوال گذشته مطرح باشد معیناً، در حال حاضر که اقتصاد بسته روستاهای کوهستانی تبدیل به اقتصاد مبادله‌ای و بالنسبه فعال شده و این از یکسو بلحاظ تسهیلات ارتباطی برای حمل فرآورده‌های تولیدی به بازارهای فروش شهرهاست و از طرف دیگر مایل ترقی سطح زندگی مردم شهر نشین است که هجوم یسابقه آنان را اولاً به تبعیت از شرایط اقلیمی

یعنی فرار از گرما و ثانیاً بر اثر ادخال تکنولوژی که هوای آلوده شهرها را ایجاد کرده بطرف روستاهای کوهستانی سبب شده است. و همین عامل به نوبه خود موجب جهت مبانی تأمین معیشت گروهی از روستاییان و افزایش درآمد آن عده از روستاییان گردیده که در خدمت تأمین خوراک و مسکن شهریان در مناطق ییلاقی برآمده‌اند.

در ایران مرکزی کوهپایه‌هائیز که از ارتفاع نسبی برخوردارند بیشتر از مناطق دیگر داخل فلات جذب جمعیت کرده‌اند و این بلحاظ سهولت دسترسی به آبهای جاری از ارتفاعات و همچنین امکان بهره‌برداری از سفره آبهای تحت‌الارضی است که معمولاً در طبقات زیرین مخروطهای افکنه جای دارند و اسرار انجام شرایط مساعد جلگه‌های آبرفتی پایکوه است که بستر آرام رودها پس از خروج از کوهستان موجد آنها بوده و بهترین اراضی مناسب برای کشاورزی و فعال‌ترین مراکز تولیدی در ایران به شمار می‌روند نمونه‌های آنرا در شرق و غرب تهران به ترتیب در روستاهای ورامین و کرج و شهریار مشاهده می‌کنیم.

۴- گروه‌بندی روستاها به حسب وضع مالکیت در گذشته:

با اینکه اجرای اصلاحات ارضی مخصوصاً اتمام مرحله نخست آن و اجرای مراحل بعدی ضرورت مبحثی را تحت عنوان فوق به میان نمی‌آورد معیناً برای تعلیل وضع حال روستائینی در ایران توجه به اوضاع گذشته می‌تواند استنتاجات حاصل را از ابهام احتمالی خارج سازد بررسی‌های انجام شده وجود پنج صورت اصلی مالکیت رادر

گذشته مسلم میدارد.

الف- بزرگ مالکان یا مالکان عمده که چندین ده را بتملك داشتند.

ب- خرده مالکان که میزان ملك آنها بهر حال کمتر از يك ده شش دانگ بوده است.

ج- مالکیت دولتی یا خالصه

د- مالکیت وقفی

ه- مالکیت سلطنتی

در این نوع حدود ۴۱ درصد روستاها (۱۶۲۲۴ ده) از کل روستاها خرده مالك و بقیه از انواع دیگر که مذکور افتاده بوده اند و تعداد آنها در جدول شماره ۳ (مربوط به قبل از اصلاحات ارضی) مشخص شده و قبلاً از آن سخن رفت.

بهر حال تشکیل هر يك از این نوع مالکیت ها معلول شرایط و اوضاع تاریخی و با النسبه پیچیده و بفرنجی است که در گذشته رخ داده و موجب برقراری صور مختلف مالکیت گردیده است. در زیر به پاره از این عوامل و ویژگیها اشاره می شود:

الف- بزرگ زمین داری- مالکیت شش دانگ و دانگی

این گروه در میان گروه های دیگر چون منشأ و مبنای فتوایسم ایران را تشکیل میداده اند از لحاظ تعداد در مرحله دوم بعد از خرده مالك قرار داشته است (۹۳۲۰ ده یعنی بیش از ۲۳ درصد).

باید گفت که در دوره بزرگ زمین داری خرده مالکین تاحدودی

اقرار مالکان عمده بوده‌اند بویژه خرده مالکی که سهم او در يك ده از يك دانگ کمتر نباشد. این نوع مالکین خود نوعی مالك عمده در داخل يك ده محسوب می‌شده و اغلب به مرور زمان دو سه و تا شش دانگ ده را به مالکیت خود در آورده و بعد از برقراری تسلط خود بر تمام ده گاهی اقدام به خرید يك یا چند دانگ از ده مجاور می‌کرده‌اند که به این ترتیب قدرت و نفوذ خود را توسعه می‌داده‌اند. بدیهی است شیوه‌ای که از آن یاد شد توزیع آن در تمام مناطق ایران یکسان نبوده و بر حسب شرایط و اوضاع و احوال منطقه تفاوت می‌کرده است.

ب- روستاهای خالصه:

از لحاظ تعداد و در صد نسبت به کل روستاها قابل ملاحظه نیستند (۱۴۶۴ یا ۳/۷ درصد) ولی در توزیع املاک عمده‌الیه به جز عوامل جغرافیایی عوامل دیگری در مناطق مختلف کشور مؤثر بوده است که از آن جمله حوادث تاریخی و سیاسی و موقع و محل پایتخت‌ها را در ادوار مختلف تاریخ ایران باید ذکر کرد.

غیر از عوامل مساعد جغرافیایی که نخستین سبب بوده و در تملك روستاها موجب می‌شدند دو عامل قدرت مطلق و سیاست حکومت مرکزی در خالصه شدن روستاها مؤثر بوده است.

ج- روستاهای وقفی:

تعداد این روستاها کلاً ۶۵۴ ده که بیش از یک پنجم آن در استان خراسان و ۱۱۵ روستای آن در استان مرکز قرار داشته‌اند که کثرت نسبی اولین باشهر مشهد و درمی باشهر قم که هر دو زیارتگاه هستند از آنجا دارد ولی در گیلان و بلوچستان حتی یک ده منو قوفه وجود

ندارد.

بنظر میرسد در گیلان معلول وجود روستاهای خرده مالکی و در بلوچستان ناشی از ضعف طبیعی استعداد منطقه برای کشاورزی باشد.

با اینکه مازندران بعد از حمله اعراب مدتها مرکز مقاومت ایرانیان بود و بعد از تشکیل حکومت مسلمان در آن سامان موقوفات متعددی برای رونق امور دینی معین گردید معهذا تعداد کم دهات موقوفه در استان مذکور در مقایسه با انواع دیگر مالکیت قابل مقایسه نیست و علل آن به بررسی تاریخی و جغرافیایی عمیق تری نیاز دارد.

باید توجه داشت که مالکیت بهر صورت و شکلی که بوده بهر حال عوارضی اجتماعی داشته است. که اهم آن بعنوان مثال دخالت نماینده دولت در املاك خالصه و نماینده اوقاف در املاك وقفی و حتی مستأجران این دو نوع تملك که روشهایی مشابه مباحث و مالک را داشته اند این عوارض را تشدید میکرده است. در میان انواع مالکیت در روستاهای ایران دو نوع عمده مالک و خرده مالک از لحاظ تأثیری که بر نظام اجتماعی روستاها داشته اند بیشتر قابل ملاحظه و مطالعه اند.

اثر عمده مالک بقدر کافی روشن است زیرا عمده مالک عملاً قادر مطلق بوده و هیچ نوع قدرتی را در محدوده ملك خود تحمل نمیکرده است. یعنی روستا یاده در نظر وی يك قلمرو حقوق خصوصی بوده و نه يك مرکز تجمع انسانی یا يك واحد جغرافیایی.

همچنین به اقتضای نیروی ذاتی و طبیعت فتودالیزم، عمده مالک در امور داخلی روستا قاهر و جابر و در خارج از آن بطور مشروط در اختیار حکومت مرکزی بوده است.

در يك چنین نظام اجتماعی مأمور دولت وملا ومعلم بهیچ روی در ساخت ده قدرتی نداشته وتنها تضاد اجتماعی واقتصادی وفشار طبقاتی گاهی مالک را به دادن امتیازاتی چند به توده روستاییان وادار میکرده است.

طول مدت تسلط بزرگ ملک داری در ایران وجهان که بیشتر معلول ثبات وضع تکنیک بود موجب شد که مالکان نوعی ضرورت وجودی در جوامع روستایی بیابند. بعبارت دیگر بر اثر استثمار شدید وطولانی روستاییان در طی قرون کار به آنجا رسید که جامعه روستایی دچار چنان ضعف وانحطاطی شد که تقریباً خود را در ارکان اقتصادی خود مؤثر نمی دید و این تصور به وجود آمده بود که ده بسی مالک تن بی سراسر از وجود این روحیه القایی بهنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی له و علیه قانون مذکور استفاده شد. لسه قانون از این نقطه نظر که عوامل اجرایی قانون اصلاحات ارضی با اعتقاد به ایجاد جانشین برای مالک بمنظور پر کردن خلا موی که به احتمال زیاد تحقق اصلاحات ارضی در اغلب مراکز روستایی خواه و ناخواه عوارضی پدید می آورد، تأسیس شرکت های تعاونی روستایی را پیش بینی کردند که توانست تا حدود قابل ملاحظه ای در اکثر مناطق روستایی کشور مؤثر افتد. علیه قانون، مالکان از این روحیه استفاده تبلیغاتی برای حفظ منافع خود کردند که قدرت حکومت مرکزی توأم با ثبات سیاسی کشور و پشتیبانی اکثریت

قریب به اتفاق جامعه ایران بهر حال می توانست آثار این نوع شانتاژها را خنثی کند زیرا اقدامات کوتاه مدت مالکانی که در همان نقطه سرکوب شد در واقع يك نوع حرکت مذبوحانه و زودگذر بود که شکست آن را جبر زمان پیش بینی میکرد.

بخش هشتم

مبانی جغرافیایی و ضرورت‌های اجتماعی اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی معمولاً تقسیم مجدد زمین را بین روستاییان از یکسو و از طرف دیگر اصلاح شیوه‌های کشت و کار را در برمیگیرد. اما پیش از اینکه يك موضوع حقوقی و اجتماعی و حتی اقتصادی باشد يك ضرورت جغرافیایی و جبری به تبعیت از میزان آب و خاک و مرتبط با تعداد انسانهایی است که بر سطح يك منطقه یا کشور بکار کشاورزی می‌پردازند. سابقه امر نشان داده است که معمولاً اصلاحات ارضی در شرایطی صورت می‌گیرد که کمبود خاک و آب به نسبت جمعیت در يك کشور محسوس افتد و بهر حال زمینه‌های اقدام به اصلاحات ارضی در کشورهای مختلف و از جمله ایران متعدد است که در زیراهم زمینه - های موجود اصلاحات ارضی در ایران به اجمال شرح داده می‌شوند.

- زمینه‌های جغرافیایی محدودیت آب و خاک.

تحلیل اقتصاد روستایی ایران از آغاز تا قبل از اصلاحات ارضی و بررسی مفهوم نسق و دریافت علل واقعی ظهور آن و دلایل ظهور زندگی پراز اشتراك مساعی و همیاری سنتی ده و مخصوصاً حالت مشاع بودن بسیاری از اراضی روستایی که قبلاً از آن سخن رفت روشنگر- محدودیت آب و لزوم برقراری عدالت اجتماعی بوده که به اصلاحات ارضی و ملی شدن بعضی پدیددها منجر شده است. چنانکه ارزش اقتصادی نگهداری جنگل‌ها در سطح مملکتی منتهی به ملی کردن و احیاء آنها شد و یا کمبود منابع آبی ملی کردن آنرا سبب گردید. حال آنکه مسئله ملی شدن جنگل‌ها در بسیاری از کشورهای اروپای غربی بسبب وفور جنگل و عوامل دیگر هنوز مطرح نشده است و چه بسیار کشورها که در آنها اصلاحات ارضی تاکنون ضرورت پیدا نکرده و دلیل آنهم وفور خاک و آب به نسبت تعداد جمعیت است، بعنوان مثال بعضی از کشورهای افریقای میانه چنین وضعی دارند.

با این نگاه جغرافیایی است که پدیدده اصلاحات ارضی تعلیل می‌شود.

در اینجا مقصود بیان علل تاریخی و بررسی جنبه حقوقی و سیاسی اصلاحات ارضی نیست بلکه به تبعیت از یکی از اصول عمده جغرافیای انسانی و ضمن آن در بررسی مسائل برای بهتر توجیه کردن موضوع نظری به گذشته و سابقه آن می‌شود. طبیعی است در این بررسی جز عوامل و مبانی جغرافیایی سیر تاریخ تحولات اقتصاد روستایی ایران به اجمال باید مورد ملاحظه قرار گیرد زیرا اگر تقسیم زمین و

کمبود و یا بیش بود آن با جغرافیا مربوط می‌شود و ضرورت‌های اجتماعی ناشی از وضع مالکیت و شیوه زمین داری نظام بهره‌کشی‌های غیر انسانی در اقتصاد جاری به زمانهای تاریخی مربوط میگردد. بنابراین زمینه‌های مؤثر در تحقق اصلاحات ارضی به اجمال از این قرارند.

۱- زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی.

روستای پراکنده و دور از هم و اغلب کم وسعت ایران با فقر منابع آبی داخله فلات و وسائل ارتباطی بسیار ابتدائی با اقتصاد بسته آن عهد سازگار بود و یا در هر حال انسانهای ساکن اینگونه اجتماعات خود را با شرایط موجود سازگار میکرده‌اند. اما وقتی ابزار کار و وسایل نقلیه متحول گردید و تقسیم کار تا حدودی بوجود آمد اقتصاد بسته و نیم بسته هم تبدیل به اقتصاد روستایی بعداً اقتصاد منطقه‌ای شد و منابع معیشت هم بدنبال آن متعدد و متنوع گردید و نوع معیشت از حالت ساده بحالت مرکب تغییر پیدا کرد.

با این تکامل و این تغییرات بود که نوع مالکیت غالب بصورت عمده مالکی یا بزرگ زمین‌داری توسعه یافت. به این ترتیب گروه روستاهایی چند در واحد بزرگ جغرافیایی خود يك اقتصاد مشخص و نسبتاً هماهنگ را بوجود آورد بنابراین اداره املاك متعدد و دهات پراکنده در يك منطقه وسیع نیاز بیک نیروی آماده و مدافع داشت و می‌توان گفت نوع مالکیت در هر منطقه اولاً با محیط طبیعی آن منطقه و ثانیاً با ابراز تولید متناسب بوده و هست. اما نیروی آماده را مالکان از میان ایلات موجود که مسلح و آماده به رزم بوده‌اند انتخاب

میکردند تا مدیریت و حکومت اقتصادی و سیاسی خود را پایدار نگهدارند.

این پدیده را اگر در رابطه با محیط جغرافیایی و بویژه وضع طبیعی واحدهای بزرگ جغرافیایی ایران در نظر بگیریم فهم علل وجودی و سیر تکاملی آن آسان خواهد بود.

می توان مطلب را به اینصورت توجیه کرد که نیروی اقتصادی و توان تولیدی و نظامی مردم یکجانشین و نیروی اقتصادی و نظامی مردم کوچ نشین در ایران هر یک به تنهایی کفایت حکومت و اداره مملکت را نمی کرده بهمین دلیل هم در گذشته هرگز تشکیل حکومت صرفاً مبتنی بر مردم کوچ نشین و یا صرفاً مبتنی بر مردم یکجانشین را در تاریخ ایران نمی بینیم.

باید پذیرفت که اقتصاد دامپروری کوچ نشینان و نیروی رزم آور ایلات مکمل اقتصاد روستایی یکجانشینان بوده از این رو قدرت مملکت داری جز در سایه ائتلاف این دو میسر نبوده است و ائتلاف دو رمدت و پایدار این دو نیرو به بهره کشی هر چه بیشتر مردم روستا نشین و توده کوچ نشین منتهی شد. حکومت مرکزی نیز که خود زائیده این دو نیرو بود در حقیقت نمی توانست تا همین چندی قبل علیه منافع آنها گام بردارد.

فرستی تاریخی و خاص از لحاظ اقتصادی و مالی و سیاسی لازم بود تا حکومت مرکزی بفکر دفع ستمها افتد و از آنجا که بنای حکومت مبتنی بر دور کن اقتصاد دامپرور ایلاتی و روستایی بود. این مسئله تا یافتن درآمد مالی دیگر خود بخود لاینحل بماند

تا آن زمان که حکومت ایران بمدد رکن تازه بنیان اقتصاد صنعتی و استخراجی خود توانست جبران زیان احتمالی و موقت امر اصلاحات ارضی را بنفع تسوده روستاییان بنماید. زیرا که این واقعه هرگز نمی توانست بعهده‌ی که خزانه مملکت تماماً متکی بعوداید حاصل از روستاها و اقتصاد شبانی بود و با حکومت برای تأمین امنیت به نیروی ایلات نیاز داشت روی دهد. وجود ارتش شاهنشاهی واهی و تأمین ازدیاد در آمد از نفت و قرار دادن کارخانه‌های دولتی بعنوان پشتوانه تحقق امر اصلاحات ارضی که آرزائی ملی هم بود به اجرای برنامه مذکور کمک اساسی کرد.

۳- زمینه‌هایی در تاریخ اقتصادی

با تکامل وسایل ارتباطی و تولید که سبب اضافه تولید در اقتصاد روستایی گردید و این خود رونق اقتصاد تجاری شهری را موجب شد مراکز بزرگ شهری اقتصاد مناطق دور از هم و واحد های بزرگتر جغرافیایی را بهم مرتبط ساختند.

بعداً زندگی صنعتی در درون شهرها پا گرفت و اقتصاد تجاری و صنعتی متفقاً زمینه تازه‌ای برای تجدید نظر در سبانی مالکیت فراهم ساخت، و چنانچه نخواسته باشیم این سیر تحولی را از گذشته دور (قبل از اسلام) بررسی کنیم و به دوره بعد از اسلام و بویژه بعد از احیای مجدد حکومت‌های محلی واهی مستقل اکتفا نمائیم، از اطلاعات جغرافیایون قرن دهم میلادی بویژه استخری و مسعودی و ابن حوقل و مقدسی چنین بر می آید که در ایران آن دوران نیروهای تولیدی کشور چنان ترقی و پیشرفت

کرده بودند که ایران پیش از آن دوران و بعد از آن زمان و حتی تا اوایل قرن بیستم هم بچنان درجه‌ای از پیشرفت نائل نشده بود.^۱ بدیهی است دوره‌های این چنین همیشه مصادف با توقف هجوم و تاخت و تاز بیگانگان بوده است که البته ثبات و امنیت داخلی هم به نوبه خود موجب رونق دادوستد و مبادله در داخل و حتی خارج کشور نیز میشده است.

در دوران یاد شده دو تمام نقاط ایران اقدامات متعددی در زمینه آبیاری انجام میگرفت و در نتیجه مساحت اراضی مزروعی افزایش می‌یافت. در احداث قنات چنان پیشرفت و ترقی حاصل شده بود که مثلاً در کرمان آب را بوسیله قنات و با طولی بیش از ۱۲۰ کیلو متر انتقال می‌دادند، کانال‌های متعددی از جریان‌های رودخانه‌ای بزرگ مثل کارون و هیرمند و زاینده رود و غیره منشعب گردید، سدها و بند‌های متحرک (اکلوز) و مجاری مخصوص برای مهار آب در موقع طغیان احداث گشت و مع هذا ائتلاف همان دونیر و که از آن یاد شد خواه و ناخواه موجب اختلاف طبقاتی بوده است و نه تنها به کاهش این فاصله کمک نمی‌کرده بلکه ثبات آنرا سبب می‌شده و حتی موجب افزایش فاصله طبقاتی میگردد است.

در این زمان که دوره رونق کسب و کار و بخصوص گندم و جو بوده و تا ارتفاع ۲۵۰۰ متر و حتی بالاتر هم کشت میشده اما بازده عمده آن نصیب بزرگ‌زمین‌داران ساکن ده و شهر بوده است این بموازات

۱- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم ترجمه کریم کشاورز- موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

توسعه کشت و کار صنایع دستی و بویژه تهیه انواع منسوجات برای صدور، رونق تجارت داخلی و خارجی و پیشه‌وری را موجب گردید و بعضی از شهرهای ایران از این لحاظ شهرت پیدا کردند فی‌المثل عدل-های پارچه‌کشان کازرون که دارای علامت این شهر بود در بسته در تمام بازارهای آسیای مقدم و میانه و افریقای شمالی خریداری می‌شد «بی آنک بگشادندی».

مصنوعات مسی و برنجی و نقره‌ای و طلائی و اسلحه در تمام شهرها ساخته می‌شد که بعضی از آنها معروف بود.

داستانی را که استخری درباره یکی از بازرگانان آن عهد و ثروت ۴ میلیون دیناری او (چهل میلیون درهم) نقل میکند خصائص ویژه بازرگانان قرن دهم را که به سفرهای خارجی و تجارت می‌پرداختند آشکار میکند که معرف جدیت و پشت کار و در مقابل خست و حرص در جمع‌آوری پول و خرج نکردن آن می‌باشد و ۴۰ میلیون درهم ثروت هنگفتی را تشکیل میداده که معادل مالیات یکسال و نیم ایالت فارسی در آن عهد بوده است که خود مبین تمرکز قسمتی از سرمایه در میان معدودی شهرنشینان آن عهد است.^(۱)

در میان امتعه‌ای که بوسیله تجارت خارجی در این عهد وارد و صادر می‌شده اشیاء تجملی هم ذکر شده است و دادوستد این کالاها که توسعه فراوان نداشت فقط برای مصرف بزرگ زمین‌داران و بازرگان بود. ولی برده‌فروشی رواج کامل داشته است و نظامی عروضی

۱- تاریخ ایران از عهد باستان تا سده هجدهم.

(قرن یازدهم میلادی) از محله برده فروشان بلخ یاد کرده است.
مطالب فوق فشرده واجمالی از شرایط اقتصادی يك دوره کوتاه
بود که از آن یاد شد. و این وضع با تفاوتی کم و بیش تا ابتدای قرن اخیر
ادامه داشته است.

بهر حال اداره املاك وسیع بصورت سابق با توجه به اصول
عدالت اجتماعی و رفاه مطلوب قرن اخیر دیگر عملی نبود علاوه بر آن
صنایع جدید احتیاج به مواد اولیه زراعی داشت. جمعیت رو با افزایش
گذارده بود و مصارف غذایی انسانها متعدد و متنوع تر از همیشه شد،
بنابراین وظائف تازه ای بردوش زراعت قرار میگرفت و لازم بود میزان
بازده در سطح بالا رود (کشت عمقی) و اینکار بدون توسل به سیستم
زراعی علمی، عملی نبود و وصول به آن نیاز به يك طبقه کشاورزی و
زارع آزاد و آگاه و آشنا به امور تولیدی به طریق جدید داشت علیهذا
موجبات اقتصادی از يك سو و ضرورت های اجتماعی و حتی سیاسی از
طرف دیگر مسئله اجرای اصلاحات ارضی را مطرح کرد.

۳- زمینه های اجرایی و سیاسی.

به این ترتیب ضرورتی اجتناب ناپذیر و موافق مقتضیات محیط
جغرافیایی و در جهت حل مسئله کمبود خاک مرغوب و آب قلیل و در
طریق حل مسائل بفرنج سیاسی و اجتماعی ناشی از ستم دیر پای
رژیم ارباب و رعیتی و قدرت های خانخانی منجر به تقسیم و اصلاحات
ارضی و منتهی به دگرگونی چهره مالکیت در مناطق روستایی ایران
گردید.

برای توجیه بهتر این ضرورت باید گفت که اصلاحات ارضی در ایران امری ناگهانی نبود و سوابق فکری آن به ابتدای عصر درخشان پهلوی و سابقه اجرایی آن به سی و چند سال قبل می‌رسد.^(۱)

معهداً تا سال ۱۳۲۹ به دلیل عدم توجه به نقش شرکتهای تعاونی و اساساً بی‌اختنائی به مسائل ناشی از تقسیمات ارضی به ویژه تعیین سازمانی که نقش‌های مالک را تعهد و اجرا کند و بدور از بهره‌کشی انسان از انسان باشد توفیقی در این راه بدست نیامد و اراضی تقسیم‌شده رفته رفته از طرف زارعین فقیر به رؤسای عشایر و ملاکین بزرگ و متوسط فروخته شد.

در سال ۱۳۲۹ با صدور فرمان همایونی و اجرای تقسیم املاک سلطنتی تصویر و مفهوم تازه‌ای از اصلاحات ارضی در اذهان پدید آمد و مخصوصاً مشکلات اجرایی آن (نقشه‌برداری - سهم‌بندی اداره زمین از طرف دهقانان تازه مالک شده) محسوس افتاد و در همین حال به منافع اقتصادی و اجتماعی آن خیلی بیش از پیش پی‌برده شد.

پنج سال بعد قانون تقسیم خالصجات و تجربیات ناشی از اجرای آن در زمینه تقسیم بر اصول نقشه‌برداری و تفکیک اراضی زارعین و تعیین حداکثر زمین در تقسیم خالصجات مؤثر افتاد. بموجب این قانون حداکثر زمینی که بهرزارع داده می‌شد ۱۰ هکتار آبی و ۱۵ هکتار دیم

۱- رجوع کنید به متن قانون تقسیم املاک خالصه لرستان - سیستان - دشت مغان مصوب مجلس شورای ملی در سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ و تصویب نامه هیأت دولت در سال ۱۳۱۶ در مورد تقسیم بخشی از اراضی سیستان.

بود. تا این مرحله از کار تقسیم ارضی دونکته مهم قابل توجه بود نخست آنکه کلیه تلاشهای مربوط منحصر و محدود به املاک سلطنتی و خالصه بوده است و هنوز صحبت از املاک بزرگ مالکین و در حقیقت از تعمیم امر اصلاحات ارضی در سراسر مناطق روستایی ایران در میان نبود دیگر آنکه به رابطه میان مقدار زمین سهم هر زارع وحد مطلوب زمینی که برای يك خانوار زارع لازم است توجهی نشده بود. مع هذا این اقدامات فایده بزرگی را در برداشت و آن اینکه زمینه اجتماعی و فکری کافی را برای تعمیم اصلاحات ارضی در سراسر ایران فراهم ساخت و این کار با تصویب قانون اصلاحات ارضی در خرداد ماه ۱۳۴۲ وارد مرحله تازه ای شد و در حقیقت در این تاریخ بود که مسئولان و مردم با مسائل مشکلات واقعی آن در موارد گوناگون روبرو شدند که اهم آن عبارت بود از:

- ملاک تقسیم زمین.
 - حدود مالکیت فردی.
 - طرز اجراء و مدت آن.
 - تشکیل تعاونیهای روستایی.
 - تأدیه بهای زمین دریافتی.
 - تأمین سرمایه های لازم برای توسعه و عمران.
- و بالاخره مسائل ناشی از قطعه قطعه شدن اراضی و راههای پیشگیری از فروش اراضی تقسیم شده.

قبل از آن قانون اصلاحات ارضی خرداد ۱۳۳۹ از لحاظ اجرایی بسیار ناقص بود و از بسیاری جهات اجحافی به زارعین و ارفاقی بزرگ

به مالکین تلقی میشد.

این نقص بیشتر از آن بابت بود که مالک با اندک فعالیت می توانست مالکیت خود را باز هم حفظ کند.

مجموعه این معایب منتهی به تصویب لایحه قانونی اصلاحات ارضی در دیماه ۴۰ و متمم آن در دیماه ۱۳۴۱ گردید که بر طبق آن در مرحله اول میزان مالکیت برای هر فرد يك ده شش دانگ بود که مازاد آن بدون انجام عملیات پرهزینه و فقط بر اساس نسق موجود هر ده بین زارعین آن تقسیم شد. این قانون بخودی خود شامل همه زارعین نمی شد از این رو برای تکمیل آن قانونی متمم که مواد الحاقی به قانون مذکور را در نظر گرفته بود بتصویب رسید که بموجب آن مالکین به سه طریق بازارعین توافق میکردند:

اول- اجاره نقدی به مدت سی سال و تجدید نظر در بهای اجاره در هر ۵ سال.

دوم- تقسیم زمین بین مالک و زارع بر اساس نسبت بهره مالکانه ای که قبلاً دریافت می شده است.

سوم- فروش اراضی حد نصاب مالک با تراضی زارعین.

در مورد املاک وقف عام نیز بموجب همین قانون الحاقی از طریق اجاره ۹۹ ساله به زارعین صاحب نسق اقدام گردید.

به جز حالات فوق زارعان و مالکان می توانند به شرط توافق بصورت واحد سهامی زراعی از ملک بهره برداری کنند و همچنین چنانچه زارع موافقت می کرد مالکان می توانستند بر اساس ضوابطی حق ریشه زارعان را خریداری کنند.

در مرحله سوم بمنظور آنکه هرزارع بتواند از مزایای حقوقی تملك استفاده کند کلیه مالکین که اراضی خود را سی ساله بهزارع اجاره داده بودند و نیز اراضی مورد اجاره موقوفات خاص و مالکینی که طبق توافق بازارعان بطریق واحد سهامی زراعی از ملك استفاده میکنند، موظف به فروش (بر مبنای بهره مالکانه) شدند. هر چند بعضی از صاحب نظران يك چنین وضعی را که تبعیت صرف از نسق زراعی و تقسیم زمین قبل از مساحی و تهیه نقشه بود، نقص فنی برای حل مسئله زمین می دانستند، ولی باید گفت در کار بزرگ اصلاحات ارضی دولت ناگزیر به تبعیت از مقتضیات و شرایط اقلیمی و سنن کشاورزی بوده و بدان نیز معترف بوده است، به ویژه آنکه تعیین حد مطلوب زمین جهت هر خانوار کاری مشکل است و نقشه برداری روستاها و اراضی بایر و دایر سالیان دراز وقت و نیرو و اعتبار می طلبید و سریع ترین طرز عمل همان بود که در حد شعار معروف زمین زراعی برای زارع بر اساس نسق که منشاء جغرافیایی و ضرورت و قبول عام بودنش در جامعه روستایی ایران مسلم بود.

تبعیت از نسق زراعی در امر تقسیم اراضی، زمین را به کشت کنندگان آن داد اما مسئله حد مطلوب زمین هر خانوار را موقوف ببعد از دخول تکنولوژی جدید در زراعت کرد. اما اگر تقسیم ارضی بهمة روستایان زمین نداد باید خاطر نشان کرد که پیش از آنهم هم روستایان معاش خود را از زمین تأمین نمی کردند و مبانى اقتصادى و معیشت روستایان تنها کشاورزی نبود بعلاوه خوش نشینی واقعیتی است که درباره آن قبلاً سخن گفته شد و در مورد راه حل آن بعداً روشهایی ارائه

می‌شود. باری باید پذیرفت که قوانین وضعی هرچه بیشتر از طبیعت الهام گرفته باشد هضم و اجرای‌شان آسانتر و اثرشان بیشتر است و در مسائل اقتصادی خاصه کشاورزی هرگز نباید از شناسایی محیط‌های جغرافیایی غافل ماند.

بخش هفتم

سیمای جدید مالکیت و زندگی روستایی

ملاحظات کلی :

اجرای قانون اصلاحات ارضی که پیشرفت‌های کمی آن در صفحات بعد تصویر شده است سیمای جدیدی به مالکیت ارضی در ایران داده است که بر اثر آن زندگی روستایی در ایران دگرگونیهای وسیعی را دریافت داشته و خواهد داشت .

صرف نظر از جنبه اجتماعی و سیاسی ناشی از مالکیت دهقانان و نتایج مفیدی که بر آن مترتب است جنبه اقتصادی مطلب حائز اهمیت بسیار می‌باشد و حصول توفیق در این زمینه مشکل و نیاز به زمان بیشتری دارد که باتوجه بهمه نکات زیر حل آنها میسر می‌شود :

اول - نقش شرکتهای تعاونی که جانشین پرامکان‌تر مالکین سابق ما بوده و پشتیبان مالی و فکری زارعان آزاد شده‌اند.

دوم - تأمین اعتبارات مالی برای سرمایه گذاری‌های جدید از سوی سازمانهای مالی دولتی .

سوم - ترویج روشهای تازه عملی و توسل به فنون و وسایل جدید و دگرگونی یا انقلاب در ابزار تولید و خلاصه مکانیزاسیون کشاورزی .

چهارم - بالا بردن سطح فرهنگ عمومی که منتهی به باسواد شدن روستاییان و برخورداری از بهداشت بیشتر شده و آنان را قادر می‌سازد تا فرصت بیشتر جهت بهتر اداره کردن واحد اقتصادی خود بدست آورند .

این اقدامات منجر به آن می‌شود که تفاوت زندگی شهری و روستایی روز بروز کمتر شود و این امکان با حذف طبقه مالک عمده که عملاً همه امور زندگی ده را در خود متمرکز می‌داشت، و با سپردن کار و وظیفه آنها به سازمانهای عمرانی و بهداشتی و فرهنگی و خاصه اعتباری فراهم می‌شود .

بنابراین هرچه بیشتر چهار شرط یاد شده، با دقت و کمال، تحقق یابند، بالا رفتن سطح زندگی و میزان تولیدات در روستاها قطعی‌تر خواهد بود .

با اینکه توسعه تعاونیها در سنوات اخیر از لحاظ کمیت قابل ملاحظه است . ولی لازمست بین شرکتهای تأسیس شده و رسمیت یافته و شرکتهای فعال تفاوتی قائل شد . علاوه بر مسئله تعاونیهای روستایی بعد از اتمام مرحله دوم اصلاحات ارضی بدون شك در دهاتی که روستاییان و مالک یا مالکین سابق هر دو بکار گشت مشغولند مسائل

تازه‌ای در زمینه مالکیت و روابط بین این دو قطب مالك تازه و کهنه بروز کرده است .

در حال حاضر در بسیاری مناطق شاهد جلوه‌های متضاد زراعت سنتی و زراعت جدید و مکانیزه که اولی از آن‌زارعان تازه مالك شد و دومی از آن سرمایه‌گذاران زراعت پیشه می‌باشد هستیم . سیمای جدید مالکیت را تعاونیهای روستایی و تعمیم سواد بین روستاییان و دگرگونی تکنیک آلات و ابزار تولید شکل خواهند داد و درک این تغییر مستلزم تعقیب رگه‌های اصلی تحولاتی است که بعد از انقلاب ایران پدید آمده است . بر این اساس با استفاده از کمیت‌ها چگونگی تحولات کیفی تشریح می‌شوند:

۱- نگرشی آماری بر سیمای جدید روستاها .

الف - آماری چند از سیمای جدید مالکیت .

در اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی ۱۶۳۲۵ ده شش‌دانگ و کمتر از آن و همچنین تعداد ۱۰۱۹ مزرعه شش‌دانگ و یا کمتر از آن را دولت خریداری و میان خانوارهای روستایی که جمع افراد عضو آنها ۵۱۷۰۳۸۳ نفر بوده‌اند تقسیم کرده است .

در مرحله دوم ۲۲۵۸۴ نفر مالك که کمتر از شش دانگ زمین در يك ده یا در يك مزرعه تابع و یا مستقل داشته‌اند با ۱۵۷۰۹ نفر زارع بر اساس بهره مالکانه به تقسیم ملك مورد بهره برداری اقدام کردند . همچنین ۳۲۸۰ نفر مالك از این نوع با ۵۷۲۶۱ نفر زارع از طریق فروش و تراضی و انتقال ملك به زارعین عمل کردند و بالاخره ۴۳۱۰۱ نفر مالك و ۹۹۹۶۵ نفر زارع با توافق به ایجاد واحدهای

سهامی زارعی^(۱) اقدام کردند .

در همین مرحله براساس مقررات موضوعه ۲۲۵۲۶۱ نفر مالک ملک خود را به ۱۲۲۷۹۵۰ نفر زارع به اجاره سی ساله دادند باید یادآور شد که بعدها براساس مقررات قانون تقسیم و فروش همین املاک مورد اجاره بزارعین و مستاجران این املاک بزارعان منتقل گردید و یا آنکه در آنها بمباشرت و راهنمایی دولت واحدهای سهامی زارعی تأسیس گردید. بر اثر اجرای همین قانون بود که تا اردیبهشت ۱۳۵۱ املاک ۲۵۸۵۷۳ نفر مالک به ۹۴۵۳۳۷ نفر زارع منتقل شد و همچنین املاک ۱۲۳۳۲ نفر مالک میان آنها و ۳۸۳۵۴ نفر زارع تقسیم گردید .

در مورد روستاها و مزارع موقوفه تا اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ تعداد ۲۰۸۲ ده و مزرعه براساس قانون ، اجازه تبدیل به احسن املاک موقوفه عام (اعم از ده یا مزرعه) به ۷۴۶۷۰ خانوار روستایی واگذار شده است .

آخرین گزارش رسمی تا پایان مرداد ۱۳۵۱ نشان می دهد که تعداد کل خرده مالکانیکه مشمول مرحله سوم اند به ۲۹۴۵۹۱ نفر بالغ می شوند .

صرف نظر از ارقام یاد شده در فوق واقعیت آنستکه اصلاحات ارضی ایران در تحقق شعار انسانی سپردن زمین به آنکس که آنرا میکارد تلاش بسیار بخرج داده لاجرم زمینه عدالت و بیداری اجتماعی

۱- صورتی حقوقی از مزایه جدید که با شرکتهای سهامی زراعی تفاوت

دارد .

در قلمروهای روستایی بیش از دوره تاریخی فراهم آمده است .
 بهر حال مهم اینست که تقسیم اراضی در ایران در عین تفکیک و
 تجزیه اراضی از همان آغاز در جهت یکپارچه کردن و در نتیجه اقتصادی
 داشتن اراضی هم بوده است و بهمین منظور نه تنها واحدهای سهامی
 زراعی تشکیل گردید بلکه صورت کمال آن نیز بصورت شرکتهای
 سهامی توسعه می یابد. در ایجاد شرکتهای سهامی زراعی ویژگیهای
 جغرافیایی و ضوابط محلی در قانون رعایت شده است و علاوه بر
 امکانات طبیعی بهم پیوستن اراضی و رواج کشت مکانیزه و تأمین
 آب و موضوع تقرب به بازارهای فروش و شاهراهها و بالاخره توافق
 ۵۱ درصد زارعان مورد نظر قرار گرفته است .

اما از آنجا که کمک دولت به این قبیل شرکتهای مخصوصاً در
 سالهای اول تأسیس قابل ملاحظه بود اغلب زارعان يك منطقه بدون
 در نظر گرفتن امکانات منطقه خود تقاضای تشکیل آنرا داشته و دارند
 این گرایش طبیعی بنظر میرسد اما اگر کار تشکیل شرکت عقلانی و
 اقتصادی نباشد و بعنوان مثال در منطقه ای که مستعد کشت تجاری و سبب
 نیست زیان تشکیل دهندگان قطعی خواهد بود. و گاه نیز دولت کمک
 به مناطق آسیب دیده یا فقیر را از طریق تشکیل این قبیل شرکتهای عملی
 می سازد، اجرای این برنامه ضمن اینکه سرمایه گذاری را به هدر نمیدهد
 ولی متحمل است که سالهای متمادی اقتصادی نباشد این پدیده خاص
 ایران نیست حتی در مزارع تعاونی و مزارع دولتی کشورهای
 سوسیالیستی نیز دیده شده است .

شرکتهای سهامی زراعی نقطه عطفی در زندگی روستایی و شیوه

تولید و نظام جدید اشتراك مساعی اند و بی تردید اهرم عمران و تحول و ترقی واقعی اقتصاد روستایی و رفاه عمومی روستایان و کاهش اختلاف سطح درآمد زندگی بین شهر و ده خواهند بود.

ب - سیمای آماری نفوس روستاها :

نتایج بررسی آمارهای مأخوذ از سرشماری سالهای ۳۵ و ۴۵ رشد سالانه‌ای معادل $1/7$ درصد در مناطق روستایی را معین می‌دارد و طی ۱۰ سال (فاصله دو سرشماری) نزدیک به $2/5$ میلیون نفر و یا ۱۷ درصد بر جمعیت روستاها اضافه شده است. این رشد در مقایسه با افزایش جمعیت شهرنشین کشور ظاهراً کمتر است اما چنانچه در نظر بگیریم که اولاً تمیز روستا از شهر باملاک تعداد جمعیت و در حد ۵ هزار نفر است و در این فاصله چه تعداد از مراکز تجمع انسانی از محدوده روستاها به قلمرو مراکز شهری پیوسته‌اند. و ثانیاً شهرها چه تعداد از مهاجران روستایی را پذیرا شده‌اند باین نتیجه می‌رسیم که در مجموع می‌بایستی رشد جمعیت روستاها نه تنها کمتر از شهرها نبوده بلکه افزون بر آن هم باید باشد.

با اینکه کمیت‌های حاصل از نمونه‌گیری جمعیت بعد از سال ۱۳۴۵ کاهش رشد جمعیت روستاها را تا ۱۳۵۰ به $1/5$ درصد تنزل داده است، (۲ درصد کاهش) و در صورت توفیق برنامه‌های تنظیم خانواده روستاها باز هم میزان رشد جمعیت علی‌الاصول می‌بایستی کاهش یابد مع هذا باید گفت افزایش جمعیت شهرها را مناطق روستایی با مهاجر فرستی تکمیل میکند زیرا هم میزان موالید روستاها بیشتر از مراکز

شهری است و هم نسبت مرگ و میر مناطق روستایی کمتر از شهرهاست
 باستناد آمارگیریهای نمونه سالهای ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ که در جدول زیر
 آمده و مؤید این مدعاست ،

جدول شماره ۴ : میزان تولد و مرگ و میر (در روستاها) نسبت
 به هزار (مأخذ سالنامه آماری ۱۳۵۰ مرکز آمار ایران)

مناطق	سال	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹
مناطق	تولد	۳۵/۷	۳۳/۲	۳۵/۲
شهری	مرگ و میر	۶/۴	۶/۳	۶/۵
مناطق	تولد	۳۹	۴۱/۹	۴۴/۳
روستایی	مرگ و میر	۶/۳	۵/۶	۵/۲

بالا بودن میزان تولد در مناطق روستایی امری طبیعی و بدیهی
 است اما ابهام و تردید در پایین بودن میزان و مرگ و میر در روستاها
 نسبت به مراکز شهری است .

در بررسی ارقام نسبت مرگ و میر مناطق روستایی در مقایسه
 با مناطق شهری دو فرض یکی برای نفی نسبت و دومی برای اثبات
 صحت رقم مطرح می شود .

در قسمت اول می‌توان گفت آمارگیری نمونه است و در نمونه‌گیری احتمال خطا و کم شماری وجود دارد و افزون بر آن دقیق نبودن پوشش ثبت وقایع مرگ و میر است که بهر صورت در گذشته بویژه در مناطق روستایی از دقت کافی بهره‌مند نبوده است. و دوم اینکه براساس ضوابط علم جمعیت نسبت مرگ و میر بطور معمول در دو کرانه سنی بیشتر است یعنی در سن کمتر از یکسال که توسعه برنامه‌های بهداشتی در سطح روستاها به کاهش آن کمک کرده است و سن بالاتر از ۶۰ سال که ساکنان روستاها بویژه مردان از سن ۲۰ بیابا اغلب جذب مراکز شهری می‌گردند.

بنابر این می‌توان گفت واقعه فوت در کرانه بالای سنی اغلب در خارج از روستا اتفاق می‌افتد. و نیز بیماریهای مخصوصی که در شهرها وجود دارند در مناطق روستایی بسیار نادر بوده و ممکن است اثری از آن وجود نداشته باشد از آن جمله اند بیماریهای قلبی و عصبی و بر آن باید افزود که ادخال صنعت و ماشین بیشتر در مراکز شهری خود موجب حوادث مرگ آور است و بالاخره هستند روستاییانی که در موقع بیماری بعلت نبودن مراکز مجهز درمانی در روستا به شهرها می‌آیند و در همانجا فوت میکنند و واقعه مرگ بحساب شهرها ثبت می‌شود بنابر ادله‌ای که عنوان شد می‌توان پایین بودن رقم مرگ و میر روستاها را نسبت به شهر ظاهراً قبول کرد برطبق سالنامه آماری سال ۵۲ مرکز آمار ایران جمعیت روستایی کشور از ۱۸ میلیون تجاوز کرده است که ۵۷ درصد جمعیت کل کشور است.

کاهش نسبت جمعیت روستا نشین و یا افزایش جمعیت شهر نشین
از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۲ در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۵ درصد تغییرات روستایی و شهری

سال	روستایی	شهری
۱۳۳۵	۶۸/۶	۳۱/۴
۱۳۴۵	۶۱/۳	۳۸/۷
۱۳۵۲	۵۷	۴۳

تعداد مرد ۹۳۰۷۰۰۰ و زن ۸۸۴۲۰۰۰ نفر در روستاهاست.
و نسبت جنسی ۱۰۵/۲ است که در مقابل هر صد نفر زن ۱۰۵ نفر مرد
قرار گرفته است این نسبت قابل تردید است زیرا نسبت جنسی در
مناطق شهری ۱۰۸/۴ و در کل کشور ۱۰۶/۶ در سال ۵۲ است بالا
بودن نسبت جنسی در مراکز شهری بعلم مهاجر پذیری طبیعی است
ولی مهاجرینی که از روستاها به شهر جذب می شوند و اکثر هم مرد
می باشند ظاهر آنست جنسی در مناطق روستایی را باید کمتر از ۱۰۵

نشان دهد ولی بعضی عوامل اجتماعی و شاید توجه بیشتر به اولاد ذکور یکی از عوامل بالابودن این نسبت باشد باید اضافه کرد که ارقام حاصل از سرشماری ۴۵ و نمونه گیریهای بعدی نیز با اشکالاتی مواجه بوده که خواه و ناخواه می تواند موجب تردید در قبول نسبت باشد . سرشماری سال ۵۵ که با امکانات ارتباطی بیشتر و نیز تجربیات دو سرشماری گذشته را به دنبال دارد علی الاصول خیلی از موارد ابهام یاد شده را روشن خواهد کرد.

برطبق مأخذ یاد شده (سالنامه آماری سال ۵۲) تا سال ۱۳۵۰ در جمعیت ۶ ساله و بالاتر مناطق روستایی ۴/۲۰ درصد باسواد بوده اند که سهم مردان ۳۲ و زنان اندکی بیش از ۸ درصد است . در سال تحصیلی ۵۲-۵۳ جمع شاگردان دوره ابتدایی کشور اعم از شاگردان مدارس عادی و سپاه دانش ۳۶۴۶۴۲۱ نفر بوده است که از این تعداد ۱۷۹۰۷۶۵ نفر یعنی ۴۹ درصد در مناطق روستایی و در سطح ابتدایی بنحیض اشتغال داشته اند که مبین توسعه برنامه های آموزشی را در مراکز روستایی است ولی باید در نظر گرفت که ۵۷ درصد جمعیت کشور نیز تا سال ۵۲ در روستاها متمرکز بوده اند .

۲- بنیاد و نهادهای تازه اجتماعی ده :

تغییر سیمای مالکیت روستاها به دنبال خود یک سلسله تحولاتی را به وجود آورد که مهمترین آثار ناشی از آن تغییر هرم قدرت بود و قبلا از آن سخن رفت و بموازات این دگرگونیها بنیادها و نهادهای جدیدی در روستاها پای گرفت که تکامل این تغییرات در آینده بیشتر

و شاید همه معلول آثار این نهادهای جدید بوده و هستند . در زیر از وظیفه و نقش تأسیسات مزبور بعد از انقلاب اقتصادی و اجتماعی ایران یاد می‌شود و عبارتند از :

الف - انجمن ده :

براساس لایحه قانونی تشکیل انجمن‌های ده (شهریورماه ۴۲) اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات عملاً در دست این نهاد تازه روستایی است مع هذا براساس این لایحه تنها روستاهایی که کمتر از ۲۴۰ نفر جمعیت داشته باشند انجمن خواهند داشت و دهات دارای کمتر از این تعداد بطور مشترك اقدام خواهند کرد که حدود ۶۰ درصد روستاها نیز کمتر از ۲۵۰ نفر جمعیت دارند .

خصیصه مهم انجمن ده در آنست که اولاً اعضاء آن انتخابی و مدت ۳ سال بطور افتخاری فعالیت میکنند ثانیاً این انجمن گاه از محدوده يك‌ده خارج و تبدیل به اندامی میگردد که در چند روستا نقش و وظیفه ایفا میکند (بر حسب تعداد جمعیت) .

همچنین انجمن ده دو درصد درآمد حاصل از ده را وصول و از محل آن به تأمین نیازمندیها و ایجاد تأسیسات عمرانی اقدام می‌نماید باید افزود که میزان دو درصد اغلب کافی برای اجرای برنامه عمرانی در سطح روستاها نیست و اصولاً جمع آوری این اعتبار وسیله‌ایست برای وصول به هدف بزرگتر و آن تعمیم روحیه همیاری و مشارکت در جامعه روستایی است و در همین جهت هم بوده است که اغلب تا ۸۰ درصد اعتبار اجرای بعضی از برنامه‌های عمرانی در محدوده مسکونی

و بعضاً خارج از آن بوسیله سازمانهای دولتی و بصورت وام و غیره تأمین می‌شود.

بهرحال تردیدی نیست که این نهاد تازه در جامعه روستایی ایران تاکنون اثرات مفید و نیکویی داشته است معیناً این نهاد اجرایی کافی نبود زیرا تحقق هدفهای انقلاب ارضی در ایران مستلزم نیروی تازه و جوان بود تا محیط و مردم روستا را برای درک مفاهیم تازه زندگی و روشهای جدید تولید و ارتقاء سطح زندگی روستاییان با تعمیم سواد و بهداشت آماده سازد.

این نیروی جوان همان سپاهیان انقلاب بودند. که نقش و وظیفه آنها در زیر شرح داده می‌شود.

ب - سپاهیان انقلاب :

اعزام سپاهیان دانش و بهداشت و ترویج به روستاها موجب شد که دبستانهای جدید به کمک روستاییان بنا شود و بهداشت تعمیم یابد و توجه به دیگر امور عمرانی مثل آموزش طریقه‌های جدید کشت و مبارزه با آفات که وسیله سپاهیان ترویج انجام گرفته و میگیرد سبب شده است که مردم روستاها همه جا بیشترین توقع را از سپاهیان داشته باشند بگونه‌ای که اهمیت نقش سپاهیان در روستاها روزافزون است و به‌ویژه اعزام سپاهیان زن را به روستاها باید از وقایع مهم تاریخ اجتماعی معاصر محسوب داشت.

اهمیت مطلب در اینست که برای اول بار خدمت در روستاها بجای خدمت زیر پرچم محسوب شده و جامعه روستایی بعد از اصلاحات

ارضی که نیاز به وجود نیروی دیگری بجای مالک داشت سپاهیان انقلاب را به جبران قسمتی از قدرت حذف شده در هرم جدید قدرت بهتر پذیرا شد.

و شاید پرورش بعضی از ژاندارم‌ها که بیشتر جهت مالک بودند تازار ع موجب استقبال زارعین از سپاهیان که در همان کسوت بوده و با مالکی هم ارتباط نداشتند عامل دیگری بر این محبوبیت سپاهیان در جوامع روستایی باشد.

ج - تعاونیهای روستایی - شرکت‌های سهامی زراعی :

بجز سپاهیان ، مروجان کشاورزی و خانه‌داری ، و مأموران دفع آفات و مبارزه با انواع بیماریها مثل مالاریا و از همه مهمتر سرپرستان تعاونیهای روستایی در سالهای اخیر تأثیر بسزایی در جامعه روستایی سالهای اخیر داشته‌اند .

باری در میان نهادها و بنیادهای تازه روستایی در ایران دو نهاد تعاونیهای روستایی و شرکت‌های سهامی زراعی بیشترین تأثیر را در نظام حکومتی و اداری و روحیه جوامع روستایی ایران برجای گذاشته و خواهد گذاشت زیرا ارقام و آمار مربوط به این دو نهاد مدلل میدارد که با الهام از روحیه خود یاری ، جامعه روستایی قریباً به حد معقولی از بابت میزان درآمد سرانه و سطح زندگی و رفاه خواهد رسید . مع هذا همه اینها موکول به نحوه اجرا است .

خصوصیت اصلی تعاونیهای روستایی و شرکت‌های زراعی را می‌توان چنین خلاصه کرد :

اول - تعاونیهای روستایی و شرکت های سهامی زراعی گرچه از دو مقوله مختلفند لکن هر دو و ذاتاً بنیادهایی اقتصادی اند که خود بخود موجب ایجاد نهاد های اجتماعی جدیدی می شوند و از این رو دو خصیصه اقتصادی و اجتماعی توأم دارند .

دوم - ایجاد و تشکیل و اداره و موقعیت این تعاونیها و شرکت های سهامی زراعی تنها از طریق تأمین اعتبار و پول عملی نیست بلکه وجود يك روحیه اجتماعی ملهم از همیاریهای سنتی و تعاون علمی و عملی واقعی برای توفیق این بنیادها الزامی است .

سوم - تعاونیها در ایران اساساً وابسته به امر اصلاحات ارضی و لزوماً ارشادی بوده است بهمین دلیل توسعه آنها برخوردار از ضرورت قانونی و حمایت دولت و خواست روستاییان می باشد.

چهارم - تعاونیهای روستایی چند منظوری در صورت کمال خود عالی ترین نهاد اجتماعی است که تمامی خصوصیات اجتماعی روستایی قدیم در زمینه اشتراك مساعی جمعی و کولکتیویزم روستایی سازنده و خلاق را در برداشته و از ضعف تکنیک و کندرویه های گذشته به دور است .

پنجم - شرکت های سهامی زراعی که تأسیس آنها بر اساس ضوابط معقول جغرافیایی و اقتصادی و اجتماعی است فعلاً در بعضی منظومه های روستایی در ایران بظهور رسیده است و می تواند سریع تر از هر روش دیگر نظام اقتصادی و اجتماعی روستاها را برای نوین هدایت کند و می توان گفت شرکت های زراعی اگر بر اساس منظومه روستاها ایجاد نشوند توفیقشان با اشکالات عدیده مواجه

میگردد .

ششم - با اینکه حمایت بیدریغ دولت توسعه کمی این نهادها را سبب شده است مع هذا رشد کمی بهیچ روی هدفهای اقتصادی و اجتماعی این دو بنیاد را تحقق نمی بخشد اما شرکت های زراعی طرز تلقی تازه ای را از مالکیت زمین و آب و ابزار تولید به جامعه روستایی نوین ما ارائه کرده است .

نظر به پراکندگی روستاها و کوچکی ابعاد بعضی تعاونیها مصلحت در آن شده که حتی المقدور این تعاونیها درهم ادغام شوند .
ادغام تعاونیهای روستاها بخشی از ادغام خدمات روستایی است که منتهی به ایجاد روستا شهرهای جدیدی در مرکز هر منظومه و بخش خواهد شد تعاونیها روستایی که تعداد آنها قابل ملاحظه و در حدود سی هزار است در ۱۲۳ اتحادیه تعاونی جمع آمده اند و از این طریق بر قدرت مالی و قلمرو بازاریابی خود افزوده اند .
این اقبیل اتحادیه ها رفته رفته نیرومندتر شده و حجم معاملاتشان نخست بازارهای محلی و سپس سطح کشور را متأثر خواهند کرد . هم اکنون بسیاری از نیازمندیهای تعاونی های روستایی از طریق همین اتحادیه ها تأمین می شود و خود دولت گاه بهترین خریدار محصولات و برآورنده نیازمندیهای آنهاست .

د - خانه های انصاف، خانه های فرهنگ :

دو نهاد اجتماعی تازه در روستاها عبارتند از خانه انصاف و خانه فرهنگ . اهمیت خانه انصاف بلحاظ کشاندن روستاییان به میدان، دخالت در

سرنوشت قضایی خود و اهمیت خانه فرهنگ بجهت نقش ارتباطی و فرهنگی که دارد می باشد، معهدا برای ارزشیابی دومی هنوز زمان بقدر کافی سپری نشده است. در ارزشیابی خانه های انصاف اشاره به چند نکته ضرورت دارد: یکی اینکه خانه های انصاف نخستین واحد قضایی رسمی اند که بر جامعه روستایی راه یافته و بهدایت دولت، اما بوسیله خود مردم روستایی برایگان خدماتی در طرق رسیدگی بشکایات و اختلافات مردم انجام می دهند. دعاوی و شکایاتی که پیش از اینها تحت شرایط سیاسی و نظام بزرگزمین داری هرگز فرصت و زمینه ای برای مطرح شدن در مراجع قضائی نمی یافتند و اساساً نظام اداری دادگستری که امکان توسعه آن در تمام سطوح مراکز تجمع انسانی کوچک وجود نداشت، اکثر دعاوی روستاییان را لاینحل گذارده و منشاء اختلافات و دسته بندیهای در مراکز روستایی می شد که قسمتی از نیروی تولیدی روستاییان را صرف مبارزه در داخل این جوامع میکرد و شاید هم این دویا چند دستگی ساکنان نفعش نصیب مالکان و زیانش متوجه جامعه روستایی بود ولی روش کار خانه های انصاف به نحوی است که اغلب دعاوی با کدخدا منشی و بوسیله معتمدان و ریش سفیدان حل و فصل شده و این خود براستحکام شیوه های خود یاری می افزاید و نیز این خانه ها از افزایش مراجعان به دادگاههای دستگاههای دادگستری کاسته و سرانجام تعداد مراجعان آنست که متوسط تعداد آن در سراسر کشور از سه هزار در ماه متجاوز است و از لحاظ نوع دعاوی قابل تأمل اند و بهر حال عامل وجودی این خانه ها پیوند ارتباطی تازه ای را بر جامعه روستایی می تنند که اثر وجودی آنها بطور کامل در زمانی دورتر

محسوس خواهد افتاد .

ه - بیمه‌های اجتماعی روستایی :

از عوامل رفاه و عناصر بنیادی و نهادهای تازه روستایی یکی هم بیمه اجتماعی روستاییان است که به دنبال قانون مربوط در سالهای اخیر بدان توجه شد.

امور مربوط به بیمه‌های اجتماعی روستاییان بسیار تازه و نهادهای حاصل از آن بسیار نارس است بهمین دلیل باید مترصد رشد بعدی بود. اما نقش ادخال این نهاد تازه در جامعه روستایی متضمن درك تازه‌ای از انسان روستایی است که پیش از اینها بیشتر توجه به شیوه‌های خرافی و پیش‌بینی‌های خرافی داشت و امروز میرود که کاهش یافته و بعدها ریشه کن شود. تردیدی نیست که همراه با افزایش درآمد خانوار شبکه بیمه‌های اجتماعی روستایی سراسر کشور را خواهد پوشاند.

بخش هشتم

آینده روستانشینی در ایران

اقتصاد روستایی مثل هراقتصاد دیگر دائماً در حال تحول است. روستاهای ایران نیز از این دگرگونیها برکنار نخواهند ماند و روز بروز چهره آنها شهری تر و مردمش مدنی تر و اقتصادش با وسعت تر خواهد شد. بدون تردید تحول بزرگی در انتظار اقتصاد روستایی است و آن گرایش بسمت واحدهای زراعی بزرگ است تکنیک پیشرفته زمان ما قالب واحد جغرافیایی دهات را خواهد شکست و واحدهای بزرگ زراعی تعمیم خواهد یافت زیرا اقتصاد روستایی به صورت کنونی جز در مقیاس ده مفید نیست و اگر بنابر اینست که مصنوع و وفاه شهری به ده رود لازمست نخست تولیدات ده به شهر فروخته شوند. عکس این حالت یعنی افزایش مصرف روستایان بیش از بالا بردن قدرت تولیدی آنها فقط تحول و ترقی اقتصادی و اجتماعی کاذب و مخربی را پنهان مینهد

که نشانه‌ای از بحران و عدم تعادل اقتصادی است. تحول اقتصاد روستایی در يك کشور صنعتی و پیشرفته وظیفه‌اش پاسخ به مصارف تازه جامعه و خودصنعت است. در چنین کشوری، فاصله سطح زندگی روستا و شهر کاسته می‌گردد بنابراین ده مهجور و محصور در واحد جغرافیایی و اقتصاد بسته خود باقی نمی‌ماند.

نظام اجتماعی ده بر اساس سنن خود و بالهام از بهترین آنها یعنی اشتراك مساعی اقتصادی و اجتماعی تحول یافته خودنه‌تنها متوجه نوعی رهبری گروهی است بلکه روز بروز با شرکت فعالانه و همه‌جانبه خصوصیت انزو اطلبی و فردگرایی ناشی از فشار فئودالیزم را ترك خواهد کرد، مع هذا نباید انتظار داشت که در آن قسمت از بخش کشاورزی در روستاها که ذاتاً متوجه سرمایه‌داری کشاورزی است این حالت ظهور یابد زیرا در بررسی تغییر سیمای مالکیت ارضی در دهه اخیر ایران به پدیده اراضی مکافیزه نسبتاً بزرگ مقیاس که در دست بخش خصوصی وظیفه تازه‌ای از بزرگ سرمایه‌گذاران است بر می‌خوریم که به لحاظی خود نوعی بزرگ زمین داری است. این اراضی دودسته‌اند:

دسته نخست آنها که بکل جدید الاحداث اند و هرگز در قلمرو روستاها نبوده و جزء اراضی و مراتع بایرونیمه بایری بوده که بر اثر ادخال و اعمال کشاورزی نوین به ویژه تأمین آب از طریق حفر چاه‌های عمیق و بزیر کشت کشیدن برخی از اراضی جدید زیرسدها بوده است.

دسته دوم زمین‌هایی هستند که بدلیل وجود یافتن شرکت‌های بزرگ کشاورزی (دشت گرگان) و شرکت‌های کشت و صنعت بمرور از روستایان خریداری شده‌اند زیرا چنین زمین‌هایی محصور در

اراضی عمومی شرکتها بوده و بهترین راه برای توسعه کشاورزی و منظم ساختن آنها به کل اراضی عمومی شرکت بوده است. بدیهی است این اقدام همیشه خوشایند روستایی نیست لکن تجربه نشان میدهد که چنانکه ملك روستایی بیهای قابلی خریده شود و خود او در شرکت بخدمت درآید سریعتر موفق به افزایش درآمد و بالا بردن سطح زندگی می شود. بهر حال جامعه روستایی از بندرسته چهار مسئله اساسی در پیش پای خود دارد و توفیق در حل این مسائل سیمای جدیدی از روستانشینی را در ایران متجلی خواهد کرد که پیشگویی درباره آن هنوز زود است و این چهار مسئله اساسی عبارتند از:

اول- مسئله توفیق در مبارزه بایسوادی تا سر حد ریشه کن کردن آن.

دوم- مسئله نوسازی و عمران ده.

سوم- اضافه جمعیت روستایی.

چهارم- تربیت مدیران روستا.

۱- تحلیلی از مبارزه بایسوادی در روستاها.

معمولاً از امر مبارزه بایسوادی در روستاها و حتی در میان مردم نیمه یکجانشین بهمان صراحت یاد می شود که در شهرها و حال آنکه قرابتی در عمل و نظر میان این دو محیط نیست و امکانات و مواضع کار مبارزه بایسوادی ایران در مناطق روستایی بکلی از مناطق شهری متفاوت و این دو متمایز از نواحی کوچ نشین است. این دو تفاوت قبل از هر چیز در دو گونگی محیط جغرافیایی و زمینه های اقتصادی این دو قلمرو انسانی است.

شهرجایی است که ذاتاً و اساساً خصیصه‌ای ارتباطی و اقتصاد تجاری دارد و احتیاجات خود را کاملاً از خارج وارد میکند و ده جایی است که منشأ اقتصادی محدود و بعضاً بسته دارد.

جامعه شهری که در آن شخص شهرنشین قبل از هرچیز بکار روزانه و روزمره و نظم‌آشناست و تصویری صحیح از وقت و تقسیم آن دارد با جامعه روستایی که در آن نظم جز به حسب فصولی کشت و تقویم زراعی و امور مربوط به پرورش دام و غیره برقرار نیست و فرد روستایی از برنامه روزانه و تقسیم وقت و صرف آن بحسب ساعت و دقیقه تصویری صحیح ندارد، فرق دارد. میزان اقبالی که جامعه قید-شکن و گشاده و ضمناً گرفتار شهرها از امر مبارزه با ییسوادی میکنند با اقبالی که مردم سنت پرست روستاها از این بابت می‌نمایند با یگدیگر قابل مقایسه نیست و اگر بنای کار در این جهاد علیه بی سوادی تنها بر سرعت باشد باید بیاد آورد که سرعت باسنت مغایرت داشته و سنت‌ها را نمی‌توان به سرعت تعدیل کرد.

بهمین گونه است وضع جامعه‌ای که بحالت کوچ‌نشینی و یا نیمه کوچ‌نشینی بسر می‌برد با این تفاوت که عدم وجود ثبات و سکون در این جوامع تفاوت‌ها را تشدید کرده به میزان اختلافات در زمینه امکانات مبارزه با ییسوادی هرچه بیشتر می‌افزاید.

از سوی دیگر انزوا و مهاجوری و فاصله نسبتاً زیاد روستاها و ویژگیهای جوامع ایلاتی که قبلاً به آن اشاره شد بمروور زمان هر کدام را خصائصی منحصر بخشیده است که احکام و اطلاعات و قوانین عمومی مربوط به یکی به سادگی در مورد دیگری صدق نمیکند و هر کدام

شناسایی مستقل و مستقیمی را میطلبند.

برای این منظور هیچ چیز بقدر روستاشناسی نمی تواند ما را مددکار باشد و همانطور که گفته آمد مراد از روستاشناسی بررسی همه جانبه يك ده و یادهاست متعدد بمنظور استنتاج قواعد عمومی می باشد به نحوی که این مطالعه مستقیماً امر عمران را بکار آید.

به این ترتیب نه تنها امکانات و عدم امکانات و مشکلات و موانع امر مبارزه با بیسوادی ضمن مطالعات روستاشناسی آشکار می شود. ذیلاً گروهی از مهمترین مشکلات را در کار مبارزه با بیسوادی که بیش از دیگر مشکلات حائز توجه بوده و باید رفع شوند عنوان میکنیم:

الف- طبقه بندی مشاغل روستایی و سوادآموزی روستایان:

در بررسی نظام اجتماعی روستاها دیدیم که برخلاف آنچه در مرحله نخست بچشم میخورد و معمولاً اذهان ساده و دور از عوالم جامعه روستایی می پندارند تعدد مشاغل در روستاها است و طبقه بندی مشاغل روستاها در امر مبارزه با بیسوادی لازم است. بررسی طبقه بندی مشاغل در روستاها تفاوت عمده ای را در مقایسه با شهر هویدا می سازد، زیرا علاوه بر حالات ساده مشاغل، حالات ترکیبی آنها نیز وجود دارد یعنی هر روستایی در طول مدت سال مشاغل اصلی و فرعی دارد که متناسب با امکاناتی که برایش موجود است، اوقات خود را وقف آن میکند، بنابراین طبقه بندی مشاغل از جهت عکس العمل طبقات مختلف و صاحبان مشاغل و حرف در قبال امر مبارزه با بیسوادی است و همچنین اقبالی است که مردم هر طبقه در زمینه مساعد ساختن و وضع و رفع مشکلات و فراهم ساختن امکانات خواهند نمود که بکلی از یکدیگر متفاوت است. و نمی توان با اعمال يك

روش خاص به صرف اینکه تعداد جمعیتشان کم است از آنها جهت برآوردن منظور خود بهره برداری کرد.

ب- تنظیم اوقات سوادآموزی:

کارآموزش مبتنی بر برنامه و صرف وقت از روی نظم برای مدتی از سال است. این چیزی است که با تقویم زراعی و خصایص شغلی روستایی که در فوق به آن اشاره شد سازگار نیست. نه تنها تعلیم بزرگسالان بلکه آموزش خردسالان نیز با توجه به تقویم زراعی و خصایص شغلی درده وضع و صورت خاصی بخود میگیرد، چه فرزندان روستاییان غالباً خدمه تولیداند و نقش آنها در تأمین درآمد خانوار در همان سنینی که ما آنها را لازم التعلیم میدانیم مددکار پدران خانواده‌ها می‌باشند.

اصطکاک ساعات درسی بکار تولیدی روستاییان، در هر سن و سال که باشند، امری اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان آنرا نادیده انگاشت. بنابراین کار روستاها برنامه کارآموزش و تدریس باید وضعی بخود گیرد که به هیچ روی اختلالی در معیشت خانواده‌ها پدید نیاورد. این امر اگر از تأثیر کار نکاهد بدون شك در طول دوره آموزش مؤثر خواهد افتاد.

اثرات این تضاد و این مشکل در تمام نقاط روستایی مشهود است و علیرغم دستورات صادره و انضباط اداری دیده می‌شود که در اغلب موارد و در بحبوحه کار ضرورت ایجاب می‌نماید که مدارس کار خود را تعطیل کنند و زمان درس جابجا شود بدین ترتیب وقتی مبارزه بایسوادآموزی موقوف به زمان معین و محدود گردد مشکل اجرای برنامه

مضاعف می‌گردد.

اعمال هر نوع انضباط به طریق اجباری چنانکه گذشته نشان داده است، این خطر را در بردارد که مردم روستایی به امر سواد چون امری تحمیل شده از سوی قدرت حاکم بنگرند و مآلاً ارزش واقعی آنرا در زندگی مادی و معنوی خود فراموش کنند.

ج- سرمایه‌گذاری در سوادآموزی روستاییان

تجربه نشان داده است که مردم روستایی و حتی شهرهای مانوقع دارند که تحصیل سواد مجانی باشد در این صورت کلیه هزینه‌های مربوط به مبارزه بایسواد بی‌عهده دولت خواهد بود. ولی هر قدر دولتی از بابت تأمین این سرمایه توانا باشد سنگینی آنرا حس خواهد کرد اما مشکل مهمتر آنست که اگر تنها دولت دست به کار شود مردم احساس شرکت و سهم بودن در این جهاد را نمی‌کنند و اصولاً جهادی را حس نخواهند کرد. در سهم داشتن مردم هم لزوماً باید هدف درخشانی را در مقابل مردم قرار داد مثلاً در موضوع ذینفع ساختن مردم ارتباط برنامه‌های عمران را با مبارزه بایسواد مطرح می‌کنیم. تجربه سپاه دانش اگر موضوع اصلاحات ارضی را قبل از خود نداشت احتمالاً توفیقات فعلی را نصیب نمی‌ساخت.

بنابراین اگر مردم احساس حرکت در این کار را داشته باشند اجرای برنامه داوطلبانه براه خواهد افتاد که در صورت رهبری درست از سنگینی بار دولت و کندی جریان و طول مدت به میزان قابل ملاحظه ای خواهد کاست. زیرا احساس شرکت و سهم شدن در کار جنبه‌هایی روانی نیز دارد، که رعایت آنها مستلزم آشنایی با روانشناسی کار در

روستا براساس روستاشناسی است.

د- جامعه سنت پرست روستایی و سوادآموزی.

بطور کلی در جوامع روستایی عرف و سنت بیش از آیین نامه و قانون حاکم بر تصمیمات و تحرکات اجتماعی است این سنتها در بسیاری موارد جنبه مذهبی داشته و بهمین دلیل محترم تر و واجب-الرعايه می شوند.

بنابراین در اجرای هر برنامه عمومی نخست با سنتها روبرو خواهیم بود امر مبارزه با بیسوادی نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود زیرا نه تنها افراد کم سال يك خانواده بلکه تقریباً همه آنها را شامل خواهد شد.

مفهوم معلم، کتاب، مدرسه، سواد و مراد از باسواد شدن در ذهن و ضمیر روستاییان متفاوت از آن چیزی است که شهریان می-پندارند در شرایط کنونی غالب روستاییان سواد را مفری و راهی بسوی قدرت اداری و اغلب اشتغال بکار اداری و شهری و حداقل ملا شدن می دانند، این معنی در بررسی های انجام شده به وضوح در پاسخ این سؤال پرسشنامه خانوار که «بعد از اتمام تحصیل فرزندان میل دارید چه شغلی انتخاب کنند» دیده شد که تا ۹۰ درصد مشاغل اداری و خدمات شهری را نام برده اند البته سؤال یاد شده بصور مختلف و با توضیحات بیشتر خواسته شده از جمله اینکه میل دارید فرزندان تا چه سطحی تحصیل کنند؟ و در چه رشته ای؟

اغلب بهمان دوره ابتدایی و متوسطه اکثراً و بندرت تحصیلات عالی را ذکر کرده اند پس از این سؤال خواسته شده است که میل

دارید فرزندان بعد از اخذ دیپلم متوسطه چه شغلی انتخاب کند؟ و پاسخها بیشتر از همان نمونه بود که از آن یاد شد.

این تلقی بسیار خطرناک و مضر است چنانکه خواهیم دید اگر خواندن و نوشتن و حساب کردن وسیله دانستنی و دانستن وسیله بهره برداری از محیط نباشد این سواد و دانایی نه تنها افتخاری ندارد بلکه زیان بخش هم خواهد بود. و بهر حال باید در نظر داشته باشیم که روح روستایی آغشته به سنت پرستی است و نباید با ملاکهای شهری با آن روبرو شد.

هـ. محتوای امر تعلیم سواد روستایی

نتیجه مبارزه با بیسوادی در توانایی برخواندن - نوشتن - شمردن خلاصه شده است، اما این سه کلمه قالب کار است و معمولاً محتوای آنها کمتر مورد توجه واقع می شوند ابتدا باید بدانیم روستاییان در امر سواد :

چه بخوانند؟

چه بنویسند ؟

برای چه بشمارند؟

- در امر مبارزه با بیسوادی بایستی حساب کردن را بیش از خواندن و نوشتن اهمیت داد. باین معنی که خواندن و نوشتن بایستی وسیله ای برای حساب کردن و حساب کردن وسیله ای برای تقویت فکر و بهره برداری از محیط باشد زیرا حساب کردن مقدمه تفکر عقلانی و اقتصاد تولید است.

- هر کلمه‌ای که به مردم لازم التعلیم آموخته می‌شود باید رابطه‌ای با محیط‌شناسی و بهره‌برداری از محیط و امور تولیدی داشته باشد. بطوریکه خواندن و نوشتن و حساب کردن ممدکار روزانه و امور تولیدی و خلاصه کسب و کار و حرفه آنها باشد. چه اگر جزاین باشد سواد نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه افراد را نسبتاً به محیط خود احیاناً بی‌علاقه کرده و مهاجرت به شهرها را تسریع می‌کند که مضار آن آشکار است.

و- گروه‌های سنی و جنسی لازم التعلیم در روستاها. مبارزه با بیسوادی در جوامع روستایی متوجه کدام گروه‌های سنی و جنسی است؟ این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که: اولاً عکس‌العمل گروه‌های سنی در مقابل مبارزه با بیسوادی یکسان نیست.

ثانیاً عکس‌العمل مردان و زنان در مقابل سوادآموزی در هر منطقه بطور جداگانه قابل تأمل است. ثالثاً درجه لزوم آموزش برای هرگروه سنی تفاوت خواهد داشت.

اینها مایلی قابل توجه هستند و عدم توجه کافی به هر کدام یک سلسله مشکلات و موانع را بیار خواهد آورد که رفع آنها اکثر غیر ممکن خواهد شد.

ز- سهم زنان شهری در سوادآموزی روستاییان. شرکت زنان شهری در کار مبارزه با بیسوادی در روستاها می‌تواند آثار درخشانی داشته باشد توفیق زنان در کار تدریس و بالابودن

اثر کار و میزان بازده آنها غیر قابل انکار است.

یعنی در درجه اول از وجود سپاهیان زن و بعداً زنان شهرها و مراکز جمعیتی بزرگ می‌توانند در کار سوادآموزی مفید واقع گردند بدیهی است در عمل مشکلات متعددی وجود دارد که مهمترین آنها موضوع اقامت زنان شهری در روستاها و بویژه مناطق دور دست است.

ح- پی‌گیری در کار سوادآموزی:

شرط لازم برای توفیق در تحقیق سوادآموزی پی‌گیری همه جانبه است.

جامعه روستایی سنت پرست و محافظه کار و متأثنی است رسوخ در دل چنین صخره‌ای جز با استقرار و مداومت عملی نیست.

۲- نوسازی روستاها

در شرایط و اوضاع و احوال عصر حاضر، عمران روستاها توجه و تأکید بر سه برنامه اساسی بشرح زیر دارد:

الف - تحول در سیستم زراعی و ابزار تولید از طریق ترویج روشهای جدید علمی بمنظور ساخت زیر بنای اقتصادی پربازده و عقلانی .

ب- تحول در نظام اجتماعی و چگونگی مدیریت روستایی از طریق سهم کردن هرچه بیشتر روستاییان در اداره امور و قبول مسئولیت توسط آنان.

ج- نوسازی ده و ایجاد تسهیلات ارتباطی به‌ویژه راه و همچنین تنظیم و تنسيق نقشه جامع ده بمنظور ساختن بناهای عمومی تازه و

مساکن روستایی.

پیش از اینکه امکان نوسازی روستاها سنجیده شود نخست باید بدانیم که چرا نوسازی میکنیم و هدف غایی و ضرورت‌های اجتناب ناپذیر آن کدام است؟

نوسازی معمولاً بر علل و ضرورت‌هایی مبتنی است که اهم آن بشرح زیر است:

الف - بدی وضع مساکن روستایی موجود بدلیل کهنگی و مغایرت شرایط داخلی با شرایط زیست انسان امروز.

ب- کمبود مساکن روستایی به‌با توجه به تعداد خانوارها و جمعیت که روزافزون است.

ج- عدم تناسب اجزاء مسکن یعنی بخشهای داخلی اکثر خانه‌های روستایی در رابطه با نوع معیشت و اقتصاد متحول شده بعد از اصلاحات ارضی.

د- نیاز به تأسیس بناهای عمومی مانند انبار - سیلو - مدرسه و غیره .

ه- توسعه و تکمیل شبکه راههای فرعی.

و- دفاع در مقابل حوادث پیش‌بینی شده مانند زلزله، سیل و غیره .

در زیر بعضی از تأسیسات و اهمیت و فوریت آن به اجمال تشریح می‌شوند:

الف : راه - انبار

اگر از دیدگاه هدفهای اصلاحات ارضی و برنامه‌های عمرانی

مکمل آن به موارد فوق توجه شود ملاحظه می شود که از منطقه ای به منطقه دیگر اولویت طرحهای نوسازی تفاوت میکند ولی بهرحال در شرایط کنونی قبل از هرچیز ساختن راه از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا افزایش تولید و بدنبال آن بازاریابی و ایجاد بسیاری از تأسیسات و تجهیزات رفاهی جامعه روستایی مستلزم وجود راه ارتباطی است .

وقتی اقتصاد روستایی بر اثر بازاریابی رونق گرفت ساختن انبار و تأسیسات مربوط به حفاظت و نگهداری اصافه تولیدات روستایی ضرورت پیدا میکند ولی سیاست نوسازی در روستاها بایستی براساس مشارکت دولت و روستاییان و مناسب با درجه رشد اقتصادی هر ده پیش رود زیرا اقدامات خیرخواهانه دولت و گشاده دستیهای وی همیشه اثر مثبت نخواهد داشت و بهتر آنست که دولت هم خود را متوجه زیربنای اقتصادی روستاها کند و در باقی امور هادی و ناظر باشد.

ب- مساکن روستایی و نوسازی آنها.

مساکن روستایی علاوه بر خصایص ویژه ای که در بخش «سیمای ده» از آن یاد شد بطور کلی در سراسر جهان بدو صورت اصلی مجتمع و متفرق و بعضاً با شرایطی بینابین این دو نوع دیده میشود و براساس همین صور مختلف استقرار و نقشهای متعدد تولیدی و معیشتی که عموماً به تبعیت از محیط جغرافیایی است بکلی از مساکن شهری متفاوت اند بنابراین لازم است آنها را از نقطه نظرهای خاص مطالعه کرد و قبل از همه توجه به مسئله اساسی تفرق و تجمع مساکن روستایی ضرورت دارد:

زیرا این پدیده خود معلول عوامل متعددی است که بدون تردید سیستم بهره‌برداری از خاک از عوامل مؤثر تمرکز و عامل آب در تفرق مساکن مؤثر است بنا بر این در بنای مساکن روستایی موضوع تمرکز و تفرق را بایستی مطمح نظر قرارداد و از اشتباهاتی نظیر آوج، دانسفهان و غیره حذر کرد با آنکه قوانین عمومی در جغرافیای انسانی برای داخله فلات و سواحل شمال و جنوب داریم با اینحال هر ده قانون خاص خود را دارد که باید قبل از اقدام به‌ر عمل عمرانی در ده آنرا مطالعه کرد و شرایط آنرا دریافت و به‌حساب گرفت و در غیر اینصورت تنظیم نقشه‌های شهرسازی برای ده اشتباهاً و احیاناً با زیان همراه است.

ج- مصالح ساختمانی و رابطه آن با محیط جغرافیایی.

در مساکن روستایی بطور طبیعی انسانها مصالح ساختمانی خود را از محیط پیرامون اخذ میکنند و در امر انتخاب مصالح موجود در همین محیط پیرامون بازهم اختیار همیشگی وجود ندارد بلکه این تکنیک است که آنرا انتخاب میکند.

بطور کلی تبعیت نوع مصالح ساختمانی از محیط جغرافیایی پیرامون در روستاها مشهودتر است بدلیل آنکه در آنجا تکنیک ضعیف‌تر بوده و روستاییان مجبور بوده اند ارزان‌ترین، بهترین، مناسب، ترین و سهل‌الحصول‌ترین ماده ساختمانی موجود در محیط جغرافیایی پیرامون را انتخاب کرده با آن خانه بسازند مثلاً:

چوب برای مناطق جنگلی. مثال نمونه: گیلان.

گل برای مناطق جلگه‌ای و دشت. مثال نمونه: دشت فراهان و خیلی از

مناطق داخل فلات.

سنگ برای مناطق کوهپایه‌ای. مثال نمونه: کوهپایه‌های البرز. نی برای مناطق مجاور نیزارها. مثال نمونه: دشت میشان- شادکان. بدیهی است این‌ها مواد و مصالح غالب در ساختمانهای يك طبقه‌اند و علاوه بر آن ترکیب این مواد شرایط مختلفی را بدست‌داده که اقسام مسکن روستایی از این لحاظ متنوع‌تر شده است. بنابراین در انتخاب نوع مصالح ساختمانی لازم است محیط جغرافیایی و محلی را فراموش نکنیم مادام که تکنیک ماده‌ای جانشین گل نساخته و یا اگر ساخته هنوز در دسترس ما نیست حق نداریم به اشتباه بناهای گلی را ناشی از يك طرز تفکر و فلسفه شرقی و یا بی‌اعتنایی بدنیا دانسته آن را مردود بدانیم.

خاصه آنکه در داخل فلات و بخصوص حاشیه کوبر خاگرس هم ضدگرما و هم ضد سرماست و بکار بردن آجر و سیمان و نظایر آن هم همیشه دلیل تحول نیست.

د- عوامل مؤثر در سبک بنای خانه‌های روستایی.

خانه روستایی صرفاً يك محل آسایش جهت فرد روستایی نیست بلکه این خانه نقش‌ها و وظایف دیگری هم بعهده دارد که بانوع معیشت و اشتغال روستایی در رابطه است و بحسب اینکه مبنای اصلی معیشت مردم زراعت باشد و یا باغداری و یا دامداری و یا صنایع دستی و بالاخره ترکیبی از انواع اینها که یساده شد، بهر حال اجزاء خانه‌ای که خود روستایی در آن زندگی میکند متفاوت می‌شود.

سخن این است که ما در نوسازی هر ده باید بعد از مطالعه کامل

وضع جغرافیایی آن، نوع معیشت مردم آنرا هم مطالعه کرده و مناسب با آن طرح اجزاء خانه را پیشنهاد کنیم بنابراین می توان نظر داد که تا چه پایه نقشه ها و خانه هایی که در مرکز مملکت یا استانها نمونه آنرا طرح کرده و سپس وسیله مقاطعه کاران به روستاها صادر می کنیم نادرست است.

در مورد سبك بنا باید گفت که در روستاها بخصوص تحت تأثیر دو عامل اساسی است:

اول- عوامل طبیعی مانند اقلیم و زلزله که اثر آنها محسوس و در ایجاد بنا بهتر به محاسبه درمی آیند.

دوم- عواملی مانند سنن محلی و مذهبی که اساساً پیچیده و بظاهر کمتر محسوس است.

و بخصوص در بنای خانه های روستایی باید چهار عامل:

اول - طرز بهره برداری از زمین را بجهت تفرق و تجمع مساکن.

دوم- محیط جغرافیایی پیرامون را بجهت تعیین نوع مصالح ساختمانی و سبك بنا.

سوم- نوع معیشت را بجهت تعیین اجزاء و بخشهای داخلی بنا
چهارم- آداب و رسوم و مذهب را بجهت نوع معماری در نظر گرفته و از صدور هر گونه نقشه و طرح و تعیین سبك بنا و مصالح ساختمانی خارج از محل پرهیز شود.

جنبه کمی نوسازی روستاها اهمیتی جداگانه دارد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۴۵ تعداد کل واحدهای مسکونی مناطق روستایی

حدود ۲۶۴۵۰۰۰ بوده که از این تعداد نزدیک به دو میلیون از مصالح ساختمانی نامناسب با زندگی يك اقتصاد پیشرفته روستایی بوده است. براساس همان سرشماری چنانکه جمعیت روستانشین ایران را حدود ۱۶ میلیون نفر بدانیم در هر واحد مسکونی مناطق روستایی ۶ نفر زندگی میکرده‌اند و از همین حساب ساده میزان کمبود خانه‌های روستایی و تلاش عظیمی که برای جبران این کسری در پیش داشته و خواهیم داشت معلوم می‌شود.

۳- تربیت مدیران روستا

همانطور که قبلاً گفته آمد هرم قدرت اجتماعی در گذشته در هر ده عبارت بود از مالک عمده یا چند مالک عمده (در رأس) و بعدمباشراً کدخدا و دشتبان و اما قاعده این هرم که بسیار وسیع بود مرکب از يك طبقه بنام رعایا و مورد استثمار اقتصادی و همچنین محرومیت اجتماعی بودند خصوصیت ذاتی این هرم در این بود که قدرت اقتصادی و اجتماعی و اداری یکجا در رأس هرم متمرکز بود و این سه قوه تقریباً غیر قابل تفکیک و تجزیه بود.

شاید یکی از علل فساد و بی‌خبری صاحبان قدرت تورم بیش از حد و اندازه قدرت بود که در اختیار گرفته بودند.

در حال حاضر از لحاظ اقتصادی با تقسیم زمین و دادن کمکهای مادی بهزارع و ادخال روشهای جدید فنی موجبات رشد بیشتر و بازده بالاتری در واحد سطح فراهم شده است و در پاره‌ای موارد با خرید محصولات و تأمین بازار از قبل دهقان را از زیان احتمالی رها نموده‌ایم.

همچنین تسهیلات ارتباطی اضافه محصول را بیازار عمده و شهر کها می‌رساند معینا این کوشش‌ها همیشه ما را در تحقق هدف غایی تحول در روستا صد درصد موفق نداشته زیرا هر اقدام تازه فنی و اقتصادی سر راه خود با انواع موانع اجتماعی روبرو می‌شود که برای دفع آن نیاز به مقررات و قوانین تازه‌تری محسوس می‌گردد.

تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی ناشی از تجزیه و پاره‌پاره شدن اراضی روستاییان که تقسیم زمین را هم میان وراثت بدنبال خود داشت به دلیل اقتصادی ضرورت داشته است.

باری در اوضاع واحوال گذشته مالکی که همه کاره بود بالطبع مدیری بود که بهیچ وجه نیازی بعلم مدیریت جدید نداشت معینا وی مدیر بود و ده را اداره می‌کرد. اصلاحات ارضی این وضع اجتماعی را بکلی دگرگون ساخت باین معنی که قاعده هرم یعنی رعایا را زارع مالک اعلام کرد و از آن پس سعی گردید نیروهای تازه نفس و جوان و لایقی جانشین قدرت‌های مطلق گذشته شوند و قدرت مالک تجزیه شد برای اینکار سازمانها و اندامهای تازه‌ای بوجود آمد. سازمان اصلاحات ارضی و سازمان تعاون روستایی بوجود آمد و سازمان ترویج که پیش از آنهم وجود داشت فعال‌تر شد و از همه مهمتر سپاهیان انقلاب در نقش معلم و مرّوج کمک مؤثری به تحقق هدفها کرده و میکنند. پس از آن انجمن‌های ده و خانه‌های انصاف بسیاری از مشکلات را گشودند و قدرت اداری چنانکه لازمه آنست تقسیم شد و کارها نیز.

اما مشکل تازه‌ای از همین تجزیه قدرت و ظهور تخصص‌ها پیدا شد و آن بیماری بوروکراسی همراه با سازمانهای اداری بود که از شهر

به‌ده سرایت و نشو و نما کرد و همان آثاری را بوجود آورد که ده‌ها نمونه آن را در شهر می‌بینیم. شرایط اقتصادی امروز مملکتی اینک خواستار آنست که روستاییان نه تنها معیشت خود را از طریق کشاورزی با شیوه عقلانی و علمی تأمین کنند بلکه پاسخگوی مصرف روزافزون جوامع شهری و کارخانه‌هایی که به‌مواد اولیه زراعی احتیاج دارند نیز باشند همین خواسته است که نیاز به مدیریت صحیح را در سطح روستاها بشدت محسوس کرده است.

بنابراین پرورش گروهی مدیر برای روستاها باید در دستور کار قرار گیرد، ولی باید دید شرایط اینکار چیست و این مدیران چگونه افرادی باید باشند و پرورش آنها با کدام دستگاه است.

پاره‌ای از صاحب نظران وحتى مجریان عقیده دارند که مأموران ده ناگزیر باید متخصص باشند بعضی هم با توجه به اینکه کار زراعت مکانیزه و علمی امروزی نتیجه استفاده از تخصص‌هاست انقلاب آرام کشاورزی را در ده تنها از طریق اعزام متخصصان قابل تحقق می‌دانند یعنی میگویند برای هر يك از امور کشاورزی مانند بذر و کود و ترویج درختکاری و پرورش دام و آبیاری و خاکشناسی، نوسازی، امور تعاون، ماشین آلات کشاورزی، بهداشت و صنایع مختلف روستایی و غیره متخصصانی جداگانه اعزام شوند. با اینکه در این نظر واقعاً نهایت درجه دلسوزی بوده و در ضمن کمال مطلوب است مع هذا اجرای آن بدور از واقع بینی است زیرا چنین طرحی مستلزم آنست که واقعاً در هر ده حداقل پنج تن متخصص برای امور یاد شده داشته باشیم و این خود بجز معلم و پزشکیار است. به این ترتیب در حالت کمال مطلوب حداقل

به ۱۰ تن متخصص برای هر ده نیاز داریم که این ۱۰ تن هم اگر هماهنگ و صاحب روحیاتی سازنده باشند خود ۱۰ تن دیگر را بعنوان کمک و زیر دست احتیاج دارند و اقامت این ۲۰ تن مأمور در يك ده سازمان اداری مجهز و پیشرفته و وسایل رفاه و زیست اعم از مکان و منزل و وسایل حمل و نقل و غیره می‌خواهد که تأمین آن برای ما در شرایط فعلی نه امکان دارد و نه از لحاظ اقتصادی مقرون بصرفه است.

با توجه به تعداد بیش از ۶۰ هزار روستا که در سطح کشور پراکنده است.

ممکن است گفته شود می‌توان ترتیبی داد تا هر چند ده از وجود يك متخصص استفاده کنند.

این نظر درست است ولی باید بخاطر داشت که استفاده از يك متخصص در هر زمینه برای چند ده وقتی میسر است که اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و بویژه شرایط جغرافیایی مساعد باشد.

مساعد بودن وضع جغرافیایی مثلاً در مورد تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی از ضوابط اولیه است و هم اکنون از جمله مشکلات کار وزارت تعاون و امور روستاها انتخاب مناطق مساعد برای تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی است.

تجربه تعاونی‌های روستایی نشان داده است که وقتی يك سرپرست چندین ده را از لحاظ امور تعاونی زیر نظر بگیرد و از آنها سرکشی بعمل آورد همیشه در کار خود موفق نیست مدیران شرکت‌های تعاونی اعتبار داشت گرگان که فاصله روستاهای آن ناچیز و اغلب راه بالنسبه مساعد هم دارند در سال ۵۰ ضمن تحقیقی در همین زمینه به محققان شکوه

میکردند و چنانچه راه صعب العبور و یا روستا فاقد راه ماشین رو باشد عدم توفیق این روش قطعی بنظر میرسد.

بنابراین باید چاره‌ای دیگر اندیشید و اساس را بر ضوابط دیگری نهاد و این ضوابط را به آسانی می‌توان با الهام از روستاشناسی و تحقیقات انجام شده یافت.

محیط روستاهای ما نیاز به کسانی دارند که چند پیشه بوده و از تخصصهای گوناگون آگاهی داشته باشند چنین افرادی باید بهمان اندازه در بذرشناسی تخصص داشته باشد که مثلاً از مرغداری یا تعاونی و بالاخره بازاریابی و امور سیاسی و اجتماعی.

اینکه بر امور سیاسی گاه و بیگاه در این نوشته تکیه می‌شود حقیقتی است که ما باید خود را برای مقابله با آن آماده کنیم روستاییان ما روز بروز آزادتر و باسوادتر و بیناتر و بهره‌مند از قدرت خرید بالاتر می‌شوند بنابراین چنین افرادی را باید برای آینده نزدیک از لحاظ سیاسی و فرهنگی آماده کرد.

برای اداره امور روستاها به افرادی چندارزشی و آشنا به تخصص- های گوناگون احتیاج داریم. این صحیح نیست که مأموری با اتومبیلش به ده برود و کار وی تنها رسیدگی به دفتر تعاونی روستایی یا کاری نظیر آن که وقت زیادی را در روز نمی‌گیرد باشد.

چنین فردی اگر خوب تربیت شود و تخصص‌های گوناگون را ولو در سطح نیمه ماهر بیاموزد می‌تواند ضمن رسیدگی به دفتر تعاونی بکارهای دیگری مانند راهسازی و بهداشت و کود و بذر و صنایع روستایی و امور خانه فرهنگ و دیگر امور فنی و اجتماعی و اقتصادی

هم برسد. و برای روستاهای مافعلاً بصرفه مقرون نیست که متخصص متعدد داشته باشند در حالیکه برای صنایع بزرگ شهرها اینکار صرفه اقتصادی دارد.

تربیت مدیر برای روستاها بصورت فوق و روی آوردن به افراد جامع‌الاطراف و چند ارزشی بی‌تردید مهمترین مسئله‌ای است که اینک باید در روستاهای ما به آن توجه کرد.

۴- اضافه جمعیت روستایی

جمعیت روستاهای ما اینک ۵۷ درصد جمعیت کل کشور است (سالنامه آماری کشور) در حالیکه عواید حاصل از اقتصاد روستایی ما حدود $\frac{1}{5}$ کل تولید ناخالص ملی تا سال ۴۷ بوده است.

از طرف دیگر ما در روستاها دچار بیکاری پنهان و کمی اشتغال بوده‌ایم و هنوز هم کم و بیش هستیم.

از آنجا که رشد اقتصاد روستایی ما طی بیست سال اخیر جز ۳ و حداکثر ۴ درصد نبوده است، بنابراین دولت ناچار بوده از محل دیگر خاصه عواید نفت و خلاصه از خزانة کمک به روستاها بنماید و یا از طریق بخشودگی مالیاتی موجبات تقویت و تشویق امر سرمایه‌گذاری در کشاورزی را فراهم آورد ولی این کمک‌ها همیشگی نخواهند بود و هر ده می‌باید روی پای خود بایستند.

باری اضافه جمعیت روستایی ایران از جمله مسائلی است که حل آن از طریق برنامه تنظیم خانواده هم مشکل است بنابراین از طریق بالا بردن تولید و آفریدن انواع معیشت‌های تازه در واحد منظومه‌های

روستایی بزرگ یعنی توسعه شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های بزرگ تولید و عمران منطقه‌ای صورت‌پذیر است و همچنین این مسئله با توسعه برنامه‌های صنعتی جدید در کل مملکت منتهی به معکوس شدن نسبت جمعیت شهری و روستایی می‌شود بنابراین اضافه جمعیت روستایی جز در سطح يك برنامه‌ریزی عمومی برای نیروی انسانی ایران قابل حل نخواهد بود و از اهم مسائلی است که گروه کثیری از برنامه‌ریزان و پژوهشگران را در سالهای آینده بخود مشغول خواهد داشت.

نکته آخر آنکه راه حل اساسی بردن رفاه شهری به ده و بالا بردن قدرت خرید مردم ده است که از مهاجرت روستاییان به شهرها بکاهد. و همچنین باید در نظر گرفت که هر گونه تحول در جهت افزایش سطح رفاه و درآمد زندگی روستاییان منوط به این می‌شود که بین توان واحد جغرافیایی و قدرت تکنولوژی و تعداد جمعیت ساکن واحد روستاها تعادلی برقرار باشد بنابراین هر گونه اضافه جمعیت که تعادل طبیعی منطقه را برهم زند مآلاً تعادل اقتصادی و اجتماعی را نیز برهم خواهد زد.

